

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

مقدمه
امر اول
امر دوم
امر سوم
باب اول در اشکال و دواير
باب دوم در استخراج زايجه
باب سوم در استخراج ضماير
فصل اول منسوبات خانه‌ها
فصل دوم سير نقطه
باب چهارم حکم مطلق
فصل اول در مزاج و امتزاج نقطه
فصل دوم در اوتاد نقاط
فصل سوم مطلوبات نقاط
فصل چهارم در اوتاد خانه‌ها
فصل پنجم نظرات خانه‌ها
فصل ششم حرکات طول و عرض
فصل هفتم داخل و خارج اشکال
فصل هشتم اشکال
فصل نهم مطلوبات اشکال
فصل دهم حکم بسیط و حکم مرکب

فهرست مطالب

- باب پنجم در استخراج عدد
 - فصل اول در اعداد عناصر
 - فصل دوم در اعداد خانه‌ها
 - فصل سوم در ارباع خانه‌ها
- باب ششم در استخراج خبایا
 - فصل اول انقلاب خبی
 - فصل دوم منسوبیات عناصر
 - فصل سوم منسوبیات اشکال
- باب هفتم در استخراج دفاین
 - فصل اول جهات عناصر
 - فصل دوم عرض و طول و عمق اشکال
- باب هشتم در استخراج اسماء
 - فصل اول حرکات میزان
 - فصل دوم قوای اشکال
 - فصل سوم قوایل
 - فصل چهارم حروف اشکال
 - فصل پنجم دور اشکال
 - فصل ششم گواه
- باب نهم در استخراج اساس رمل سال
 - فصل اول رمل ایام بارندگی
 - فصل دوم رمل سالیانه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على محمد و آله الطيبين
الطاهرين

حمد و سپاس به درگاه عالم سر و الخفيات و خالق کائنات که اشياء را از
فرد و زوج و زوج و فرد، از کتم عدم به عرصه‌ی قدم به وجود آورد، و درود
خجسته مورود از رب و دودبر نقطه‌ی مرکز بیوت و دائره جان رسالت
حضرت محمد مصطفی ﷺ - لا سيما فرزند برومندش بقية الله الاعظم -
روحي له الفداء.

اما بعد!

امر اول، بر رأی ارباب اولوالاباب پوشیده نیست که علم رمل از آثار انبياء
است، مثل حضرت ادریس عليه السلام و دانيال عليه السلام و به مصداق فرمایش صدر بدر
اولياء امام به حق، علی مرتضی - عليه الصلاة والسلام - که فرموده است:
«الم تر ان الله جل ثنائه افاض على ادریس علما مرملأ و الهمة علم النقاط
بفضله و اوحى اليه كل ما كان مشكلاً»

و نیز پیامبر ﷺ فرموده است:

«كان نبی من الانبياء يخط بخط الرمل فمن وافق خطه خطه، فقد اصاب
الحديث» که همین طریق ابداع است که مدار در وی حکمت از سیر نقطه
است.

امر دوم، آنچه که رمال را از او غنائیست، از قواعد استخراج مجهولات به
طریق ابداع از علم رمل که آن علمی است که در او گفتگو شود از احوالات
نقاط به جهت وصول بر مجهولات اشياء بر وجه عموم و موضوع او نقطه

است از حیثیت اینکه چگونه ترتیب داده شود تا بر مطلوب مجهول برساند و غایت او استکشاف است از مجهولات مطالب و مغیبات اشیاء و شرف و اعتبار این علم مضافاً بر اخبار و احادیث مذکوره، کلام مرحوم خاتم المجتهدین و استاد الفقهاء حاج شیخ مرتضی انصاری رحمته که فرموده:

«اما بعض العلوم الصحیحه كالرمل و الجفر الخ»

و در همین خصوص اگر هیچ گواه بر صحت این علم نباشد در حق او کافیست به تجربه قطعی از اصول بدیهیات است و همچنین در طرفش طریقه ابداع طریقی صحیح و مرضی، و فحول فن تصریح کرده‌اند بر اینکه خطی که در حقش پیامبر اشاره فرمود در حیث مذکور همان طریقه ابداع است.

امر سوم

در شروط عمل رمل، سه شرط است:

الف) مرحوم علامه سید محمد باقر یزدی حائری رحمته صاحب (وسیله الوسائل فی شرح الرسائل) در کتاب نفحات الرمل فرموده که واجب است بر رمال مراعات ۹ امر:

اول: طهارت

دوم: استقبال قبله

سوم: با صفای قلب لا اله الا الله

چهارم: به دو زانو نشستن

پنجم: حضور قلب و توجه به طرف نیت

ششم: استمداد از خدای تعالی تاموافقت میان نقش و مطلوب حاصل

گردد.

هفتم: طهارت مکان از جمیع کثافات و چیزهایی که نفس را مسمم می‌کند چون نجس، حائض، جنب، نفسا ما رو عقرب و غیر ذلک
هشتم: اینکه استعمال نکند این فن شریف را برای متکبرین او امثال آنها،
برای امتحان صرف.

نهم: احتراز رمال از دروغ و فجورات موبقه (هلاک کننده) دیگر تا انس
پیدا شود زیرا تجلی نکند طاهر در ظاهر.

ب) شرط دوم

در اوقات است، و افضل اوقات رمل نزدیک غروب است و همچنین
وقت طلوع جوزا و سمبله و نظر عطارد و مشتری و زهره و گفته‌اند اولی
اینکه رمال چند روز قبل نیت کند و مبادرت نکند (رمل نزند) در اوقات
وزیدن بادهای و تغییر هوا و بارندگی و نیز در ایام قمر در عقرب و محاق (زمانی
که ماه پیدا نیست) و تحت الشعاع و خسوف و در ذنب، و از روزهای سعید
چند روز را سعد شمرده‌اند اول ماه است و دوم و ششم و نهم و دوازدهم و
سیزدهم و نوزدهم و بیستم و بیست و پنجم و بیست و ششم و بیست و هفتم
و سی‌ام.

و چند روز رانحس شمرده‌اند:

سیم، پنجم و هفتم و شانزدهم و بیست و یکم و بیست و دوم و بیست و
سیم و بیست و نهم و چند روز را متوسط دانسته‌اند و آن عبارت است از:
چهارم، دهم، یازدهم، چهاردهم، پانزدهم، هفدهم، هجدهم، بیست و
چهارم، و بیست و پنجم، بیست و هشتم، و بهترین ساعات وقت بین

الطلوعین است.

روزهای نیک: ۱.۲.۶.۹.۱۲.۱۳.۱۹.۲۰.۲۵.۲۶.۲۷.۳۰.

روزهای نحس: ۳.۵.۷.۸.۱۶.۲۱.۲۲.۲۳.۲۹.

روزهای میانه: ۴.۱۰.۱۱.۱۴.۱۵.۱۷.۱۸.۲۴.۲۸.

ج) شرط سوم:

دعا: و او را بعضی هیچ لازم ندانسته‌اند و بعضی فقط بر آیه و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو و یعلم ما فی البر و البحر و ما تسقط من ورقة الا یعلمها و لا حبة فی ظلمات الارض و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین اکتفا کرده‌اند و از قواعد الهدایة مولانا هدایة الله شیرازی منقول است که اول آیه الکرسی و سوره‌ی فاتحه و سوره زلزال و آیه (و عنده مفاتح) را خوانده و این دعا را بخواند:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم انی اسالک بكل اسم دعاک به احد من خلقک قائماً او قاعداً ساجداً و راکعاً فی البر و البحر فی السبع السموات و الارض و فی منی و عرفات و عند مقام ابراهیم و البیت الحرام فی الخلاء و الملاء فی ظلمة اللیل وضوء النهار فسمعت ندائه و کشفته بلائه فانی اسئلك ان ترینی حاجتی من هذه الخطوط بحول منک و قوة انک علی کل شیء علیم قدير و ان تبین لی هذا الضمیر و صلی الله علی محمد و آله اجمعین.

و گفته که در حال خواندن دست بر تخته نهد و ظاهراً این دعا مختص به تخته و ریگ است و از این جهت است گویا که در کشف الاسرار در باب دفین

بعد از تأکیدات بسیار در شروط این دعوات و مقررات را ذکر کرده مگر این دعا را و بالجمله بر این مشروط مواظبت نماید خاص در دفین و بر این خلاصه که مشتمل است برامهات قواعد و بر طالب حق مطالبی پوشیده نیست مگر مبین و حدیثی تاریک نیست مگر اینکه روشن کرده

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
ابدح دایره	عرض دایره	عمق دایره	معدار دایره	بزرگ دایره	مئلند دایره	ابدح دایره	تسکین اصل	یا دایره
۰۱۱۱	۱۱۰۰	۰۱۰۰	۱۰۰۰	۰۰۱۰	۰۰۱۰	۰۱۱۱	۰۰۱۰	۱
۱۰۱۱	۰۰۱۰	۱۱۰۰	۰۱۰۰	۰۱۱۱	۱۰۰۱	۱۰۱۱	۰۱۱۱	۲
۰۰۱۱	۱۰۱۰	۰۰۱۰	۱۱۰۰	۱۰۰۰	۰۱۱۱	۱۱۰۱	۱۰۰۰	۳
۱۱۰۱	۰۱۱۰	۱۰۱۰	۰۰۱۰	۱۱۰۱	۱۱۰۰	۱۱۱۰	۱۱۱۱	۴
۰۱۰۱	۱۱۱۰	۰۱۱۰	۱۰۱۰	۰۰۰۰	۰۰۰۱	۰۱۱۰	۰۱۰۰	۵
۱۰۰۱	۰۰۰۱	۱۱۱۰	۰۱۱۰	۰۱۰۱	۱۰۱۱	۱۰۱۰	۰۰۰۱	۶
۰۰۰۱	۱۰۰۱	۰۰۰۱	۱۱۱۰	۱۰۱۱	۰۱۰۰	۰۰۱۰	۱۰۱۱	۷
۱۱۱۰	۰۱۰۱	۱۰۰۱	۰۰۰۱	۱۱۱۰	۱۱۱۰	۰۱۰۰	۱۱۱۰	۸
۰۱۱۰	۱۱۰۱	۰۱۰۱	۱۰۰۱	۰۰۱۱	۰۰۱۱	۱۰۰۰	۰۰۱۱	۹
۱۰۱۰	۰۰۱۱	۱۱۰۱	۰۱۰۱	۰۱۱۰	۱۰۰۰	۰۰۰۰	۰۱۱۰	۱۰
۰۰۱۰	۱۰۱۱	۰۰۱۱	۱۱۱۰	۱۰۰۱	۰۱۱۰	۰۰۱۱	۱۰۰۱	۱۱
۱۱۰۰	۰۱۱۱	۱۰۱۱	۰۰۱۱	۱۱۰۰	۱۱۰۱	۰۱۰۱	۱۱۰۰	۱۲
۰۱۰۰	۱۱۱۱	۰۱۱۱	۱۰۱۱	۰۰۰۱	۰۰۰۰	۱۰۰۱	۰۰۰۰	۱۳
۱۰۰۰	۰۰۰۰	۱۱۱۱	۰۱۱۱	۰۱۰۰	۱۰۱۰	۰۰۰۱	۰۱۰۱	۱۴
۰۰۰۰	۱۰۰۰	۰۰۰۰	۱۱۱۱	۱۰۱۰	۰۱۰۱	۱۱۰۰	۱۱۱۱	۱۵
۱۱۱۱	۰۱۰۰	۱۰۰۰	۰۰۰۰	۱۱۱۱	۱۱۱۱	۱۱۱۱	۱۰۱۰	۱۶

باب اول

در تکون اشکال و ترتیب دوائر:

بدان که نقطه را نسبت داده‌اند به عناصر اربعه، در اول نسب پس به اعتبار تعدد عناصر نقطه متعدد می‌شود به چهار لکن در طول هم به ترتیب نه در عرض: چنانکه امر چنان است در عناصر فی نفس الامر. اول: آتش، دوم: باد، سوم: آب، چهارم: خاک، و به اعتبار اینکه مزاج که حرارت و برودت و رطوبت و بیوست در هر عنصر دو تا است، چنانکه آتش گرم و خشک و باد گرم و تر و آب سرد و تر و خاک سرد و خشک پس ۲ مزاج است و هر یک از نقاط بدین اعتبار بنا بر اتحاد در نسبت دو تا می‌شود این چنین --- و این مجموع را به جهت انفعالش نفس کل گویند چنانکه مجموع اول را به جهت فعلش عقل کل گویند پس در هر نقطه دو اعتبار است وحدت و اثنیه و از اعتبار هر یک از نقاط اربعه عناصراً و مزاجاً چهارده تا شکل دیگر متولد شود. چنانکه به اعتبار نقطه نار عنصر یک و نقاط ثلاث دیگر مزاجاً الحیان ، متولد آید و بالعکس عتبه الداخل و همچنین به تفصیل هر یکی را اسمی است به جهت غرض تمیز چنانکه القریب خواهد آمد و چون این شانزده شکل را که مجموعاً ملاحظه کنند آن را دایره گویند و به اختلاف ترتیبات اشکال در ثبت و وضع چندین هزار دایره پدید آید که بعضی مهمل است غرضی بر وی مترتب نیست و چند دایره به اختلاف بر مالین هر قومی به اختلاف علم خود در رسیدن به حاجت خود یک دایره یا چند دایره یافته و تدوین کرده‌اند بنای احکام خود را بدانها نهاده‌اند و چون همه آنها از مرتع نظر ماکنار است چند دایره که در تضاعیف این مختصر از احکام کلیه و ضمائر و خیایا و دفائن

و غیره لازم است در جدول مذکور ثبت نمودیم و بناء این مختصر بر دایره ابدح است که در این دایره نار را یک، باد را دو، آب را چهار، و خاک را هشت حساب می کنند.



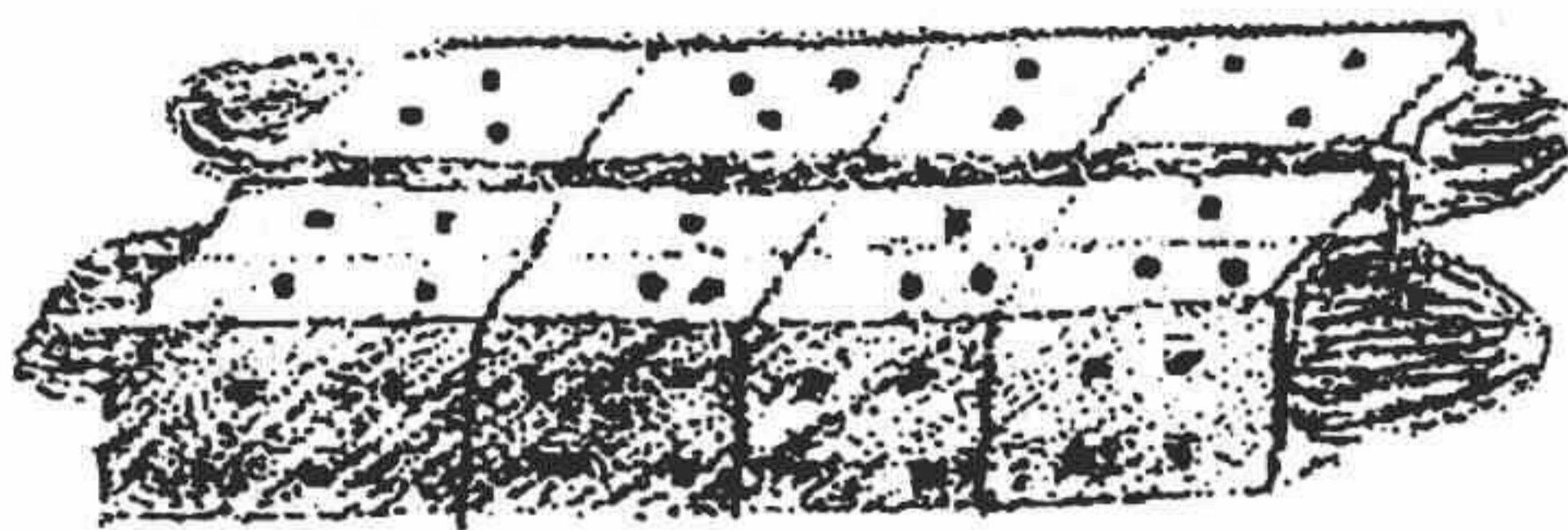
کما اینکه قاعده در دایره عرض این است که ۱۷، ۱۷ طرح کنند و دایره عمق ۱۶، ۱۶ طرح کنند و در مثلث ابدح آتش ۳ باد ۶، آب ۱۲، خاک ۲۴، ۱۶ طرح کنند. و مابقی بر همین قیاس.

باب دوم

در قاعده ثبت زائجه^۱.

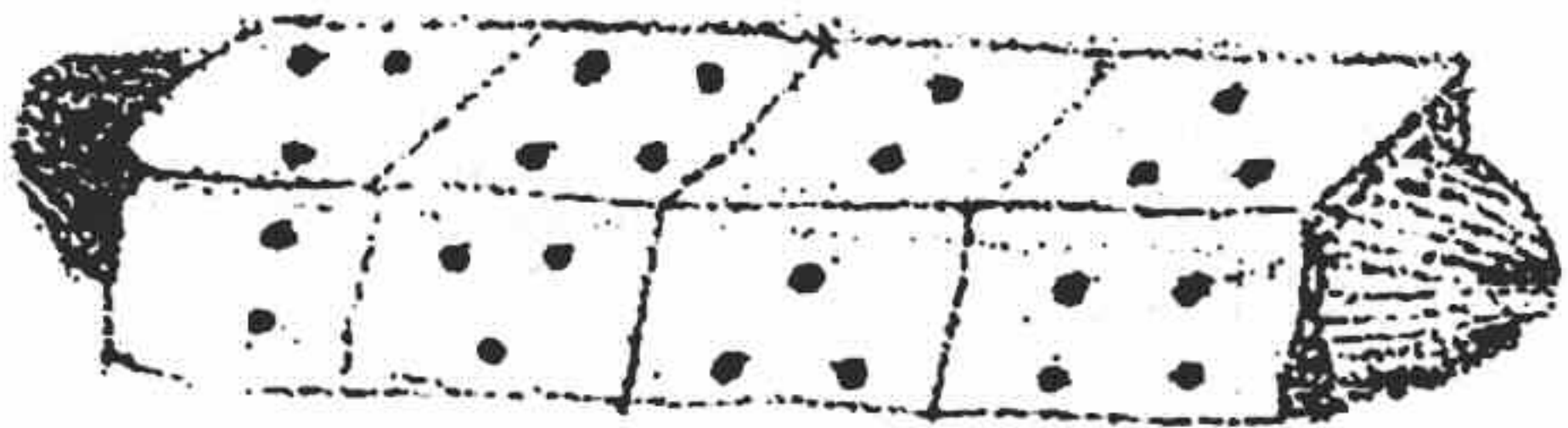
بدانکه برای استخراج زائجه چند طریق است. ثبت در ریگ یا در کاغذ یا طرح قرعه و این اسهل است پس در هر دائره که معمول است بگیرد، چهار تا یا هشت تا، چهارچهار مهره مربع ذواربعة اضلاع و در چهار طرف مهره‌ها

شکل



اول و چهاردهم آن دائره را ثبت کند، چنانکه آتش و باد شکل اول را در ضلع اول و آب و خاک او را در ضلع دویم و آتش و باد، شکل چهاردهم را در ضلع سیم و آب و خاک او را در ضلع چهارم و در دائره ابدح که مدار در این مختصر اوست \equiv و $\overline{\text{و}}$ را بگیرد و در ضلع اول هر یک از مهره‌ها \equiv و در ضلع دوم $=$ و در ضلع سیم — و در ضلع چهارم: پس چهار مهره را در چیزی نظم کند اگر چهار تا است دوباره بیاندازد و اگر هشت یکبار مثل مورد فوق و از این طرح چهار شکل پدید آید.

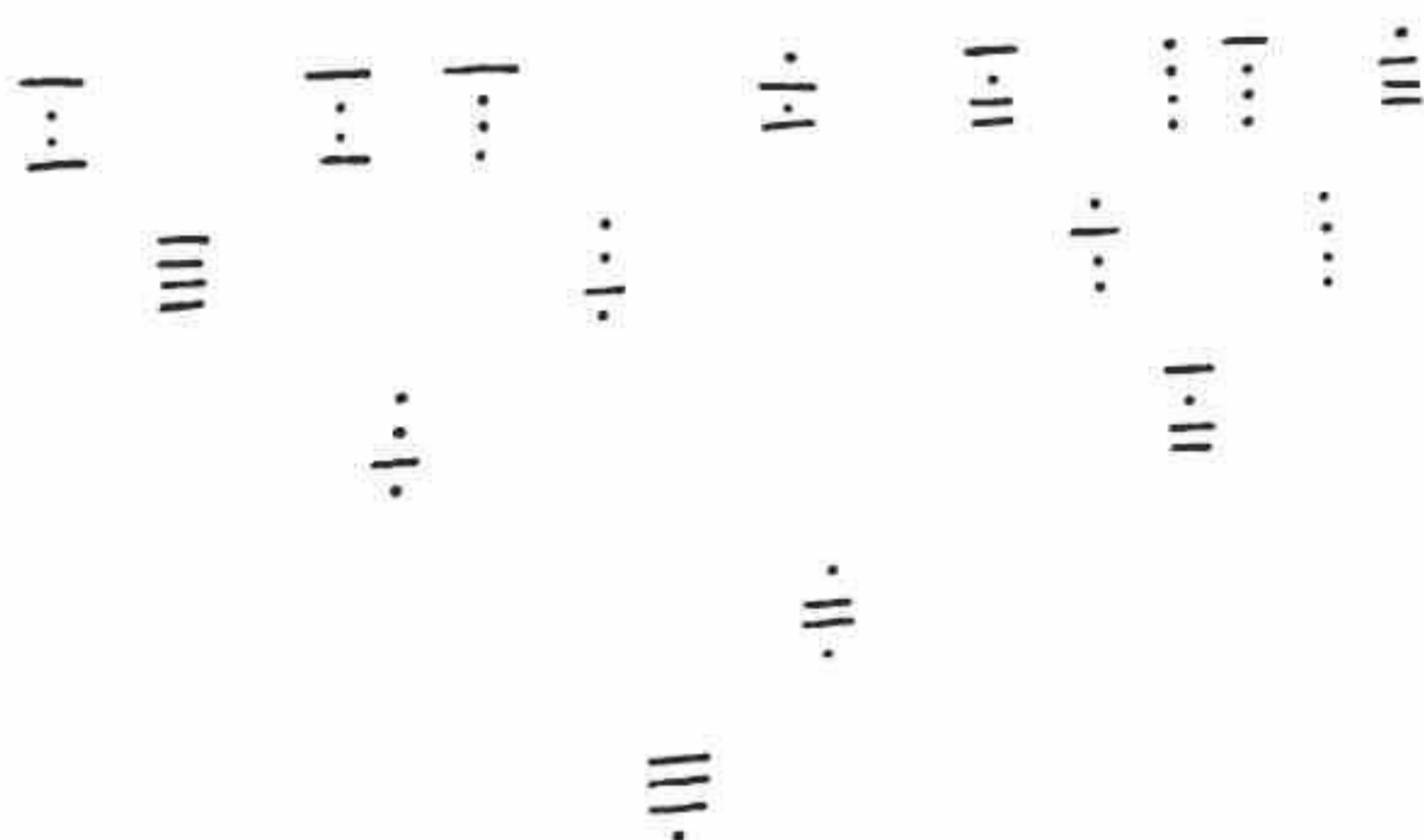
۱-۱۶ شکل استخراجی را زائجه گویند.



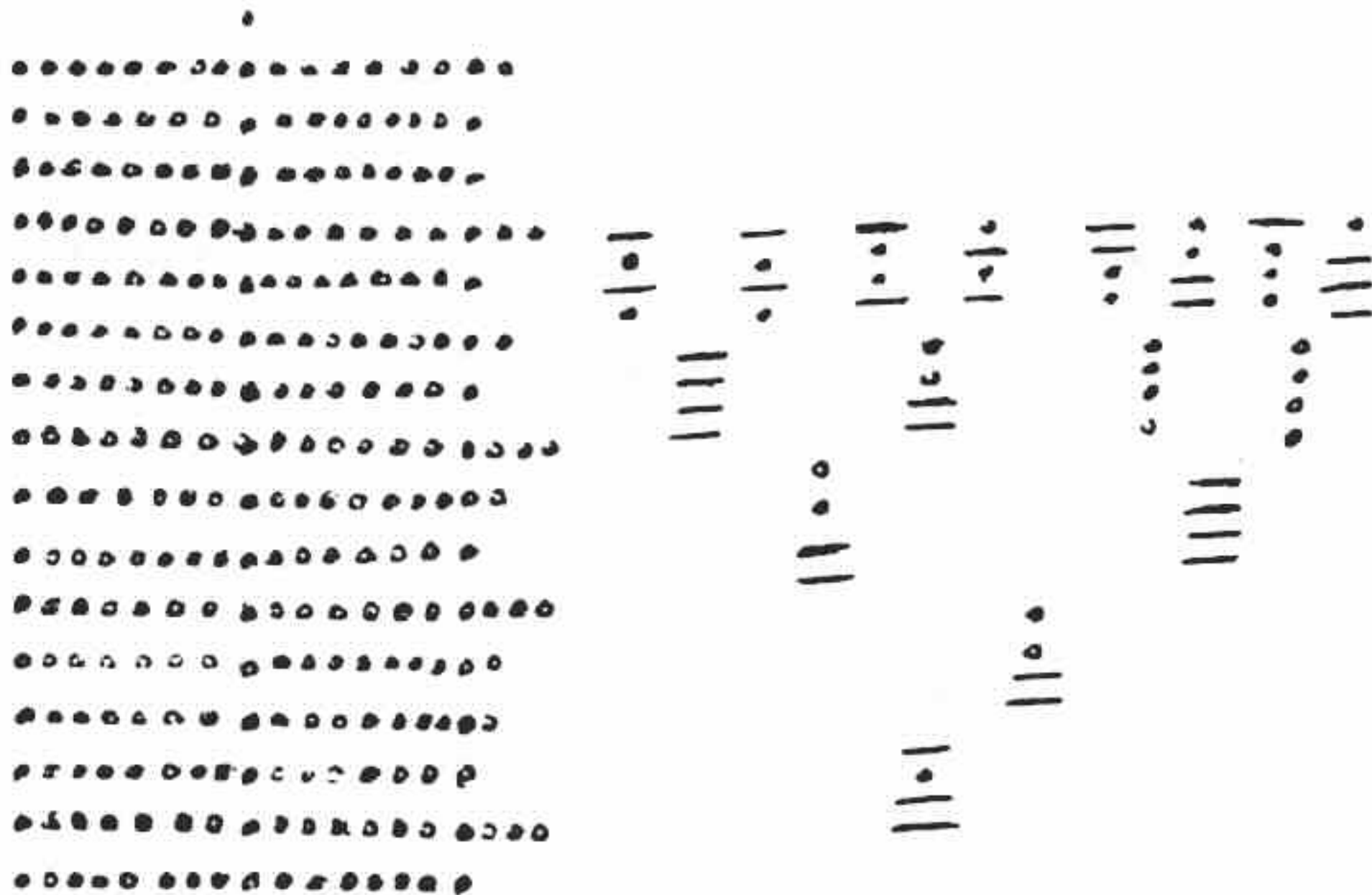
و اینها امهات زایجه‌اند، پس عناصر آتشی این چهار شکل را گرفته شکلی سازد چنانکه آتش شکل اول را، آتش او کند و آتش ثانی را بادش و آتش ثالثا آبش و آتش را بعرا خاکش و این شکل را پس از رسم خطی عمودی در یسار امهات رسم کند. بعد از آن از عناصر بادی امهات شکلی و از عناصر آبی شکلی و از عناصر خاکی شکلی به ترتیب ثبت کند بعد از آن مراتب اربعه شکل اول و ثانی اشکال ثمانیه‌ی مثبت‌ه رادر هم ضرب کند و شکلی سازد و آن چنین است که نقطه‌ی آتش اول و دوم را حساب کند اگر دو تا است یا چهار تا زوجیت و اگر سه تا است فرد.

در زوج آتش شکل متولد زوجیت و در فرد فرد و هکذا، نقطه‌ی بادی و آبی و خاکی آنها پس این شکل را در زیر آن دو شکل ثبت کند و این نهم است بعد از آن شکل و سوم و چهارم به ضرب شکلی سازد و در زیر ایشان بنویسد و این دهست بعد از آن از پنجم و ششم شکلی و در زیر ایشان و این یازدهم است، بعد از آن از هفتم و هشتم شکلی و در زیر ایشان و این شکل را دوازدهم و این چهار شکل را متولدات گویند چنانکه پنجم و ششم و هفتم و هشتم را بنات بعد از آن از نهم و دهم شکلی سازد و در زیر ایشان و این

سیزدهم است بعد از آن از یازدهم و دوازدهم شکلی سازد در زیر ایشان و این چهاردهم بعد از آن از سیزدهم و چهاردهم شکلی و در زیر ایشان و این پانزدهم و شکل میزان الرمل است بعد از آن از پانزدهم و اول شکلی در زیر پانزدهم و این شانزدهم، این است تمام اشکال زایجه و مجموع این شانزده شکل را زایجه‌ی رمل گویند، چنانکه مقام هر یک از این اشکال را با حفظ مرتبه خانه گویند چنانکه مقام شکل اول را خانه اول و هكذا و هم چنین حکم مقامات اشکال در دوایر و مثال زایجه این است.



و طریقه استخراج اشکال از ریختن نقطه بر کاغذ بر چند صورت است متصور آن است که شانزده سطر نقطه می‌ریزند از چپ به راست و نیز بهتر است هر سطر کمتر از ۱۶ نقطه نباشد و بدون محاسبه نقطه بریزد و پس دو دو به هم وصل کند و از باقی مانده هر چهار سطر یک شکل استخراج کند و بدان وسیله امهات به دست می‌آید پس از رؤس آنها شکل ۵ و از صدور آنها شکل ۶ و از بطون آنان شکل ۷ و از ارجل آنها شکل ۸ و سپس به صورتی که ذکر شود در استخراج زایجه از قرعه و اتمام آن عمل نماید.



و در صورتیکه از ریگ استفاده کند جهت استخراج زایجه لازم است آن ریگها پاکیزه و دست نخورده باشند و نیز استخراج امهات از طریق تسبیح نیز ممکن است.

باب سوم

در مقام استخراج ضمائر از زایجه و این موقوف است به دانستن منسوبات خانهای رمل و سیر نقطه، پس این دو حکم را در دو فصل بیان کنیم.

رمل را شانزده بود خانه	نیست کذب اندرین افسانه
اولش خانه تن و جان است	دوم احوال رزق فرمان است
نقل نزدیک است حالت اخوان	از سیم خانه روز و شب میدان
خانه چارمین ضیاع و عقار	هم مقامی زکنج و آب شمار
بیت پنجم مقام فرزنداست	خبر عشق یار دلبنده است
بیت سادس مقام رنجوری	سحر و دزدیده دان متوری
غایب دزد دان تو در هفتم	هست میراث مرگ در هشتم
بیت تاسع علوم خواب بود	سفر دور از صواب بود
عمل و حال مادر و سلطان	این سه را حکم از دهم میدان
ده و یک خانه امیر حبیب	باشد و نیست اندرین تکذیب
ده و دو بیت بنده هم زانندان	مسکن دشمنان هم حیوان
سیزده بیت طالب و مطلوب	چارده بیت خانه مطلوب
هست میزان رمل پانزدهم	عاقبت خیز بیت شانزدهم

فصل اول:

بدانکه خانهای اول، طالعست و منسوبست به نفس و حال سائل و عمر و فوت و ضعف و نفع و ضرر و تدبیر و شادی او

خانه‌ی دوم: خانه‌ی مال و دلیلیست بر قدوم غایب و مال و بیع و شرا و نفع
ضرر و معاش و امثال اینها.

خانه‌ی سوم: خانه اقارب و دلیلیست بر برادران و خواهران و خویشان و
مصاحبان و نقل و حرکت نزدیک و خواب و تعبیر

خانه‌ی چهارم: بیت الاب و دلیلیست بر پدر و استاد و مقام و ضیاع و عقار
و دامغان اخبار خوش و لذات و ضیافتات و دخول و خروج پدر و امثال اینها.

خانه‌ی ششم: بیت العیید و دلیلیست بر بیماریها و زیردستان چون غلام و
کنیز و چاکر و شاکر و هکذا و حیوان کوچک و گریخته و ضایع شده و فسق و
فجور و سحر و سودا.

خانه‌ی هفتم: خانه‌ی لعنت و مقصدالاشیاء و دلیلیست بر زن و شریک و
خصم و نزاع و سارق و مقام او غائب.

خانه‌ی هشتم: بیت الخوف دلیلیست بر مال غائب و میراث و خوف و
خطر و قتل و خون ریزی و غارت و قحط و مسروق.

خانه‌ی نهم: خانه‌ی سفر دلیلیست بر سفر دور و علم و دین و اطباء و
مدارس و تعبیر و خطبه و نکاح.

خانه‌ی دهم: خانه‌ی عمل دلیلیست بر شغل و عمل ملوک و اعظام و
کارهای نو و استاد و علاج مرض و طب.

خانه‌ی یازدهم: خانه‌ی امید دلیلیست بر محبان و سعادت و بخت و
امیدها و حاجتها.

خانه‌ی دوازدهم: خانه‌ی دشمنان دلیلیست بر دشمنان و حسودان و
عقوبت و بند و زنجیر و حبس و... حیوانات بزرگ.

این است دور منسوبات بیوت و چهار خانه‌ی دیگر که سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم و شانزدهم باشد نواب امها تند یعنی هر یکی به ترتیب یکی از آن چهار خانه هستند. و سیزده را بیت الطالب و چهارده را بیت المطلوب گویند.

فصل دوم

در سیر نقطه

بدانکه این شانزده شکل چون مختلف اند در عناصر و به اعتبار ملاحظه نسبت به خود عنصر یا به مزاج عنصر پس مختلفند در تعدد نقاط، چنانکه بعضی دارای چهار نقطه و بعضی دارای هشت و بعضی پنج و بعضی هفت و بعضی شش و به ملاحظه نقاط صاحب چهار نقطه را رباعی و پنج حماسی و شش سداسی و هفت سباعی و هشت ثمانی و حد اعتدال سداسی است و آن این شش شکل است:

و غیر از این شش شکل و شکل رباعی و ثمانی \equiv شکل دیگر در میزان نیاید زیرا که شکل زوج که نقاط او جفت باشد منحصر است در رباعی و سداسی و ثمانی و شکل فرد در میزان نباید زیرا شکل میزان دائماً حاصل ضرب دو زوج است یا دو فرد و حاصل اینها فرد نباشد.

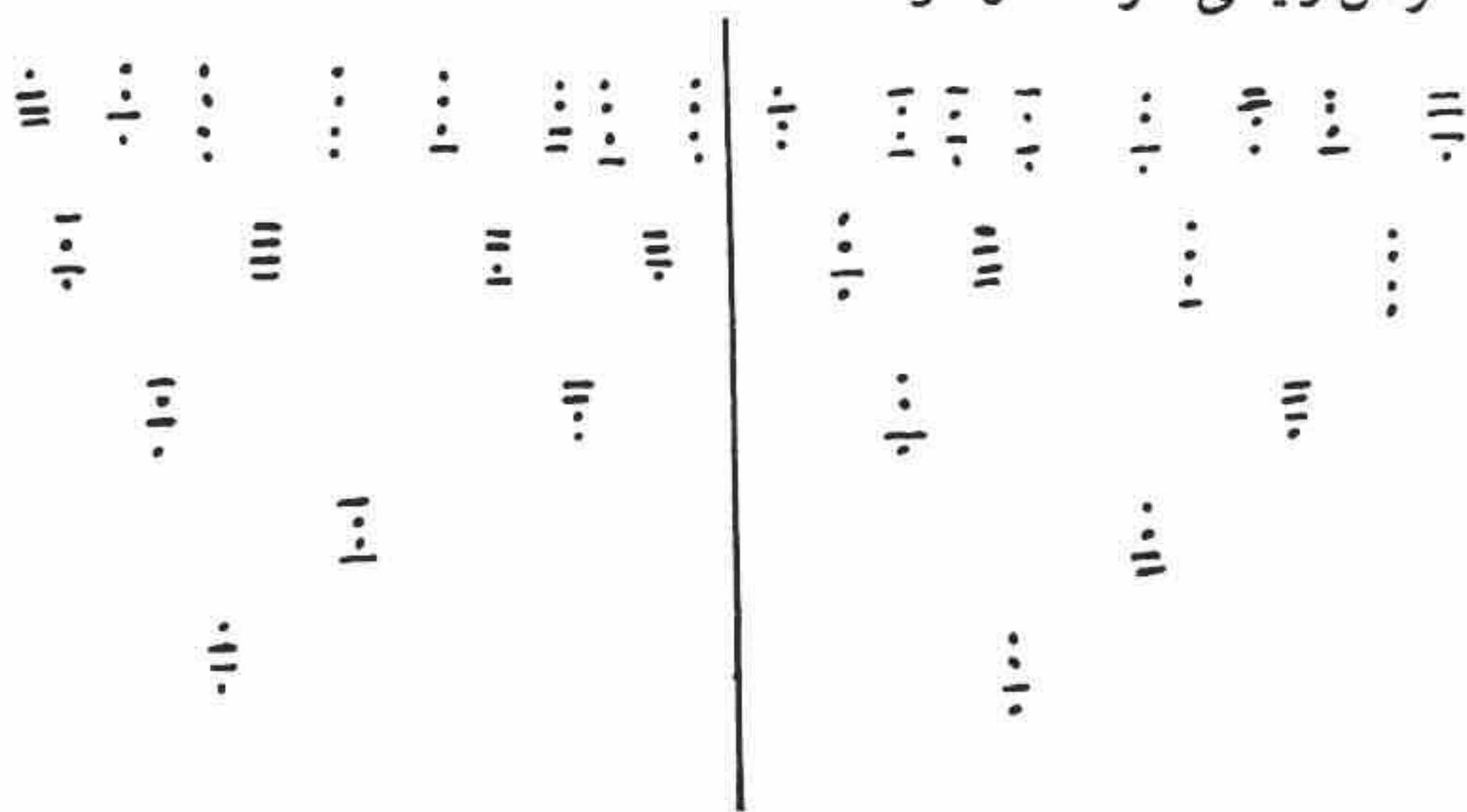
پس شکل واقع در میزان یا یکی از طریق یا جماعت \equiv خواهد شد یا غیر ایشان، اگر یکی از این دو شکل باشد حکم انقلاب بنابر مذهب صحیحی که صاحب کشف الاسرار اختیار کرده و مرحوم علامه طباطبائی سید اساتیدنا همان رای را پذیرفته‌اند و بعضی فقط در جماعت \equiv قائل به

انقلابند و حق آن است که گفتیم.

و اگر یکی از شش شکل مذکور در میزان واقع شود میزان دارای دو نقطه خواهد شد اول ایشان نقطه ضمیر است و ثانی آنها متعلق حکم، پس برای ضمیر شکافی نقطه اول سیر داده شود تا به خانه‌های فوق بگذرد و آن چنان است که این دو نقطه که در میزان واقع‌اند واضح است که دو عنصرند از عناصر اربعه و هر یک از ایشان موافق است در فردیه و مرتبه عنصر با یکی از سیزدهم و چهاردهم فقط زیرا که این نقطه نار فرد مثلاً پیدا گردید از دو نقطه‌ی نار که یکی زوج است و یکی فرد است و کیف کان این نقطه نیز متکون گشته از دو عنصر که یکی زوج و یکی فرد است و هکذا و نقطه اول مذکور می‌شود با نقطه فوق خودش و نقطه فوق با نقطه فوق خود، پس نقطه میزانی در حقیقت متحد گردیده و بانقطه فوق فوق و این است حقیقه اینکه می‌گویند نقطه از میزان سیر نموده و سیزدهم مثلاً گذر کرد و از سیزدهم مثلاً با نهم و از آنجا به امهات و توضیح سیر نقطه بروجهی که ذکر نمودیم در هیچ کتابی و خطابی مذکور نگشته و این راز در میان اهل فن پوشیده، این قاصر کتاب احرف محمد ابراهیم نصراللهی بن علی حسن بن کربلایی هادی متخلص به حاج نصر بروجرودی جرئت نموده بدین توضیح بیان کرد.

پس چون نقطه از میزان حرکت نموده یا به جانب راست خواهد گذشت یا چپ در راست سیزدهم می‌گذرد و از او به نهم یا به دهم و از نهم به اول یا دوم و از دهم به بیت سوم یا چهارم و در چپ به چهاردهم می‌گذرد و از آنجا به یازدهم یا دوازدهم و از یازدهم به پنجم یا ششم و از دوازدهم به هفتم یا

هشتم و این امر بعد از تدبیر در فهمیدن نفس سیر واضح است مطلبی که باقی مانده این است که گاه باشد که چون نقطه در یکی از بنات و امهات در خانه ی فرود آمد همان مرکز در همسایه اش نیز باز می شود پس نقطه بدانجا رود و هکذا پس گاه باشد که در دوم امهات فرود آید و به سیم رود یا به چهارم نیز یا از آنجا تجاوز کرده به بنات رود و هکذا از جانب عکس و حرکت تا به امهات یا بنات رسیدن نقطه حرکت در طول است و بعد از وصول چون نقطه حرکت کند حرکت در عرض است لیکن دائماً نقطه بعد از رسیدن به یکی از امهات و بنات و حرکت در یکی از همسایگان راستی و چپی ممالست در دیگری حرکت کند و وجهش بر ناظر بصیر مخفی نیست. الحاصل نقطه به هر خانه که فرود آید خانه ی ضمیر است و ضمیر یکی از منسوبات اوست و ما در اینجا دو مثال می آوریم به جهت توضیح مطلب یکی به جهت حرکت در عرض و یکی حرکت در طول.



در زایجه ی اول نقطه هشتم به فرود آمد و در دویم به هفتم پس به اول

باب چهارم

در حکم مطلق و تحقیق مطلب محتاج است به تقدیم چند فصل بعضی راجع به احکام نقطه و بعضی راجع به اشکال و بعضی راجع به خانه‌های رمل.

بدانکه مزاج که عبارت است از حرارت و برودت و رطوبت و یبوست، چون خود عناصر هر یکی صاحب دو تا از ایشان است همچنین هر یکی از نقاط منسوب به عناصر چنانچه نقطه‌ی نارحار و یا بس و نقطه‌ی هوا حار و رطب و نقطه‌ی ماء بارد و رطب و نقطه‌ی تراب بارد و یا بس. چون این مقدمه معلوم شد پس چون نقطه‌ی ثانی که نقطه‌ی حکم است بنابر مشهور میان علمای ابداع اگر چه صاحب کشف الاسرار اختیارش در باب حکم اقوی النقطتین است و این هم معلوم است که از خانهای شانزده گانه رمل اول و پنجم و نهم و سیزدهم خانه‌های آتشنند، دوم و ششم و دهم و چهاردهم، خانه‌های باد سیم و هفتم و یازدهم و پانزدهم خانه‌های آب و چهارم و هشتم و دوازدهم و شانزدهم خانه‌های خاک.

الغرض نقطه حکم چون از میزان حرکت کند و به خانهای فوق گذرد در مزاجش اختلاف پدید آید و نقطه‌های فوق عنصر امتزاج پذیرد.

چنانکه نقطه آب چون به مرکز رسد رطوبت و برودتش مکرر کرده اگر به مرکز خاک گذرد برودتش مکرر کرده، اما رطوبت را داده یبوست اخذ کند و همچنین سایر کلمات و به هر شکل که نقطه گذر از منسوبات او سخن باید کرد به مناسبت و مزاج حالی و این دقیقه صعب و مغلق است.

و هم چنین است هر حکم که به مناسبت حال گفته شود و توضیح این

مطلب اینکه اشکال دائره ابدح به ترتيب منسوبات آنها، منسوبات بیوت است مثلاً لحيان که اول شکل است، شکل طالع است چنانکه خانه‌ی اول خانه‌ی طالع است.

و شکل دوم شکل مال است چنانکه خانه‌ی دوم بیت المال و همچنین پس ملاحظه باید نمود که هر شکل میان منسوباتش و مزاج نقطه در چه چیز مناسبت موجود است مثلاً اگر نقطه‌ی باد در $\text{در} \text{د} \text{ه} \text{م}$ به باد $\text{ب} \text{ا} \text{د}$ و همچنین در سیم دویم به باد $\text{ب} \text{ا} \text{د}$ گذر کند و $\text{ب} \text{ا} \text{د}$ شکل هفتم است و دلیل بر الفت و مناسبت الفت و طبع الهوا که حار و رطب است. در تاکد محبت است زیرا حرارت و برودت محبت در کمال و ضعف او است، پس دلیل بر کمال محبت می‌بایست بازن و شریک و غیره.

و اگر نقطه خاک $\text{ب} \text{ا} \text{د}$ در دوازدهم و هشتم گذر کرد بر $\text{ب} \text{ا} \text{د}$ و آن شکل نهم و منسبوش سفر است و نقطه خاک سرد و یا بس و علی التناسب دلیل تعویق و اشتیاق به حرکت است چنانچه پوشیده نیست.

و اگر باد $\text{ب} \text{ا} \text{د}$ نصره الخارج به سیزدهم رسید که مرکز آتش است و در او $\text{ب} \text{ا} \text{د}$ احيان بود شکل طالع پس حرارت باد مکرر شود و رطوبتش مبدل به یبوست گردد و علی التناسب دلالت کند بر حرارت مزاج سائل باید از مبالغه در غذای گرم پرهیز کند و اگر آب $\text{ب} \text{ا} \text{د}$ قبض الخارج در دوازدهم گذر کرد بر آب $\text{ب} \text{ا} \text{د}$ نصره الداخله که شکل دوازدهم و دلیل بر خصومت و عقوبت و قید و زنجیر است، برودت آب مکرر گردد و رطوبت مبدل به یبوست گردد و علی التناسب دلیل گردد بر بقاء خصومت میان سائل و خصمش، لکن باسستی و کسل چنانچه پوشیده نیست و مقصود از این تطویل که در واقع خروج است

از وضع کتاب تسهیل است بر ناظران ایدهم الله.

فصل دوم

در اوتاد و موایل و زوایل و اوتاد الاوتاد نقاط

بدانکه نار در نار قوت و تد دارد و در باد مائل وتد و در آب زائل الوتد و در خاک وتدالوتد و باد در باد وتد و در آب مایل و در خاک زایل و در نار وتدالوتد.

و آب در آب وتد در خاک مایل و در آتش زائل و در باد وتدالوتد و خاک در خاک وتد در آتش مایل در آب زائل و در آب وتدالوتد. پس هر یک از نقطه‌ها عناصر در یکی از خانهای عناصر حکمی دارد.

و وتد قوی است مایل وتد متوسط زایل وتد ضعیف وتدالوتد قوی

بصورت زیر

نار	باد	آب	خاک
۱	۲	۳	۴
۵	۶	۷	۸
۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶

۱- بنابراین ۱- بیوت آتش چهار است ۱-۵-۹-۱۳

۲- هوایی نیز چهار تا است ۲-۶-۱۰-۱۴

۳- آبی نیز چهار است ۳-۷-۱۱-۱۵

۴- خاکی و آن نیز چهار است ۴-۸-۱۲-۱۶

و در همین خصوص قدمارضى الله عنهم عناصر را چهار تا حساب می کرده اند.

آتش، هوا، آب، خاک

عنصر آتش را عنصر اول، هوا را عنصر دوم، آب را سوم و خاک را چهارم. بنابراین بعضی از اشکال چهار عنصر مانند طریق و بعضی نقطه نار را مانند \equiv لحيان بعضی فقط نقطه هوا را مانند حمرة \equiv و بعضی نقطه آب را مانند \equiv بياض و بعضی نقطه آتش و هوا را مانند نصره الخارجة \equiv و بعضی آتش و آب را مانند قبض الخارج \equiv و بعضی آتش و خاک را مانند عقلة \equiv و بعضی هوا و آب را مانند اجتماع \equiv و بعضی هوا و خاک را مانند قبض الداخل \equiv و بعضی آب و خاک را مانند نصره الداخلة \equiv و بعضی آتش و هوا و آب را مانند عتبة الخارجة \equiv و بعضی هوا و آب و خاک را دارا هستند مانند عتبة الداخلة \equiv و دانستن این فصل در بسیاری از امورات از جمله طالب و مطلوب موثر است و ضرورت دارد.

فصل سوم

در مطلوبات نقطه

بدانکه نقطه آتش عددش در دائره ابدح یکی است و باد و آب چهار و خاک هشت و این عدد عنصر اوسط است و اشکال ابدحی مسکن هر یکی عدد نقطه اوست غیر از جماعت \equiv که شانزدهم است و جمیع نقاط زوج و فرد دائره نود و شش است بعدد اسم دانیال (ع) از آن جمله سی و دو فرد و از آن هشت نقطه آتش است و هشت باد و هشت آب و هشت خاک.

فصل چهارم

بدانکه در میان خانهای شانزده گانه رمل اول و چهارم و هفتم و دهم و تدند وقوی و با فضل و دوم و پنجم و هشتم و یازدهم مایل وتدند. سیم و ششم و نهم و دوازدهم زایل الوتدند و ضعیف و بی قوه. چنانکه مایل متوسط و چهارخانه از اینها ساقط، دویم و ششم و هشتم و دوازدهم. پس خانه دوم و هشتم هم مایلند هم ساقط و ششم و دوازدهم هم زایلست هم ساقط و این دو بیت ضعف بیوتند چون نقطه بدین سان قرار گیرد مطلوب نیاید اگر چه ششم مرکز باد است و دوازدهم مرکز خاک و دویم و هشتم چون مایلند و هم ساقط مقصود اندکی بر آید لکن ناقص ماند و غیر اینها نقطه اگر در وتد فرود آید مطلوب بر آید و در مایل بد نیست و در زایل نیاید یا ناقص بماند و چهار خانه باقی شواهد دوازده خانه اند.

چنانکه سیزدهم شاهد اول و پنجم و نهم و چهاردهم شاهد دویم و ششم و دهم و پانزدهم شاهد سیم و هفتم و یازدهم و شانزدهم شاهد چهارم و هشتم و دوازدهم.

و تحقیق احکام هر یک از دوازده خانه از شاهد او کنند که یکی از چهارخانه است از سعادت و نحوست و دخول و خروج و ثبوت و انقلاب که خواهد آمد و از موافقت و مخالفت مرکز در شاهد حکم کنند.

در نظرات خانه‌ها

بدانکه هر یک از خانهای رمل که دوره‌ی دوازده است چون نسبتش به دیگری شود پس میان ایشان یکی از شش نظرات مقارنه و مقابله و تثلیث و

تربیع و تسدیس و سقوط و حکم مقارنه با سعد، سعد است و با نحس، نحس و حکم مقابله تمام دشمنی است بعضی اگر میان خانه طالب و مطلوب مقابله باشد آن مطلب نیاید و حکم سقوط وجود نگرفتن مطلوب است.

و حکم تثلیث تمام دوستی است یعنی در ضرورت حصول نظر تثلیث میان طالب و مطلوب حتما برآید.

و حکم تسدیس نیم دوستی است یعنی اندک قوت و بالقیاس اینهم معلومست.

و هریک از تثلیث و تسدیس و تربیع دو قسمت ایمن و ایسر، نظر ایمن تصدیق حکم حال کند و نظر ایسر تصدیق حکم استقبال به این معنی که اگر مطلوب میان خانه اش و خانه طالب تثلیث ایمن باشد مطلوب حالا خوشحال است و بر آید.

و همچنین الا اینکه باید دانست که سعادت و نحوست و دخول و خروج و غیره شکل چنانکه خواهد آمد، مدخلیت دارد در این نظرات چنانکه اگر صاحب نظر تثلیث ایمن نحس بود و تثلیث ایسر سعد، در صورتی که مطلوب درسه جا واقع شود دلیلیست بر نیامدن مقصود الان، لیکن عنقریب می آید و اگر صاحب نظر مقابله نحس بود و داخل، دلیل نیامدنست و از آنچه بیاید ضرر کند، پس بیائیم به سر مقصود؛ بدانکه میان هر خانه و ششم و هشتم و دوازدهم، نظر سقوط است و میان اول و دویم نظر مقارنه است. و میان اول و سیم و پانزدهم نظر تسدیس اول ایمن و دویم ایسر، بنا به مشهور و قول سرخاب.

و در کشف الاسرار به عکس گفته و میان اول و چهارم و دهم نظر تربیع

و میان اول و پنجم و نهم تثلیث اول ایمن، دویم ایسر.
 و میان اول و هفتم نظر مقابله
 و در کشف الاسرار گفته که در ایمن میمنت تمام است. چون وفاق شرع و
 دوایر خوشی است اگر چه خلاف شرع باشد.

فصل ششم

معنای حرکت در طول و حرکت در عرض نقطه:

در اواخر فصل دویم از باب سیم مذکور، پس اگر نقطه سیر در طول کرد و
 در مسکن خود یعنی در خانه عدد خود فرود آمد مطلوب بیاید بی
 سرگردانی و بی ریاضت و اگر در خانه ی خود فرود نیاید لکن هم طبق یافت
 یعنی در مرکز موافق فرود آمد مطلوب حاصل گردد و بی سرگردان لکن با
 ریاضت و اگر نه مطلوب نیاید.

و اگر نقطه بعد از حرکت در عرض در مسکن خود نشست مطلوب بیاید
 بعد از سرگردانی و اگر بر مسکن خود نشست لکن در مرکز موافق نشست
 بیاید بعد از سرگردانی و ریاضیت و الا مطلوب نیاید با سرگردانی و ریاضیت
 و زحمت عبث.

فصل هفتم

بدانکه هر شکل که اولش مفتوح، یعنی فرد و آخرش مسدود، یعنی
 زوجیت خارج است و چهار است و اگر بالعکس باشد داخل است و اگر هر

دو طرفش مفتوح گردد منقلب و چهار.
و اگر هر دو طرفش مسدود و ثابت باشد ثابت است و آن هم چهار است
بدین صورت:

خارج	خارج						
داخل	داخل						
منقلب	منقلب						
ثابت	ثابت						

دیگر اشکال بعضی سعدند و بعضی نحس و بعضی ممتزج، یعنی با
سعد، سعد و با نحس، نحس.

و دیگر هر شکلی به کوکبی منسوب است و منسوبات آن ستاره
منسوباتش و مثل این است بروج.

و دیگر هر شکلی صاحب قوه ایست از قوی و لکن در مقام مصرف این
اشکال اندک تامل باید کرد، پس در حکم طالع اگر صاحب قوه حافظه در
طالع باشد و خارج دلیل کمی حافظه سائلست بواسطه امری که از شواهد
معقول گردد.

مثل اینکه شکل مال باشد و خارج، و بالمناسبة گوئیم جهة حافظه از
دست رفتن مال. غم خوردنست و هم چنین و این است جمیعاً در جدول:

اشغال	داخل خارج ثابت منقلب	نرو ماده	سعد و نحس	حروف	بازو بسته	جوان و پیر	اصناف	قوی
۱۱۱۱	خارج	نر	سعد	ا ف	باز	جوان	علما	حیدرانی
۱۱۱۰	ثابت	نر	نحس	ب ص	بسته	جوان	قصاب	غصبی
۱۱۰۱	خارج	نر	سعد	ج ق	باز	پیر	ملوک	نفسانی
۱۱۰۰	ثابت	ماده	سعد	د ر	بسته	جوان	زهار	طبیعی
۱۰۱۱	خارج	نر	نحس	ه ش	باز	جوان	وزراء	شهبانری
۱۰۱۰	ثابت	خنثی	ممتزج	و ت	بسته	پیر	اهل علم	و نقطه
۱۰۰۱	خارج	نر	نحس	ز ث	باز	جوان	وزراء	ماسکه
۱۰۰۰	داخل	ماده	نحس	ع غ	بسته	پیر	دمالین	ماسکه
۰۱۱۱	منقلب	نر	نحس	ط ذ	بسته	پیر	دهقانان	حافظه
۰۱۱۰	داخل	ماده	سعد	ی ض	بسته	جوان	امراء و بزرگان	شهبانری
۰۱۰۱	منقلب	نر	سعد	ک ظ	بسته	صبی	مطربان	طبیعی
۰۱۰۰	داخل	ماده	سعد	ل غ	بسته	پیر	علماء و فضان	نفسانی
۰۰۱۱	منقلب	ماده	نحس	م ا	بسته	جوان	امیران	غصبی
۰۰۱۰	داخل	ماده	سعد	ن ب	بسته	جوان	عبار	حیوانی
۰۰۰۱	منقلب	ماده	سعد	س ج	باز	جوان	بید و الچی	انسانی
۰۰۰۰	ثابت	خنثی	ممتزج	ع د	بسته	پیر	منجمانی	انسانی

اشکال	اماکن - مواضع	حوادث	ازمنه	اجسام	جواهر
	مساجد	امنیت	حال	معرفی	طلا = زر
	معابد یهود	قتال	آینده	حیوانی	آهن
	قصر	جور و ظلم	حال	معدنی	طلا
	شاهراه	طغیان آب	گذشته	نباتی	مروارید
	سنکستان (آسیا)	وبا و مرض	گذشته	معدنی	آهن
	مکتب و مدرسه	وقوع اراجیف	گذشته	حیوانی	طلا فروش
	محل فتنه	وبا شده	گذشته	معدنی	آهن
	کنیسه یهود	زلزله	حال	کانی	قلع
	اسطبل	آفت و مرض	گذشته	کانی	آهن
	بازار	فراوانی نعمت	آینده	کانی	سیم
	میش گاه	فسق و ظلم	آینده	حیوانی	مروارید
	محل علماء	امنیت	آینده	نباتی	نسیم
	محل خواب	خوف و هراس	حال	نباتی	حدید
	میش گاه	نعمت این فراوانی	آینده	حیوانی	ذهبی
	شاهراه	قرس	حال	نباتی	مروارید
	صحرا	خونریزی	حال	کانی	هفت جوش

اشغال	قیمت	اعضاء	اشكال	عناصر	جهات	الوان	مزاج	سبك و سنگین	بوها
بسیار با ارزش	بسیار با ارزش	بسر	دائره	ناری	شرقی	صافه مایل به زرد	گرم و خشک	سبک	معطر
کم ارزش	کم ارزش	ران کتل	طویل	باری	غربی	سرخ	گرم و مرطوب	سبک	عقاب
کلید القیمه	کلید القیمه	ساق پلران	طویل	ناری	شرقی	زرد مایل به سرخی	گرم و خشک	سبک	زنجبیل
کلید القیمه	کلید القیمه	ران با کتل	دائره	آبی	شمالی	سفید متوسط	سرد و مرطوب	سنگین	سبزی
ارزان	ارزان	بازو	مثلث	آتش	شرقی	خاصتری	گرم و خشک	سبک	سقم
وسط القیمه	وسط القیمه	معدده	مجوف	هوایی	غربی	خمود مایل به بنفش	گرم و مرطوب	سبک	طعام
بسیار با ارزش	بسیار با ارزش	ذکر	طویل	ناری	شرقی	خاکی	گرم و خشک	سبک	
کم ارزش	کم ارزش	ناف	طویل	خاکی	جنوبی	زرد مایل به خاصتری	سرد و خشک	سنگین	خشک
با ارزش یا ارزان	با ارزش یا ارزان	شمکم	دائره	خاکی	جنوبی	سیاه مایل به سرخی	سرد و خشک	سنگین	
بسیار با ارزش	بسیار با ارزش	گردن	مربع	خاکی	جنوبی	زرد	سرد و خشک	سنگین	معطر
بسیار با ارزش	بسیار با ارزش	قلب با سینه	دائره	هوایی	غربی	گندمی مایل	گرم و مرطوب	سبک	عطر یا ت
بسیار با ارزش	بسیار با ارزش	رانو یا قلب	دائره	آبی	شمالی	سفید مایل به کبودی	سرد و مرطوب	سنگین	معطر
متوسط القیمت	متوسط القیمت	ساق	دائره	آبی	شمالی	کبود	سرد و مرطوب	سنگین	فسق
با ارزش	با ارزش	لریج بارانی	مربع	هوایی	غربی	سفید	گرم و مرطوب	سبک	المار
متوسط القیمه	متوسط القیمه	پای راست	طویل	آبی	شمالی	سفید مایل به سبز	سرد و مرطوب	سنگین	و جوب
متوسط القیمه	متوسط القیمه	مغید با پشت	مجوف	خاکی	جنوبی	بنفش	سرد و خشک	سنگین	غلات

اشکال	میوه جات	لغات لرسمه علت بیماری	طعم	حیوانات	فصول	پرندگان
☰	خربزه	سفرا	شیرین	شتر	پاییز	بلرچن و سیدم
☰	گرد آلو	دم	تلخ	خوک	پاییز	کلاغ
☰	سیب	گرمی خون	شیرین	اسب	تابستان	قمری
☰	سیب سفید	نم و لعون معروق	شور	الاغ وحشی	بهار	کبوتر
☰	توت	دم و صفرا	تلخ	الاغ	زمستان	طیهو
☰	انار	ازباد و خون	شیرین	قاطر	تابستان	مرغ
☰	غوره	دم و صفرا	تند	الاغ	زمستان	کلاغ
☰	سبزی و تره بار	سوداء	ترش	الاغ	زمستان	مرغابی
☰	آلو سیاه	ورم سوداء	ترش و تند	میش وحشی	زمستان	کبک
☰	به	سودا	شیرین و تلخ	اسب	بهار	بلبل
☰	میوه	فلج و خون	شیرین	اسب	پاییز	بلبل
☰	الوسفند و الطره طلا	رطوبت و بلغم	شیرین	شتر	تابستان	قرقاوول
☰	کشمش	بلغم	تلخ و تند	الاغ	پاییز	پرستو و کجک
☰	انگور	خون و سودا	شیرین	میش	پاییز	داهیه
☰	حزخ	بلغم	مثور	گوسفند	تابستان	کجک و قناری
☰	دابوغ	سودا	کوناگون	قاطر	بهار	چرخ - باز شعاری

اشکال	کواکب	بروج	ایام	لیل و نهار	ادوات
☽☽☽	مشتري	قوس	پنجشنبه	روزی	کارد - چاقو
☽☽☽	مريخ	حمل	سه شنبه	روزی	تبر - تیشه
☽☽☽	خمس	اسد	یک شنبه	شب	شمشیر
☽☽☽	قمر	سرطان	یکشنبه	شب	عصا - چوبدستی
☽☽☽	راش	دلو	سه شنبه	روز	کمان
☽☽☽	عطار	جوزا	چهارشنبه	پنجشنبه	نوعی الدحرب
☽☽☽	زنب	جدی	سه شنبه	شب	چوبی یا منج فلزی
☽☽☽	زحل	جدی	شنبه	شب	سنگ
☽☽☽	زحل	دلو	شب شنبه	روز	نیزه و عمود
☽☽☽	شمس	اسد	یکشنبه شب	شب	سپر
☽☽☽	زهره	میزان	روز جمعه	روزی	منجر
☽☽☽	مشتري	حوت	پنجشنبه	روزی	مقمعه
☽☽☽	مريخ	عقرب	سه شنبه	روزی	نوعی چوب که از آن استفاده میکنند مثل بانون
☽☽☽	زهره	ثور	شب جمعه	شب	نیزه کوتاه چوبی
☽☽☽	قمر	سرطان	شب دوشنبه	شب	تیر
☽☽☽	عطار	سجده	شب چهارشنبه	هیچکدام	منجنيق

فصل هشتم

هر شکلی منسوب است به نوعی از اشخاص به تفصیل این جدول:

≡ شخصی باریش سیاه وانبوه، سفید چهره، اصیل، فاضل، نیک راه، بر سر، علامت داغی یا نشانی دارد.

≡ شخصی میانه بالا، دراز گردن، کر، بد چشم، آبله رو، فاسق و خونریز، حقه باز و خلاف کار.

≡ شخصی بلند بالا، خورد سر، بزرگ چشم، بزرگ پای، هنرمند، خردمند، نیکورای

≡ شخصی میانه بالا و خوب رو، بلند بینی، پیوسته ابرو، گردرو، صالح

≡ شخصی دراز بالا، سبزرنگ، فربه، فاسق و غماز و کذاب و بی ادب

≡ شخصی دراز بالا، باریک اندام، بزرگ سرو پای نقاش یا مستوفی یا ریاضی

≡ شخصی کربه منظر، خورد سر، بزرگ پای، تلخ سخن، بد اصل فاسق حرامزاده، بدکار، فریبکار

≡ شخصی تلخ سخن، بزرگ سر، خورد پای، دراز بالا، کوتاه گردن، فربه تن، به اصل موسم در چشم.

≡ شخصی خورد سر، و پای میانه بالا، کوتاه گردن، فراخ شکم، کینه گیر، خصومت جوی.

≡ شخصی بزرگ سر، خورد پای، گندم گون، پیوسته ابرو، میانه بالا، میش چشم، سوداگر یا صراف

≡ شخصی است خورد پای، ۱ مرد، نوجوان یا کوسه، سرخ و سفید، خوب روی، نیکو خری از اهل طرب.

≡ شخصی خوب رو، سیاه ابرو و مو، خورد پای، بلند بینی، عاقل و جوانمرد، صالح و نیکروی

≡ شخصی سرخ روی، گربه چشم، کوسج، بد فعل، شیطان و راهزن

≡ شخصی خوش صورت، شریف، یاسید صالح معتدل قامت، میش چشم، سفید پوست

≡ شخصی دراز پای، باریک اندام، خندان، میگون موی جست و چالاک

≡ شخصی دراز بالا، سبزرنگ، بزرگ سر، شکم و فربه، اندام منجم یا نقاش یا مثل اینها

در این فصل سزوار است که دور اشکال را به دو روش توضیح دهیم به شرح زیر:

روش اول توضیح اشکال:

≡ لحيان:

در بیت اول دلالت می‌کند بر صحة سائل و سعادت مند بودن وی و اینکه به آمال و آرزوهای خود می‌رسد از طریق بزرگان و نیز این فرد مصاحبت با سادات و قضات دارد و نیز دارای حرارت مزاج است.

در بیت دوم دال بر خیرات و نفع و برکت در زندگانی و نیز رونق در کسب و کار و داد و ستد با خوشحالی بدون غبن و ضرر.

در بیت سوم دلالت دارد بر اینکه از برادران و خواهران و نزدیکان نفع و سود خوبی به سائل می‌رسد و نیز سفر قریب الوقوع در پیش دارد.

در بیت چهارم: دلالت بر این دارد که صاحب طالع پدری برومند، خیراندیش و خوش سیرت دارد و نیز دلالت بر اینکه صاحب طالع مسکن مناسب و کاری آبرومند تهیه و به اتمام می‌رساند.

در پنجم اخبار خوبی که دلالت بر نفع یابی صاحب طالع دارد می‌کند از طریق اولاد با احباب و نیز دال بر این است که هدایا و تحفه‌هایی به صاحب طالع می‌رسد.

در بیت ششم دالت دارد بر بیماری و مشقت الا اینکه آن بزودی و خوبی می‌گذرد و نیز در مورد افرادی که کارخانه و خدمه دارند دلالت دارد بر اینکه کار فرما از ناحیه‌ی ایشان خسران و خسارت می‌بیند.

و در هفتم دلالت بر اینکه صاحب طالع اگر مجرد باشد به زودی ازدواج

می‌کند با خانم مومنه و صالحه با ترس و وحشت از دشمنان و حسودان و نیز دلالت بر اینکه غائب متوجه وطن شده، می‌کند.

در بیت هشتم دال بر خوف از دشمنان و نیز در افرادی که می‌خواهند ارثی را تقسیم کنند بر مخاصمه قیل و قال مردان با زنان و... می‌کند.

در نهم دلالت بر سفر قریب الوقوع و مفید و نیز خبری که آن مفرح و خوشحال کننده است و نیز سفر مفیدی می‌باشد، دلالت دارد.

در بیت دهم دال بر این است که صاحب طالع به آمال و آرزوهای خود می‌رسد از طریق سلاطین و وزراء و حکام و نیز موقعیت اجتماعی او رو به ترقی و نیز از دعای مادران بهره‌مند است.

در یازدهم از علماء و اشراف و بزرگان امداد می‌یابد و به برکت آنان به مقاصدش می‌رسد.

در بیت دوازدهم دلالت دارد بر اینکه معامله سنگین با موفقیت انجام می‌شود دشمنی دشمنان تبدیل به دوستی می‌شود و زندانی به راحتی نجات پیدا می‌کند.

در سیزدهم دلالت بر سفر و حرکت از سلطان و سلامت حال سائل و نیز دال بر نقل و انتقال صاحب طالع دارد.

در چهاردهم دلالت دارد که مراد و مطلوب یا سفر و خروج از بلد حاصل می‌شود و مطلوب وی با امداد از بزرگان حاصل می‌شود.

در ۱۵ نیاید و الا رمل را از سر بیاندازد.

در بیت شانزدهم دلالت بر حسن عاقبت و صحت مزاج دارد.

☸ حمزه:

در بیت اول طالع دلالت بر حرارت مزاج و خوف و نزاع و طغیان خون در مزاج دارد.

در دوم دلالت بر تلف مال و غضب دوستان و آنان که با ایشان داد و ستد می‌کنند و نیز دال بر نزاع و کسادی کسب و ضعف و حرفه دارد و نیز دلالت بر حصول طلا با سعادت، شاهد می‌باشد.

در سوم دال بر نزاع خواهران و برادران و خویشان دارد و اینکه صاحب طالع از ایشان خسران و ضرر می‌بیند و کارهای بی‌فائده جهت ایشان انجام می‌دهد.

در چهارم دال بر خوف از مقام و موقعیت اجتماعی دارد و از جهت مقامی تضعیف می‌شود و نیز صاحب طالع با پدر مخالفت دارد و در ملاکین دلالت بر تلف ملک و مال دارد و در رمل سال احتمال شورش ترکان می‌رود.

در پنجم دلالت بر لجاجت فرزندان و اینکه غباری از اندوه بر خاطر اهل خانه از ایشان و محبوبان می‌نشیند و نیز دال بر اخبار کاذبه و مودیه دارد و نیز دلالت بر کمی هدایا و تحفه‌ها می‌کند.

در ششم دال بر سوء حال خدام و کارگران و فرار آنها و عیب و خیانتشان بر کارفرما و نیز دلالت دارد بر سوء حال بیمار و محبوس

اما در مورد آنانکه مبادرت به نگه داری بمیمه‌ی صغیره از قبیل گوسفندان و مرغداری‌ها و.. اصحاب قناری و کبوتر، دال بر قوه حال حیوانات و رونق بازار آنها دارد.

اگر مبادرت به رمل سال نمائی و نصرت خارجه در بیت ششم بیاید دال

برخونریزی درگیری و طلاق و خراق، به صورت عموم و خصوص دارد.
 در بیت هفتم دال بر قوه نکاح و شرکت و نماء و ترقی مال و رونق معامله،
 اما با خوف و ترس از مخالفان و قیل و قال و منازعه آنان و نیز دلالت بر
 بیماری اهل خانه و اطلاع بر امور مخفیة و ضمائر تا ۲۸ روز دیگر دارد.
 در هشتم دال بر صحت و سلامت غائب و قوه حال آن و نیز دال بر طول
 اداء دیون و خوف سائل و عدم وصول محموله‌ی مطلوب و مقصود دارد.
 در نهم دال بر عدم رجوع غائب از سفر و خوف از دزدان و نیز دال بر
 اضغاث الاحلام دارد.

در دهم دلالت بر خوف سائل از حکومت و سلطان و نیز دال بر تفریق
 بین اهل خانه از ناحیه‌ی مادر و در کارخانه دارها و... دال بر اختلال در حرفه
 و... دارد

در یازدهم دال بر مشقت دیدن انسان از دادگستری و امورات دیوانیه و
 نیز منقلب شدن دوستان عدواً و غلبه نومییدی اما دال بر حصول مسروق
 است.

در دوازدهم دال بر صحت و سلامت حیوانات کبیره و سقم و بدی حال
 زندانی و خوف از دشمنان دارد.

در سیزدهم دال بر پیدا شدن مفقود و رجوع غائب و اینکه از طرف
 نسوان، انسان امداد می‌شود و به مرام و مراد خویش می‌رسد.

در چهاردهم دلالت بر حصول مطلوب می‌کند اما با وقفه و نیز دال بر
 حصول مسروق و بدی حال غائب دارد.

در پانزدهم، بیاض در خانه‌ی پانزدهم نیاید.

در شانزدهم دلالت بر اختلال احوال سائل و خوف او از دشمنان و عاقبة امورات خود، اما دالت بر قوت نکاح و... می کند.

ثالث نصرۃ الخارجه:

در بیت اول دلالت بر قوت طالع و حسن ابتداء امور و بهره مندی سائل از احکام و بزرگان و ما در را دارد.

در دوم دال بر بهره مندی انسان از کارهای دولتی و خرج کردن مال به اختیار و حصول و خوشحالی و... دارد.

در بیت سوم دلالت بر مسافرت سائل با بزرگان و شادی دیدن از نزدیکان از برادران و خواهران و نیز دال بر شغل یابی و ایجاد اشتغال با آنان را دارد.

در بیت چهارم دلالت بر سعادت مندی و نفع بینی انسان از جانب پدر و قوت حال آنان که کارهای دولتی انجام می دهند و نیز قوهی ترقی املاک ملاکان و... ظفر بر دشمنان، برای صاحب طالع حاصل می شود. با امداد سلطانو یا اتباع او و نیز دال بر این است که با شهامت امورات عظیمه را اقدام می کند.

در بیت پنجم دلالت بر صحت حال فرزندان و خوشگذرانی و نیز عشق و عاشقی با محبوبان را دارد و نیز دال بر وصول هدیه و تحفه از غائب را دارد.

در بیت ششم دال بر صحت حال بیما رو نفع یابی کشاورزان از حیوانات کوچک و نیز نفع یابی شیلات و مرغداری ها از آنان را دارد و نیز دال بر نفع بردن کارفرماها از کارگران و نیز خلاصی زندانی از زندان را دارد و نیز دلالت بر باز شدن گره های بسته را دارد.

در هفتم دلالت بر انتفاع سائل از شراکت و معامله و نیز دال بر توجه

غائب به سمت وطن و نیز دال بر خوف و ترس سائل از دشمنان و حسودان را دارد، اما اگر اقدام بر ازدواج نماید، بی نهایت بهره مند می شود و ابوابی از رزق و روزی بر او گشوده می شود.

در هشتم دلالت بر خوف از حکام و بزرگان و نیز خوف و ترس از فوت بیمار را دارد و در همین خصوص دال بر حسن عاقبت و ترس از کارهای دولتی و نیز دال بر مشاجره‌ی بر ارث و میراث را دارد.

در نهم دلالت دارد اگر کارهای دولتی که اقتضاء سفر دارد بپذیرد بسیار مفید است و نیز دلالت دارد که به اختیار سفر کند و توبه از معاصی نماید و خواب‌های رحمانی و صادقه ببیند.

در دهم دلالت بر قوت و اقتدار سلطان معاصر و نیز تزاید جلال و جمال او کند و نیز دال بر امداد رعیه سلطان را دارد.

و نیز دال بر بلند پروازی سائل و احتمال سقوط او را دارد، اما دال بر قوت حال مادران و مادر سالاری و شوکت آنان نیز دارد.

در یازدهم دال بر ظفر ایشان بر مراد و مقصود خود بواسطه‌ی سلطان و وزراء و اتباع آنان و اینکه شغل دولتی بر او خوب است و نیز دال بر بهره مندی و نفع یابی از قبل نسوان مجلله و... دارد

در دوازدهم دلالت بر قوت حال بهیمه کبیره را دارد، آنانکه مبادرت بر گاو داری و شتر پروری و فیل و اسب داری می کنند، نفع یابی می شوند و نیز دلالت بر خلاصی محبوس و ایجاد دشمنی با بزرگان و حکام دارد.

در سیزدهم دلالت بر طلب سائل و رسیدن آن بر مطلوب و پیدا شدن مال دزدیده شده و وجدان مفقود می کند.

در چهاردهم دلالت بر حصول مطلوب مخصوصاً از سفر و صحه حال بیمار و اینکه مراد بر طبق مراد بر آید.

در پانزدهم دلالت دارد بر نیکو بودن اقدام بر امورات عظیمه و معاشرت سائل با حکام و بزرگان و نفع بردن از معامله و شراکت دارد.

در شانزدهم دلالت بر خوشحالی انسان از عواقب امورات و حصول ضمیر به مدت ۳۶ روز دیگر را دارد.

بیاض:

در اول دلالت بر خوبی حال سائل را دارد و اینکه سفر بر او میمون است و رویاهای او صادق و رحمانی است و نتیجه آنان را می بیند و دال بر حسن ابتداء کارها را نیز دارد.

در دوم دلالت بر رونق کاسبی کاسب و مال یابی سائل و امیدواری به او و نفع و فائده بردن سائل از سفر و رفقاء و...

در سوم دلالت بر صلح با ارحام و اقوام و دیدن اموری از خواهران و برادران که موجب خوشحالی سائل می شود و نیز دلالت بر سفر مفید و... دارد.

در چهارم دلالت دارد که مقام صاحب مقام ثابت و روبه ترقی است و نیز اگر سائل ملکی داشته باشد دال بر نمو و ترقی آن دارد و نیز اگر غائب داشته باشد دال بر وصول خبر از غائب و نیز به کمک پدر به خواسته های خود می رسد و نیز دلالت بر صحت حال بیمار و واقف شدن به ضمیر تا ده روز دیگر دارد.

در پنجم دلالت دارد بر خوشبختی فرزندان و رسیدن به احباب و صله

رحم و نیز بشارت بر رسیدن پیک و نامه و خبر خوشحال کننده و هدایا و تحف را دارد.

در ششم دلالت دارد بر صحت و سلامت حیوانات کوچک و ترقی آنان و نیز دلالت دارد به نفع یابی انسان کارفرما از کارگران از جهت قیمت و تکثیر نسل و آزادی زنان و سالاری آنان و نیز دلالت بر بدی حال بیمار دارد اگر سائل بیمار باشد یا سوال از بیمار کرده باشد.

و در هفتم دلالت دارد بر صحت حال غائب و مصلحت نکاح و نیز در مورد سائل که دشمن دارد، دال بر قوت دشمنی و... نیز دلالت بر این دارد که اگر سائل سرمایه گذاری با شرکت دیگران کند بسیار عالی و نفع خوبی به وی می رسد در معاملاتی که انجام می دهند.

و در هشتم دلالت دارد بر حصول مال با نزاع در میراث، اما محفوظ، ایمن از خوف و وحشت است و نیز دلالت بر بدی حال بیمار دارد.

در نهم دلالت دارد بر تدین و استحکام توحید و ولایت سائل و نیز دال بر این است که رویاهای وی صادقانه و رحمانی است و نیز مستفاد است که سفر قریب الوقوع دارد و از آن کامیاب می شود و نیز اهل اسرار است.

در دهم دلالت دارد بر کثرت اشتغال سائل و عمل با حکام و بزرگان و اینکه در نظر دارد امور مهمی را شروع کند و مطلوب وی از سفر برآید.

در یازدهم دلالت دارد بر غرق بودن سائل در اشتغالات دنیوی و رابطه مودتی با بزرگان دارد و از جنس زنان سوءظن دارد و متنفر است و به مراد دل می رسد.

در دوازدهم دلالت دارد بر قوت حال حیوانات بزرگ و سود بردن

صاحبان آنان از آنها و نیز دال بر قیل و قال و نزاع با مخالفان و اگر سائل سوالش از غائب باشد دال بر سوء حال غائب و اگر سائل سوال از محبوس داشته باشد دال بر طول حبس و...

در سیزدهم دلالت دارد بر مراجعه غائب و رسیدن به احباب و اینکه سفر برای سائل نیکو است.

در چهاردهم دال بر اینکه تمام امورات صلاح است انجام او برای سائل و مطلوب کلی برای وی حاصل می شود و اگر سائل از غائب سوال داشته باشد دال است بر سلامت غائب و نیز وجدان مفقود.

و پانزدهم، این شکل در میزان نمی آید.

و در شانزدهم دلالت دارد بر حسن عاقبت در تمام امورات و اینکه سفر برای صاحب طالع مفید و نیکو است.

بیت قبض الخارج:

در بیت اول دلالت دارد بر تشویق افکار و اختلال خاطر صاحب طالع و نقل و مسافرت می کند، بدون تامل و اختیار و نیز دال بر این است که ضرر و زیان می کند.

در دوم دلالت بر کسادی کسب و ضعف کیس و اتلاف مال، برای سائل به واسطه ی نزدیکان حاصل می شود.

در بیت سوم دال بر نقل و انتقال سائل و امداد برادران و خواهران و نزدیکان مر سائل را دارد.

در چهارم دال بر ضرر ملک، اگر نیت فروش خانه یا خرید آن یا ملک را داشته باشد و اگر از مقامات دیوانی باشد دال بر اختلال مقام و ضیق موقعیت

اجتماعی وی را دارد و نیز دال بر انتقال و مسافرت دارد.

در پنجم دال بر سفر فرزندان و اخبار دروغ و حرف و حدیث و تفریق با دوستان را دارد.

در ششم دلالت بر خوبی حال بیمار را دارد و در مورد کارخانه‌ها و اماکنی که کارگر دارند دال بر بی‌رونتی آنان و اخراج بعضی دهن بعضی و نیز خیانت کارگر به کارفرما و فرار آنها و نیز دال بر کشف اسرار همدیگر را دارد.

در هفتم دال بر ملالت با شرکاء و دشمنان و تفریق با خانم و خانه و... دارد

در هشتم دلالت دارد بر ایمن بودن از خوف و ترس و تفرقه سائل با خویشاوندان و نیز دال بر پیدا شدن مال مسروق و صحت بیمار است.

در نهم دال بر اضعاف احلام و سوء عقیده‌ی سائل و اینکه سفرهای غیر ضروری بدون نفع می‌کند

در دهم دلالت دارد بر بیکاری و بی‌پایه بودن شغل وی و اینکه اگر تحت نظر بزرگان است از کارش معزول می‌گردد و نیز دال بر تفریق بین او و مادر را دارد.

در یازدهم دلالت دارد بر نفع بردن سائل از بزرگان و کامیابی وی از ایشان و نیز دال بر نومیدی و تنفر از بستگان است.

در دوازدهم دلالت دارد بر ضرر و زیان سائل از حیوانات بزرگ، اگر سوال از آنها باشد و دلالت دارد بر خلاصی محبوس و ایمن بودن از دشمنان و در سیزدهم دلالت دارد بر اختلال حال سائل و تشویش فکری او و اگر سوال از غائب باشد آمدنش به طول می‌انجامد و در نهایت بر می‌گردد بدون نفع و...

در چهاردهم به موقعیت سائل به خروج از بلد یا وطن اگر سوال و نیت از آن باشد.

در پانزدهم میزان دال بر حکم بر حسب سیر نقطه است در شانزدهم دال بر این است که تمام امورات زندگانی، اقتصادی، زناشوئی، و روابط عمومی اختلال و مشقت دارد.

۲۱ اجتماع:

در بیت اول دلالت دارد بر سلامت سائل و انبساط خاطر او، و امورات را با عقل و تدبیر آغاز می‌کند، مخصوصاً امورات دیوانی و تجارت را. در دوم دلالت دارد بر هنرمندی، و انتفاع از اعمال دیوانی و تجارت و شراکت می‌برد.

در سوم دلالت دارد بر قوت خواهران و برادران و خویشاوندان و نیز شانیت اجتماعی آنان قوی و از وجودشان سائل بهره‌مند می‌شود.

در چهارم دلالت بر رضایت پدر از سائل و جمعیت مقام آنکه املاک دارند دال بر تزاید ملک است، از حیث کمیت و کیفیت.

در پنجم دلالت بر قوت حال فرزندان و نزدیکان و اینکه از غائب اخبار و آثاری به سائل می‌رسد، اگر نیت آن غائب باشد.

در ششم دلالت دارد بر بدی حال مریض و احتمال فوت داده و آنانکه کارگرانی دارند دلالت بر رونق کسب و زیاد کردن خدمه من العبید و الاماء دارد.

در هفتم دلالت دارد بر قوت نکاح دارد اگر مرد است که فلانی را به او می‌دهند یا خیر، نکاح قوت دارد و نیز دلالت بر سلامت غائب در سفرش و

مشارکت او با دیگران دارد.

در هشتم مضافاً بر اینکه دال بر بدی حال بیمار است دلالت بر خوف و نزاع از جهت ارث و درگیری و رشد و احتمال فوت یکی از آنان می‌رود و نیز خوف از سلطان مستفاد است.

در نهم دلالت دارد بر انتفاع بردن سائل و بهره‌مندی او از حیث نفع و سود مالی از بزرگان و اعظام و نیز خوابهای خوش دیدن و در صورتی که نیت سفر داشته باشد دلالت بر ایمن بودن و اطمینان از طریق سفر دارد و نیز دال بر این است که از تجارت و شراکت بهره‌مند می‌شود.

در دهم دال بر این است که اگر سائل نیت آن، قبول شغل دیوانی یا کار سلطانی است و مردد است بپذیرد یا خیر، در صورت پذیرفتن نفع کثیر می‌برد و نیز دال بر رونق قلم جهت اهل قلم و فرح و خوشحالی مادران را دارد و نیز دال بر سلامت بیمار است.

در یازدهم دلالت دارد بر اینکه سائل به آمال و آرزوهای خود می‌رسد به برکت دوستان و نیز از اموال دیوانی بهره‌مند می‌شود و امورات تازه‌ای را شروع می‌کند و نیز از نکاح و ازدواج منتفع می‌شود و آنچه که نیت او بوده تا ۶۶ روز دیگر به آن می‌رسد.

در دوازدهم دلالت دارد بر اینکه سائل مبادرت بر تکثیر حیوانات بزرگ می‌کند و غایب به سلامت است و درگیری مالی با دولت پیدا می‌کند و دوران حبس به طول می‌انجامد، نظام این منسوبیات، منوط به نیت سائل است.

در سیزدهم دلالت دارد بر مراجعه مسافر و اینکه بیمار خوب می‌شود و مفقود هم پیدا می‌گردد.

در چهاردهم دلالت دارد بر رونق کسب و کار و حصول مطالب مخصوصاً از اهل قلم.

در پانزدهم دلالت دارد بر سلامت بدن و زیاد کردن مال و خوبی دیدن از دوستان و مطلوب وی از قبل زنان بر آورده می شود خلاصه دلالت دارد بر سعادت مندی سائل در تمام امورات و موقعیت وی

در شانزدهم دلالت دارد بر صحت غائب و ثبات عمل دیوانی و حسن عاقبت در تمام احوال را دارد.

عُتْبَةُ الْخَارِجَةِ:

در بیت اول دلالت دارد بر آشفتگی ظاهری و تشویش در افکار واضطراب از جهت حیوانات و نیز سفر بدون اختیار می رود.

در دوم دلالت بر کم پولی و تلف مال و ترس از دزدان و نگرانی مالی و خسران و ضرر دیدن از جهت حیوانات

در سوم دلالت بر حرکت و انتقال بدون فائده دارد و نیز دال بر قیل و قال و حرف و حدیث فامیلی و برادران و خواهران و جدائی از همدیگر را دارد.

در چهارم دلالت بر دشمنی برادران و تضعیف شدن از جهت مقامی و ضرر ملک کمیتاً و کیفیتاً را دارد از جهت اعداء و دشمنان.

در پنجم دلالت بر رسیدن اخبار هولناک و جدائی فرزندان و نزاع و جدائی با محبوب را دارد.

در ششم دلالت بر صحت بیمار و تقویت حال حیوان یعنی کماً و کیفاً سائل اگر نیتش آنان باشد از آنان بهره مند می شود و نیز دال بر خیانت کارگر بر کارفرما و فرار آنان و نیز فرار سربازان و... دارد مضافاً بر اینکه افشاء اسرار

می‌کنند.

در هفتم دلالت بر شدت جدائی غائب و ترس از دشمنان و قیل و قال با زنان و طلاق و مفارقت آنان و نیز دال بر حصول مسروق است.

در هشتم دال بر حصول میراث و اداء دیون و سوء حال بیمار و ایمن شدن از خوف را دارد.

در نهم دلالت بر ضعف احلام و نقصان در علم و اعتقاد و نیز مبادرت بر سفر بدو سرقت در طریق را دارد.

در دهم دلالت دارد بر تضعیف کارهای دولتی و عزل و نصب مسئولان و ضرر و زیان دیدن از حکام و بزرگان و غلبه دشمنان بر دوستان و تفرقه دیدن از ناحیه‌ی مادران را دارد.

در یازدهم بر ایجاد دشمنی و نومیدی و نیز دلالت بر خلاص محبوس از حبس دارد.

در دوازدهم دال بر تقویت حال حیوانات بزرگ کما و کیفاً و نیز دال بر خلاصی محبوس و شفاء بیمار دارد.

در سیزدهم دال بر اختلال و افسردگی سائل و خوف و ترس او از آنان که با آنها مرتبط است و نیز ترک طلب مهمات را اضطراراً می‌نماید.

در چهاردهم دلالت دارد بر یأس از مطلوب به سبب دشمنان و دشمنی دیدن از دوستان و نیز دال بر خوب شدن بیمار است.

در میزان مستحیل الوقوع است.

و در شانزدهم دال بر حسن عاقبت در نیت سائل را دارد و نیز دال بر خلاصی محبوس در اندک زمان دارد.

ب. انکیس :

در بیت اول دلالت دارد بر اینکه فکر سائل مشغول است از جهت زنان و کارهای وی بسته شده.

در دوم دلالت بر قوت معامله و شراکت و رسیدن غائب و به مراد حاصل آید از طریق زوجات و نیز دال بر وصول و پیدا شدن دزد برده و نیز دلالت بر خیانت دوستان دارد.

در سوم بر ملالت دیدن و جدائی از دوستان و برادران و خواهران را دارد و نیز موانع سفر ایجاد می شود.

در چهارم دلالت بر گرفتن املاک و تهیه اسباب، ازدیاد ملک و مال کما و کیف را دارد و نیز از پدر بهره مند می شود و جوداً و مالاً و نیز دال بر رجوع غائب بر مقامش و ایجاد تفرقه و خصومت از جهت زنان و حصول آنان.

در پنجم دلالت بر رسیدن خبر غائب و عشق و عاشقی او با نسوان و متهم شدن او از ناحیه ی دوستان و افسردگی وی در مورد فرزندان و نیز دال بر وصول و پیدا شدن دزد برده است.

در ششم دال بر پیدا شدن مسروق و تهمت و قیل و قال از جهت نسوان و حرف و حدیث کارگران و عبید و اما با کارفرما و مولی و نیز دال بر طولانی شدن دوران بیماری و تقویت حال حیوانات کوچک نیز مستفاد است.

در هفتم دال بر سلامت غائب و کارگیری و گسترش کارهای آنان و قوت نکاح و ازدواج و ضرر دیدن از شرکت و حبس دیون و مخاصمه ی مخاصمان و حصول مفقود در گم شده و دزد برده .

در هشتم دال بر حصول میراث و نزاع ملکی و خوف و وحشت از زیاد

شدن بدهی‌ها و اموال ربوی و نیز دال بر بدی حال بیمار دارد و ضمیر واقع می‌شود تا ۶ روز دیگر.

در نهم دلالت دارد که سائل سفر دور و بدون فائده و نیز دال بر اضغاث احلام دارد و نیز دلالت بر غفت زنان و زیاد کردن اموال و داد و ستد و مشارکت فراوان دارد.

در دهم دلالت بر خوف و ترس از کارهای حکام با مسارعت علاج آن و رسیدن به مراد و تقویت معاملات و مشارکت شریکان را دارد و نیز دال بر پیدا شدن مفقود است.

در یازدهم دلالت دارد بر نکاح، فرزندان، سلامت غائب و قوی بودن سائل در انجام کارهای دولتی و قوت عشق و بیوت بزرگان.

در دوازدهم دلالت بر قوی بودن دشمنان و حبس غائب توسط ظالمان و بدی حال محبوس دارد و نیز دال بر رونق مالی سائل از بهائم و حیوانات بزرگ است اگر نیت آن باشد.

در سیزدهم دلالت بر مراجعت غائب و پیدا شدن مسروق و خصومت با زنان و بدی حال بیماران را دارد.

در چهاردهم دلالت بر حصول مطلوب با مشقت و رسیدن غائب و مفقود را دارد

در پانزدهم ممتنع الوقوع است.

در شانزدهم دلالت بر ضعیف بودن دشمنان و قوی بودن زنان را دارد و نیز دال بر نفع یابی از شرکت شرکاء و سوء عاقبت امورات مزبوره را دارد.

بُ عقله:

در بیت اول دلالت بر هم و غم و حبس و زندان و تشویق فکری از جهت بیمار و زندانی و اسراء را دارد.

در بیت دوم دلالت بر قوت حرفه و فن و انقلاب بیت المال و خرید و فروش حیوانات و بهائم را دارد.

در بیت سوم دلالت بر درگیری و تفرقه بین برادران و خواهران و نزدیکان را دارد نیز دلالت بر نحوست سفر دارد.

در بیت چهارم دلالت بر ضعف و ملالت از جانب پدر و دور شدن از مقام و موقعیت‌های اجتماعی و انقلاب مقام به خلافت و نیز دلالت بر خرابی املاک را دارد.

در پنجم دلالت بر قوت جنین حاصله و اینکه غباری از کدورت بر خاطر معشوقان و بیماری احباب و رسیدن اخبار متلونه راست به دروغ را دارد.

در ششم دلالت بر بیع و فروختن دزد برده و طول حبس محبوس و مریض در مرضش را دارد و نیز صاحب نیت با مشقت به ضمیرش می‌رسد. در هفتم بر قوت نکاح معامله را دارد و نیز دلالت بر ظفر بر سارق و مسروق و خوف از بزرگان را دارد.

در هشتم دلالت بر ایمن بودن سائل از تهدید و خوف از اغیار و نیز دال بر اداء دیون و حصول میراث و سارق و مسروق را دارد.

در نهم دلالت بر قوت حال سفر و زیاد شدن علم و دیر آمدن غائب و اضغاث احلام را دارد

در دهم دلالت بر قوی بودن عامل در عملش از طرف حاکمان و بزرگان و

خیر و برکت بردن کارفرماها از کارگران و موالی از عبید و اماء را دارد و نیز عقله در این بیت دال بر بیماری مادران و رسیدن به مراد به مدت پنجاه و پنج روز را دارد.

در یازدهم دلالت بر قوت عمل کارهای دولتی و ترس از دوستان و عشق و عاشقی کارگران با همدیگر و هکذا عبید و اماء باهم و نیز دال بر پیدا شدن مفقود نیز است.

در بیت دوازدهم دلالت بر زندان و قید و بند، غل و زنجیر و ترس از دشمنان و قوت حال بهائم را دارد.

در سیزدهم دلالت دارد بر اینکه سائل فوز و بهره برد از مطلوبش علی‌الخصوص از عبید و اماء، حیوانات و نیز کارفرما حظ و بهره‌ی وافر را از کارگران می‌برند و به برکت وجود آنان ابواب رزق و روزی به روی آنان باز می‌شود و نیز دلالت بر انقلاب سائل و رجوع غائب و صرف نظر از مسافرت را دارد.

و در بیت چهاردهم دلالت بر قوت حال بندگان و کنیزان و هکذا کارگران را دارد و نیز دلالت بر رجوع غائب و خلاصی محبوس از حبس و اینکه سائل به بعضی مقصود و مرام خود می‌رسد.

در بیت پانزدهم دلالت بر باز شدن گره‌های بسته و رسیدن به آمال و آرزو را دارد و نیز دلالت بر خوف بر محبوس و حامله را دارد.

در بیت شانزدهم دلالت بر بستگی شدید و گره غیر طبیعی در زندگانی و طول مرض بیمار و خسران دیدن از حیوانات را دارد و نیز دلالت بر قوت حال غائب را دارد.

ب: و اما قبض الدخل:

در بیت اول دلالت بر سعادت و بهره‌مند شدن از امورات و افعال و حاصل شدن مراد و مقصود در ابتداء قوم

در بیت دوم دلالت بر رونق داشتن کسب و کار و نیز رجوع و پیدا شدن گمشده.

در بیت سوم دلالت بر اینکه سائل از سفر قریب الوقوع انتفاع می‌برد و از برادران و خواهران و اقارب بهره‌مند می‌شود.

در بیت چهارم دلالت دارد بر قوت حال پدر و ازدیاد ملک و پیش آمدن موقعیت‌های عالی و خوب، جهت خرید و فروش املاک و امتعه و موقعیت‌های خود را کسب کردن از حیث مقامی.

در بیت پنجم دلالت بر وصول اخبار خوشحال کننده و نیز هدایا و تحفه‌ها و اینکه سائل به مراد و مقصود خود می‌رسد از ناحیه اقربا و اولاد و محبوبان و...

در بیت ششم دلالت دارد بر طول مرض مریضی با حسن عاقبت و زیاد کردن کارگران توسط کارفرما و نیز ازدیاد عبید و اماء و رجوع گمشده و خیریت عاقبت حامله و نیز دلالت بر کتمان اسرار و... دارد

در بیت هفتم دلالت دارد بر اینکه سائل به برکت ازدواج به آمال و آرزوهایش می‌رسد و خیر و برکت به سائل از غائب می‌رسد و آمدنش به طول می‌انجامد و نیز دلالت بر خوف و وحشت از دشمنان را دارد.

در بیت هشتم دلالت دارد بر گرفتن ملک برای کشاورزان بعد از مخاصمه و قیل و قال با رفقا و نیز دلالت دارد بر گرفتن ارث با زحمت و مشقت و نیز

خوف از طول مرض مریض می‌رود.

در بیت نهم دلالت بر حصول مطلوب سائل در مدت ۴۰ روز و بهره بردن از سفر و نیز دلالت بر رویاهای صالحه و رحمانی دارد.

در بیت دهم دال بر این است که سائل مواجه با حرفهای فراوان و اعمال زیاد خصوصاً از ناحیه‌ی دولت و حکام و نیز به برکت مادر به مراد خویش می‌رسد.

در بیت یازدهم دلالت بر تمکن و سعادت و نیز رسیدن به مقصود توسط دوستان و امداد دیدن از بزرگان را دارد.

در بیت دوازدهم دلالت بر قوی بودن مخالفان و بقاء محبوس بر حبس و نیز دال بر کثرت بهائم و حیوانات است.

در سیزدهم دلالت دارد که سائل طالب مجد و عزت و بزرگی است و مساعدت از بزرگان هم می‌بیند.

در چهاردهم دلالت بر حصول مراد وصول گم شده و پیدا شدن آن و رسیدن به مقصود به واسطه‌ی سفر را دارد.

در پانزدهم دلالت بر صحت و سلامت و رسیدن به آمال و آرزوها و پیدا شدن مفقود را دارد.

در شانزدهم دلالت بر پیدا شدن غائب و مال و حسن عاقبت جهت صاحب طالع را دارد.

بُ و اما فرح:

در بیت اول دلالت بر قوت طالع و با نشاط بودن صاحب طالع و رسیدن او به آمال و آرزوها را دارد به واسطه دوستان و فرزندان و نیز دلالت بر مطلع

شدن به ضمیر و امور صحیحه را دارد در همان روز یا روز بعد.
و در بیت دوم دلالت بر اشتغال سائل به کسب و ارسال نامه‌ی وی و رسیدن خبر از غائب را دارد.

در بیت سوم دلالت بر محبت دیدن از برادران و خواهران و صداقت بین ایشان و نیز هماهنگی با هم امور اقتصادی را شروع و در نتیجه از آن بهره‌مند می‌شوند.

در بیت چهارم دلالت بر ذوشان بودن سائل به جهت پدر و بهره بردن او از دوستان و ازدیاد املاک و اسباب را دارد.

در بیت پنجم دلالت بر رسیدن به مقصود توسط فرزندان و دوستان و شنیدن خبرهای خوشحال‌کننده و نیز بهره‌مند شدن از تحفه و هدایای ایشان است.

در بیت ششم دلالت بر عشق بازی بین عاشق و معشوق و دوری و تنفر معشوق و نیز دلالت بر صحت بیمار را دارد.

در بیت هفتم دلالت دارد بر قوت حال غائب و محبت زن و مرد و بهره بردن از داد و ستد و بیع و شرا و نیز شراکت برای ایشان خوب است.

در بیت هشتم دلالت بر تامین سائل و سلامت او، نیز دیون او ادا می‌شود و نیز دلالت بر قیل و قال بین دوستان و نیز دلالت بر بهره‌مندی سائل از ارث و ازدواج را دارد.

در بیت نهم دلالت بر ترقی سائل در علوم و دیانت و رسیدن به مقصود از سفر و ایمن بودن او از مسافرت و نیز دیدن رؤیای رحمانی و صادقه دارد.

در بیت دهم دلالت دارد که سائل اگر شغل دولتی بپذیرد برایش سودمند

است و برکت فراوان دارد و نیز از مادر و بزرگان و حکام بهره‌ها می‌برد.
در بیت یازدهم دلالت دارد بر رسیدن به آمال و دوستان حقیقی و بهره بردن از فرزندان را دارد.

در دوازدهم دلالت دارد بر منقلب شدن دشمنان به دوستان و نیز دال بر نجات زندانی از حبس و بهره‌مندی از بهائم، اگر مبادرت به آن شغل بکند.
در سیزدهم دلالت دارد بر پرداخت مطالبات سائل و خوشحالی او از این جهت و طالب به معشوق می‌رسد و غائب بر می‌گردد.
در چهاردهم دلالت دارد بر رسیدن سائل به نیت و مرادش توسط دوستان و مساعدت فرزندان و...

در میزان (خانه‌ی پانزدهم) فتامل (نمی‌آید).

در شانزدهم دلالت دارد بر حسن عاقبت سائل و سلامت غائب
: و اما نصرۃ الدخل:

در بیت اول دلالت دارد بر صحت النفس بودن سائل و حسن شروع کاری او و رسیدن به حاصل شدن مقصود او توسط دوستان و نیز بهره‌مندی او از نسوان و کارهای دولتی.

در بیت دوم دلالت دارد بر سعادت مندی سائل و رونق کسب او در تجارت و مال و ثروت، نیز دلالت بر خون‌گرم بودن او و حسن معاشرت با دوستان داشتن و...

در بیت سوم دلالت بر بهره‌مندی سائل از بزرگان و برادران و نزدیکان را دارد.

در بیت چهارم دلالت بر امداد پدر بر سائل و قوف مزاج و ازدیاد املاک و

معموریت مقام و حسن عاقبت را دارد.

در بیت پنجم دلالت بر قوت حال فرزندان و رسیدن دوستان و هدایا و شنیدن اخبار خوشحال کننده را دارد.

در بیت ششم دلالت دارد بر انتفاع سائل از حیوانات کوچک از پرندگان و گوسفندان و... اگر اقدام بر آنها کند و نیز دلالت بر بهره‌مندی کارگران از کارفرماها و انتفاع از عبید و اما را دارد و نیز در سائل غلبه برودت موجب بیماری آن شده اگر مریض باشد و نیز دلالت بر کتوم بودن و حسن عاقبت او را دارد.

در بیت هفتم دلالت بر باز شدن درهای رحمت الهی برای سائل از نکاح و ازدواج را دارد و به برکت آن به مراد و مقصود خودش می‌رسد و از شراکت بهره می‌برد اگر امری را مشارکت کند و نیز دلالت بر سالم بودن غائب و ایمن بودن از مخالفان را دارد.

در بیت هشتم دلالت بر ایمن بودن از ترس و وحشت و رسیدن مطالباتش که دست مردم بوده و بر مخالفان ظفر می‌یابد به کمک بزرگان.

در بیت نهم دلالت دارد بر صحت اعتقاد او و بهره‌مند شدن او از مردم، و نیز دال بر دیدن خواب‌های خوشحال کننده و ازدواج از غیر وطن و ایمن بودن آن حضرا و سفرا و قوت و اقتدار آن در امورات دولتی.

در بیت دهم دلالت دارد بر رونق کسب و کار او به کمک حکام و افراد دولتی و بهره‌مندی او از کارهای دولتی و زنان و مادر و نیز موقعیت اجتماعی او رو به ترقی است.

در بیت یازدهم دلالت دارد بر رسیدن به تمام آرزوها و رسیدن سائل به

آنها توسط زنان و دوستان واقعیش.

در بیت دوازدهم دلالت دارد بر اینکه غباری از کدورت بر وجود سائل از دوستان می نشیند و دوست مبدل به دشمن و سپس مجدد منقلب به دوست می شود و اگر سائل مبادرت به پرورش و نگه داری حیوانات بزرگ کند از آنان سودمند می شود و نیز دلالت بر حسن عاقبت محبوس را دارد.

در بیت سیزدهم دلالت دارد بر محبت و عطوفت دیدن از زنان و تلاش سائل در رسیدن به نیت و نیز دلالت بر مراجعات مسافر و غائب را دارد با سرعت.

در چهاردهم دلالت دارد بر واقع شدن مطلوب کلی به امداد وزراء و دولتیان و بزرگان و اینکه غائب برمی گردد و نامه به سائل می رسد.

در پانزدهم دلالت بر حصول مطلب کلی و ایجاد موقعیت سفر و بهره مالی بردن و مبادرت بر معامله با بزرگان را دارد.

در شانزدهم دلالت دارد بر حسن عاقبت در هر کاری که وارد شود و نیز دلالت بر قوت کسب و رسیدن به آمال و آرزوها را دارد و نیز دلالت بر طول عمر با سعادت را دارد.

‡ و امانقی الخد:

در بیت اول دلالت بر نزاع و وحشت و انقلاب امور و عدم اعتماد بر صحت اقدام بر کارها

در بیت دوم انقلاب در مال و بهره بردن از ظالمان و کارهای ربوی در بیت سوم دلالت دارد بر قیل و قال با برادران و خواهران و خویشاوندان و ماموریت پیدا کردن از بزرگان و متوسط بودن حال مسافر.

و در بیت چهارم دلالت دارد بر تزلزل در رابطه با پدر و تزلزل در مقام و عزل و نصب او و خسارت مالی دیدن.

در بیت پنجم دلالت دارد بر رسیدن به منویات تا پانزده روز دیگر و نیز دلالت بر خوبی دیدن از دوستان و فرزندان و نیز دلالت بر شنیدن اخبار صادقه با کاذبه را دارد.

در بیت ششم دلالت بر سحر زدگی و خوب شدن بیمار و مجدد مریض شدن او نیز دلالت بر ایجاد تفرقه بین دوستان و کارگر و کارفرما را دارد.

در بیت هفتم دلالت بر ضعف رابطه و سردی آن با زنان و شریکان و غائبان و وسوسه تفکر آنها به همدیگر و انقلاب حال مسافر.

در بیت هشتم دلالت دارد بر اداء قرض و مجادله بر ارث با مال غائب و نیز دلالت بر وحشت سائل را دارد.

در نهم دلالت دارد بر تشویش فکری سائل در حال حاضر و نیز دلالت بر وحشت از سفر و دیدن خوابهای متلونه مشوش و شیطانی و نیز دلالت بر کمک دیدن از بزرگان را دارد.

در بیت دهم دلالت دارد بر اقتدار دولت و حکومت و اینکه مالی از بزرگان به سائل می‌رسد و نیز دلالت بر متوسط بودن شغل و حرفه سائل را دارد.

در بیت یازدهم دلالت بر بهره‌مندی سائل از شغل دولتی بهره‌مندی او از بزرگان و قیل و قال او با دوستان و شنیدن خبر از غائب و رسیدن نامه به او را دارد.

در بیت دوازدهم دلالت دارد بر قوی بودن دشمنان و ترس از حکام و

زیاد کردن چهارپایان و دلالت بر خلاصی زندانی از حبس و بازگشت مجدداً
و به زندان و... دارد.

در بیت سیزدهم دلالت بر بازگشت غائب از سفر با سرعت و رجوع مال
مسروق و خوب بودن حال سائل و رسیدن او به مراد و پیدا شدن بارقه‌ی
امید در کارش و...

در بیت چهاردهم دلالت دارد بر اینکه سائل بر بعضی از مقصودش
می‌رسد با کمک حاکم.

در بیت پانزدهم و لایقع فی المیزان فتامل

در شانزدهم دلالت دارد بر سلامت بیمار، رسیدن به مراد دل از ناحیه‌ی
زنان و سوء عاقبت سائل. اعذنا الله و اخواننا المومنین منها.

و اما عتبه الداخل:

در بیت اول دلالت بر شروع امور مفید و حصول خرسندی از جانب زنان
را دارد.

در بیت دوم دلالت بر مال اندوزی و قوت آن را دارد.

در بیت سوم دلالت بر حصول مطلوب به مدت شش روز دیگر و نیز
دلالت بر نفع و خیر دیدن صاحب طالع از برادران و خواهران و خویشاوندان
و سفر قریب الوقوع پیش آمدن برای وی است.

در بیت چهارم دلالت بر زیاد کردن املاک و بهره‌مندی از ناحیه‌ی پدر و
حسن عاقبت در مقام و طول عمر را دارد.

در بیت پنجم دلالت بر شنیدن اخبار مسرت بخش و حاصل شدن
مقصود از طرف معشوق و نیز دلالت بر محبت فرزندان و تحفه و هدایا را نیز

دارد.

در بیت ششم دلالت بر زیاد کردن کارگران و عبید و اماء و کتمان اسرار و خلاصی محبوس و قیل و قال با زنان را دارد و نیز دلالت بر میانه بودن حال بیمار می‌کند.

در بیت هفتم دال بر قوت نکاح و حصول امید از زنان و شریکان و سلامت غائب و ایمنی از دشمنان را دارد.

در بیت هشتم دلالت بر ایمن بودن از ترس و وحشت و نزاع با زنان دارد و نیز دلالت بر رونق در معامله و کسب و کار نیز می‌کند.

در بیت نهم دلالت بر سلامت غائب و امنیت راهها و صحت عقیده و رویاهای خوب و هدایا و تحفه‌ها دارد.

در بیت دهم دلالت بر بهره‌مندی از ناحیه مادر و زیاد شدن اشتغالات دولتی و... دارد

در بیت یازدهم دلالت بر رسیدن سائل به مامول و آرزوهای خود به واسطه‌ی دوستان و زیاد شدن دوستان وی به بهره‌مندی از ایشان و اعظام رادارد.

در دوازدهم دلالت بر بهره‌مندی وی از حیوانات بزرگ مانند اسب و شتر و... اگر اقدام به آنها کند و نیز دلالت بر حفظ و انحفاظ وی از مخالفان و نیز دلالت بر طول زندان زندانی دارد و نیز دال بر تخلص وی بعد از مدت طولانی به آسانی می‌کند.

در سیزدهم دلالت بر سعادت در زندگانی و رسیدن به آرزوها توسط بزرگان و غائب و... دارد و نیز دلالت بر سلامت مزاج می‌کند.

در چهاردهم دال بر حصول مقصود کلی و مطلوب حقیقی به آسانی و خوشحالی را دارد و نیز دلالت بر بالا رفتن شأن و موقعیت اجتماعی توسط امراء و بزرگان می‌کند.

در پانزدهم واقع نمی‌شود فتامل

در شانزدهم دلالت بر طول عمر و حسن عاقبت و آمدن مسافر بعید و هنرمندی و فعالیت‌های اجتماعی را دارد.

؛ و اما طریق:

در اول دلالت بر انقلاب امور به سوی بهبودی و نیز دال بر انقلاب احوال و صحت مزاج و افتتاح امور و رسیدن به آمال و آرزوها توسط بزرگان. در دوم دال بر نابودی مال و حصول مجدد آن و ترقی انسان در رشد امورات معیشتی و محبت اجتماعی و خوشحالی غائب.

در سوم دلالت بر سفر و مسافرت مفید با نزدیکان و بستگان را دارد. در چهارم دال بر زیاد کردن مال و نیز دلالت بر هنرمندی و انقلاب در مقام و موقعیت و رسیدن به حوائج توسط بزرگان و حسن عاقبت را دارد. در پنجم دلالت بر رسیدن به آمال توسط معشوق و خیر و برکت دیدن از اولاد و شنیدن اخبار خوشحال کننده و رسیدن به نیت به مدت پانزده روز. و در ششم دلالت بر طلاق و جدائی و خوب شدن بیمار و مجدد بیمار شدن او با حسن عاقبت و میانه بودن حال کارگران و عبید و اما و حیوانات را دارد.

در هفتم دال بر سلامت غائب و مسافر و میل او به برگشتن به وطن و نیز دال بر نفع بردن از معامله و شراکت با دیگران و نیز متوسط بودن امر نکاح.

در هشتم دال بر نزاع با زنان اما بدون خطرات.
 در نهم دلالت بر سفر مفید و رویای پریشان و نیز دال بر توبه و انا به از
 اعمال قبیح و ناپسند.
 در دهم دلالت بر بهره‌مندی از مادر و بزرگان و سفر و کار کردن برای
 ایشان و ترقی انسان در سفر و امورات مفوضه.
 در یازدهم دلالت بر منقلب شدن دوستان و رسیدن به مطلوب به
 واسطه‌ی عظماء و غائب.
 در دوازدهم دلالت بر زیاد کردن چهارپایان بزرگ و نحوست حال مریض
 و خلاصی زندانی از قید و بند و رجوع مجدد او دارد.
 در سیزدهم دلالت بر رجوع غائب و مردد بودن سائل بین دو امر.
 در چهاردهم دال بر رسیدن به بعضی مطلوب و قوی بودن سائل در
 بعضی امورات و حرفه‌ها.
 در پانزدهم دال بر بهره‌مندی از کارهایی که انجام می‌دهد و از مقامش به
 مقام دیگر منتقل می‌گردد به واسطه‌ی رفقا به منویاتش می‌رسد.
 در شانزدهم دلالت بر حسن عاقبت و سلامت بیمار و رسیدن به مراد
 آمدن غائب می‌کند.

≡ واما جماعت:

در بیت اول دلالت بر قوت طالع و اعمال و شغل‌های دولتی را دارد و نیز
 دلالت بر تحیر و سرگردانی صاحب طالع می‌کند.
 در دوم دلالت بر رونق در کاسبی و بهره‌مندی صاحب طالع از اهل قلم و
 به تعویق افتادن مطالبات را دارد.

در سوم دلالت بر توقف در مهمات و منع از سفر است مضافاً اقربا و اخوه.
در چهارم دلالت بر ثبات مقام و جمعیت آنان و رشد و نمو املاک و قوت
موقعیت اجتماعی پدر و نیز دال بر ترک سفر است.

در پنجم دلالت می‌کند به شنیدن اخبار و رسیدن هدایا و انفاق بر دوستان
و فرزندان

در ششم دلالت می‌کند بر اینکه گم شده پیدا نمی‌شود و بیمار خوب
نمی‌گردد مگر بعد از مدت طولانی و محبوس همچنین و احوال کارگران
متوسط است.

در هفتم دلالت دارد بر حسن مشارکت و اقتدار غائب در سفر و طلب
نکاح و پیدا شدن گمشده بعد از زمان طولانی.

در هشتم دلالت می‌کند بر رسیدن مفقود و اینکه لازم است از دشمنی با
دیگران احتراز کند.

در نهم دلالت بر اضعاف احلام و منفعت دیدن از سفر و بهره مندی اهل
قلم و... است

در دهم دلالت بر تحصیل شغل دولتی برای غائب با خشونت و ترس و
نیز دال بر وقفه افتادن از انجام مهمات و نیز دال بر بهره مندی از ناحیه‌ی مادر
است.

در یازدهم دلالت بر جمع کردن مال و با اقتدار بودن سائل و سعادت
مندی و امیدواری را دارد.

در دوازدهم دلالت بر دشمنی جماعتی با سائل و تصرف عدوانی و بقاء
محبوس در حبس و نیز دال بر حصول چهار پایان جهت آنان که نیتشان آن

است.

در سیزدهم دلالت بر آمدن غائب و طالب بودن سائل مجد و عظمت را و
 متاسفانه دلالت بر عدم حصول مراد مرید می‌کند.
 در چهاردهم دال بر حصول مقصود است با وقفه.
 در پانزدهم دلالت بر سرگردانی و حاصل شدن مقصود به مدت صد و
 بیست روز دیگر.
 در شانزدهم دال بر حسن عاقبت و خوبی آن و در صورتی که جماعت در
 رمل تکرار شود دال بر مسدود بودن کارها است.

روش دوم توضیحات مربوط به شکل‌های مختلف در خانه‌های متفاوت
 ۱- شکل‌های مختلف در خانه‌ی اول

(☰) لحيان: دلالت می‌کند بر صحت سائل و سعادت‌مند بودن وی و اینکه
 به آمال و آرزوهای خود می‌رسد از طریق بزرگان و نیز این فرد مصاحبت با
 سادات و قضات دارد و نیز دارای حرارت مزاج است.

(☶) حمرة: دلالت بر حرارت مزاج و خوف و نزاع و طغیان خون در مزاج
 دارد.

(☱) نصره الخارج: دلالت بر قوت طالع و حسن ابتداء امور و بهره‌مندی
 سائل از حکام و بزرگان و مادر را دارد.

(☷) بیاض: دلالت بر خوبی سائل را دارد و اینکه سفر بر او میمون است
 و رویاهای او صادقانه و رحمانی است و نتیجه، آنان را می‌بیند و دال بر حسن
 ابتداء کارها را نیز دارد.

(☵) قبض الخارج: دلالت بر تشویش افکار و اختلال خاطر صاحب طالع
 و نقل و مسافرت می‌کند بدون تامل و اختیار و نیز دال بر این است که ضرر و
 زیان می‌کند.

(☹) اجتماع: دلالت دارد بر سلامت سائل و انبساط خاطر او - و امورات
 را با عقل و تدبیر آغاز می‌کند خصوصاً امورات دیوانی و تجارت را.

(☺) عتبه الخارج: دلالت بر آشفتگی ظاهری و تشویش در افکار
 واضطراب از جهت حیوانات و نیز سفر بدون اختیار می‌رود.

(☴) انکیس: دلالت دارد بر اینکه فکر سائل مشغول است از جهت زنان
 و کارهای وی بسته شده است.

(٤٠) عقله: دلالت بر هم و غم و حبس و زندان و تشویش فکری از جهت بیمار و زندانی و اسراء را دارد.

(٤١) قبض الداخل: دلالت بر سعادت و بهره‌مند شدن از امورات و افعال و حاصل شدن مراد و مقصود در ابتداء اقدام.

(٤٢) فرح: دلالت بر قوت طالع و با نشاط بودن صاحب طالع و رسیدن او به آمال و آرزوها را دارد و به واسطه‌ی دوستان و فرزندان و نیز دلالت بر مطلع شدن به ضمیر و امور صحیحه را دارد در همان روز یا روز بعد.

(٤٣) نصره الداخل: دلالت بر صحیح النفس بودن سائل و حسن شروع کاری او و رسیدن و حاصل شدن مقصود او توسط دوستان و نیز بهره‌مندی او از نسوان و کارهای دولتی

(٤٤) نقی الخد: دلالت بر نزاع و وحشت و انقلاب امور و عدم اعتماد بر صحت اقدام بر کارها.

(٤٥) عتبه الداخل: دلالت بر شروع امور مفید و حصول خرسندی از جانب زنان را دارد.

(٤٦) طریق: دلالت بر انقلاب امور به سوی بهبودی و نیز دال بر انقلاب احوال و صحت مزاج و افتتاح امور و رسیدن به آمال و آرزوها توسط بزرگان.

(٤٧) جماعت: دلالت بر قوت طالع و اعمال و شغلهای دولتی را دارد و نیز دلالت بر تحیر و سرگردانی صاحب طالع می‌کند.

۲- شکلهای مختلف در خانه‌ی دوم

(٤٨) لحيان: دلالت بر خیرات و نفع و برکت و نیز روتق در کسب و کار و

- داد و ستد با خوشحالی بدون غبن و ضرر.
- (٢٠٠) حمزه: دلالت بر تلف مال و غضب دوستان و آنانکه با ایشان داد و ستد می‌کنند و نیز دال بر نزاع و کسادى کسب و ضعف حرفه دارد و نیز دلالت بر حصول طلا با سعادت شاهد می‌باشد.
- (٢٠١) نصره الخارج: دلالت بر بهره مندی از کارهای دولتی و خرج کردن مال به اختیار و حصول خوشحالی و... دارد.
- (٢٠٢) بیاض: دلالت بر رونق کاسبی کاسب و مال یابی سائل و امیدواری به او و نفع و فائده بردن سائل از سفر و رفقاء و...
- (٢٠٣) قبض الخارج: دلالت بر کسادى کسب و ضعف کیس و اتلاف مال برای سائل به واسطه‌ی نزدیکان حاصل می‌شود.
- (٢٠٤) اجتماع: دلالت بر هنرمندی و انتفاع از اعمال دیوانی و تجارت و شراکت می‌برد.
- (٢٠٥) عتبه الخارجه: دلالت بر کم پولی و تلف مال و ترس از دزدان و نگرانی مالی و خسران و ضرر دیدن از جهت حیوانات
- (٢٠٦) انکیس: دلالت بر قوت معامله و شراکت و رسیدن غائب و به مراد حاصل آید از طریق زوجات و نیز دال بر وصول و پیدا شدن دزد برده و نیز دلالت بر خیانت دوستان دارد.
- (٢٠٧) عقله دلالت بر قوت حرفه و فن و انقلاب بیت المال و خرید و فروش حیوانات و بهائم را دارد.
- (٢٠٨) قبض الداخل: دلالت بر رونق داشتن کسب و کار و نیز رجوع و پیدا شدن گمشده.

(۳۰) فرح: دلالت بر اشتغال سائل به کسب و ارسال نامه وی و رسیدن خبر از غائب را دارد.

(۳۱) نصره الداخل: دلالت بر سعادت مندی سائل و رونق کسب او در تجارت و مال و ثروت و دلالت بر خونگرم بودن او و حسن معاشرت با دوستان داشتن و...

(۳۲) نقی الخد: انقلاب در مال و بهره بردن از ظالمان و کارهای ربوی.

(۳۳) عتبه الداخل: دلالت بر مال اندوزی و قوت آن را دارد

(۳۴) طریق: دال بر نابودی مال و حصول مجدد آن و ترقی انسان در رشد امورات معیشتی و محبت اجتماعی و خوشحالی غائب.

(۳۵) جماعت: دال بر رونق در کاسبی و بهره مندی از اهل قلم و به تعویق افتادن مطالبات را دارد.

۳- شکلهای مختلف در خانه‌ی سوم

(۳۶) لحيان: دلالت دارد بر اینکه از برادران و خواهران و نزدیکان نفع و سود خوبی به سائل می‌رسد و نیز سفر قریب الوقوع در پیش دارد.

(۳۷) حمرة: دال بر نزاع خواهران و برادران و خویشان دارد و اینکه صاحب طالع از ایشان خسران و ضرر می‌بیند و کارهای بی فائده جهت ایشان انجام می‌دهد

(۳۸) نصره الخارج: دلالت بر مسافرت سائل با بزرگان و شادی دیدن از نزدیکان از برادران و خواهران و نیز دال بر شغل یابی و ایجاد اشتغال با آنان را دارد.

(۹) بیاض: دلالت بر صلح با ارحام و اقوام و دیدن اموری از خواهران و برادران که موجب خوشحالی سائل می شود و نیز دلالت بر سفر مفید و... دارد.

(۱۰) قبض الخارج: دال بر نقل و انتقال سائل و امداد برادران و خواهران و نزدیکان مر سائل را دارد.

(۱۱) اجتماع: دلالت دارد بر قوت خواهران و برادران و خویشاوندان و نیز شاء نیت اجتماعی آنان قوی و از وجودشان سائل بهره مند می گردد.

(۱۲) عتبه الخارجه: دلالت بر حرکت و انتقال بدون فائده دارد و نیز دال بر قیل و قال و حرف و حدیث فامیلی و برادران و خواهران وجدائی از همدیگر را دارد.

(۱۳) انکیس: دلالت بر ملالت دیدن وجدائی از دوستان و برادران و خواهران را دارد و نیز موانع سفر ایجاد می شود.

(۱۴) عقله: دلالت بر درگیری و تفرقه بین برادران و خواهران و نزدیکان را دارد و همچنین دال بر نحوست سفر می باشد.

(۱۵) قبض الداخل: دلالت دارد بر اینکه سائل از سفر قریب الوقوع انتفاع می برد و از برادران و خواهران و اقارب بهره مند می شود.

(۱۶) فرح: دلالت بر محبت دیدن از برادران و خواهران و صداقت بین ایشان و نیز هماهنگی با هم امور اقتصادی را شروع و در نتیجه از آن بهره مند می شود.

(۱۷) نصره الداخل: دلالت بر بهره مندی سائل از بزرگان و برادران و نزدیکان را دارد.

(٤٠) نقی الخد: دلالت دارد بر قیل و قال با برادران و خواهران و خویشاوندان و ماموریت پیدا کردن از بزرگان و متوسط بودن حال مسافر.

(٤١) عتبه الداخل: دلالت بر حصول مطلوب به مدت شش روز دیگر و نیز دلالت بر نفع و خیر دیدن صاحب طالع از برادران و خواهران و خویشاوندان و سفر قریب الوقوع پیش آمدن برای وی.

(٤٢) طریق: دلالت بر سفر و مسافرت مفید با نزدیکان و بستگان را دارد.

(٤٣) جماعت: دلالت بر توقف در مهمات و منع از سفر است مضافاً اقرباً و اخوه.

٤- شکلهای مختلف در خانه‌ی چهارم

(٤٤) لحيان: دلالت بر این دارد که صاحب طالع پدری برومند، خیر اندیش، نیکوکار، زیبا صورت و خوش سیرت دارد و نیز دلالت دارد بر اینکه صاحب طالع مسکنی مناسب و کاری آبرومند بدست می‌آورد.

(٤٥) حمرة: دلالت بر خوف از مقام و موقعیت اجتماعی دارد و از جهت مقامی تضعیف می‌شود و نیز صاحب طالع با پدر مخالفت دارد و در ملاکین دلالت دارد بر تلف ملک و مال و در رمل سال احتمال شورش ترکان می‌رود.

(٤٦) نصره الخارج: دلالت بر سعادت مندی و نفع بردن انسان از جانب پدر و قوت حال آنان که کارهای دولتی انجام می‌دهند و نیز قوه و ترقی املاک ملاکان و... ظفر بر دشمنان برای صاحب طالع حاصل می‌شود با امداد سلطان و یا اتباع او و نیز دال بر این است که با شهامت امور عظیمه را اقدام می‌کند.

(٤٧) بیاض: دلالت دارد بر اینکه صاحب طالع داری مقام ثابت بوده و رو

به ترقی است و نیز اگر سائل ملکی داشته باشد دال بر نمو و ترقی آن دارد و نیز اگر غائب داشته باشند دال بر وصول خبر از غائب و نیز به کمک پدر به خواسته‌های خود می‌رسد و نیز دلالت بر صحت حال بیمار و واقف شدن به ضمیر تا ده روز دیگر دارد.

(٥٠) قبض الخارج: اگر صاحب طالع قصد فروش خانه یا ملکی را داشته باشد یا قصد خرید خانه یا ملکی را داشته باشد، دلالت بر ضرر دارد و اگر از مقامات دیوانی باشد دال بر اختلال مقام و موقعیت اجتماعی وی می‌باشد، همچنین دلالت بر انتقال و مسافرت دارد.

(٥١) اجتماع: دلالت بر رضایت پدر از سائل و جمعیت مقام و آنانکه املاک دارند دال بر تزايد ملک است از حیث کمیت و کیفیت.

(٥٢) عتبه الخارجه: دلالت بر دشمنی برادران و تضعیف شدن از جهت مقامی و ضرر ملک کمیتا و کیفیتا را دارد از جهت اعداء و دشمنان.

(٥٣) انکیس: دلالت بر گرفتن املاک و تهیه اسباب ازدیاد ملک و مال کما و کیفا را دارد و نیز از پدر بهره مندمی شود و جودا و مالا و نیز دال بر رجوع غائب بر مقامش و ایجاد تفرقه و خصومت از جهت زنان و حصول آنها.

(٥٤) عقله: دلالت بر ضعف و ملالت از جانب پدر و دور شدن از مقام و موقعیت‌های اجتماعی و انقلاب مقام به خلافش و نیز دلالت بر خرابی املاک را دارد.

(٥٥) قبض الداخل: دلالت دارد بر قوت حال پدر و ازدیاد ملک و پیش آمدن موقعیت‌های عالی و خوب جهت خرید و فروش املاک و امتعه و موقعیت‌های خود را کسب کردن از حیث مقامی.

- (۲۰) فرح: دلالت بر ذو شان بودن سائل به جهت پدر و بهره بردن او از دوستان و ازدیاد املاک و اسباب را دارد.
- (۲۱) نصره الداخل: دلالت بر امداد پدر بر سائل و قوت مزاج و ازدیاد املاک و معموریت مقام و حسن عاقبت را دارد.
- (۲۲) نقی الخد: دلالت دارد بر تزلزل در رابطه با پدر و تزلزل در مقام و عزل و نصب او و خسارت مالی دیدن صاحب طالع
- (۲۳) عتبه الداخل: دلالت بر زیاد کردن املاک و بهره‌مندی از ناحیه پدر و حسن عاقبت در مقام داشته و نیز طول عمر دارد.
- (۲۴) طریق: دال بر زیاد کردن مال و نیز دلالت بر هنرمندی و انقلاب در مقام و موقعیت و رسیدن به حوائج توسط بزرگان و حسن عاقبت را دارد.
- (۲۵) جماعت: دلالت بر ثبات مقام و جمعیت آنان و رشد و نمو املاک و قوت موقعیت اجتماعی پدر و نیز دال بر ترک سفر است.

۵- شکلهای مختلف در خانه‌ی پنجم

- (۲۶) لحيان: اخبار خوبی که دلالت بر نفع یابی صاحب طالع دارد از طریق اولاد با احباب و نیز دال بر این است که هدایا و تحفه‌هایی به صاحب طالع می‌رسد.
- (۲۷) حمرة: دلالت بر لجاجت فرزندان و اینکه غباری از اندوه بر خاطر اهل خانه از ایشان و محبوبان مینشینند و نیز دال بر اخبار کاذبه و مودیه دارد و نیز دلالت بر کمی هدایا و تحفه‌ها می‌کند.
- (۲۸) نصره الخارجة: دلالت بر صحت حال فرزندان و خوشگذرانی و نیز

عشق و عاشقی با محبوبان را دارد و نیز دال بر وصول هدیه و تحفه از غائب را دارد.

(۹۰) بیاض: دلالت دارد بر خوشبختی فرزندان و رسیدن به احباب و صله‌ی رحم و نیز بشارت بر رسیدن پیک و نامه و خبر خوشحال کننده و هدایا و تحف را دارد.

(۹۱) قبض الخارج: دال بر سفر فرزندان و اخبار دروغ و حرف و حدیث و تفریق با دوستان را دارد.

(۹۲) اجتماع: دلالت بر قوت حال فرزندان و نزدیکان و اینکه از غائب اخبار و آثاری به سائل می‌رسد اگر نیت آن غائب باشد.

(۹۳) عتبه الخارجه: دلالت بر رسیدن اخبار هولناک و جدائی فرزندان و نزاع و جدائی با محبوب را دارد.

(۹۴) انکیس: دلالت بر رسیدن خبر غائب و عشق و عاشقی او بانسوان و متهم شدن او از ناحیه‌ی دوستان و افسردگی وی در مورد فرزندان و نیز دال بر وصول و پیدا شدن دزدبرده است.

(۹۵) عقله: دلالت بر قوت جنین حاصله و اینکه غباری از کدورت بر خاطر معشوقان و بیماری احباب و رسیدن اخبار متلونه راست به دروغ را دارد.

(۹۶) قبض الداخل: دلالت بر وصول اخبار خوشحال کننده و نیز هدایا و تحفه‌ها و اینکه سائل به مراد و مقصود خود می‌رسد از ناحیه‌ی اقربا و اولاد و محبوبان ...

(۹۷) فرح: دلالت بر رسیدن به مقصود توسط فرزندان و دوستان و شنیدن

خبرهای خوشحال کننده و نیز بهره مند شدن از تحفه و هدایای ایشان است.
 (۴۰) نصره الداخل: دلالت بر قوت حال فرزندان و رسیدن دوستان و هدایا و شنیدن اخبار خوشحال کنند را دارد.

(۴۱) نقی الخد: دلالت دارد بر رسیدن به منویات تا پانزده روز دیگر و نیز دلالت بر خوبی دیدن از دوستان و فرزندان و نیز دلالت بر شنیدن اخبار صادقانه با کاذبانه را دارد.

(۴۲) عتبه الداخل: دلالت بر شنیدن اخبار مسرت بخش و حاصل شدن مقصود از طرف معشوق و نیز دلالت بر محبت فرزندان و تحفه و هدایا را نیز دارد.

(۴۳) طریق: دلالت بر رسیدن به آمال توسط معشوق و خیر و برکت دیدن از اولاد و شنیدن اخبار خوشحال کننده و رسیدن به نیت به مدت پانزده روز.
 (۴۴) جماعت: دلالت می کند بر شنیدن اخبار و رسیدن هدایا و انفاق بر دوستان و فرزندان

۶- شکلهای مختلف در خانه‌ی ششم

(۴۵) لحيان: دلالت دارد بر بیماری و مشقت الا اینکه آن به زودی و خوبی می گذرد و نیز در مورد افرادی که کارخانه و خدمه دارند دلالت دارد بر اینکه کارفرما از ناحیه‌ی ایشان خسران می بیند.

(۴۶) حمرة: دال بر سوء حال خدام و کارگران و فرار آنها و عبید و خیانتشان بر کارفرما و نیز دلالت دارد بر سوء حال بیمار و محبوس اما در مورد آنانکه مبادرت به نگهداری بهیمه‌ی صغیر از قبیل گوسفندان

و مرغداریهها و... اصحاب قناری و کبوتر، دال بر قوه حال حیوانات و رونق بازار آنها دارد

اگر مبادرت بر رمل سال نمائی و نصر خارجه در بیت ششم بیاید دال بر خونریزی درگیری و طلاق و خراق به صورت عموم و خصوص دارد.

(٢٠) نصره الخارج: دال بر صحت حال بیمار و نفع یابی کشاورزان از حیوانات کوچک و نیز نفع یابی شیلات و مرغداریهها از آنان دارد و نیز دال بر نفع بردن کارفرما از کارگران و نیز خلاصی زندانی از زندان را دارد و نیز دلالت بر باز شدن گروه‌های بسته را دارد.

(٢١) بیاض: دلالت دارد بر صحت و سلامت حیوانات کوچک و ترقی آنان و نیز دلالت دارد به نفع یابی انسان کارفرما از کارگران از جهت قیمت و تکثیر نسل و آزادی زنان و سالاری آنان و نیز دلالت بر بدی حال بیمار دارد اگر سائل بیمار باشد یا سوال از بیمار کرده باشد.

(٢٢) قبض الخارج: دلالت بر خوبی حال بیمار را دارد و در مورد کارخانه‌ها و اماکنی که کارگر دارند دال بر بی رونقی آنان و اخراج بعضی دوز بعضی دیگر و نیز خیانت کارگر به کارفرما و فرار آنها و نیز دال بر کشف اسرار همدیگر را دارد.

(٢٣) اجتماع: دلالت دارد بر بدی حال مریض و احتمال فوت داده و آنانکه کارگرانی دارند دلالت بر رونق کسب و زاید کردن خدمه من العبید و الاماء دارد.

(٢٤) عتبه الخارج: دلالت بر صحت بیمار و تقویت حال حیوان یعنی کما و کیف سائل اگر نیتش آنان باشد از آنان بهره‌مند می‌شود و نیز دال بر خیانت

کارگر بر کارفرما و فرار آنان و نیز فرار سربازان و... دارد مضافاً بر اینکه افشاء اسرار می‌کنند.

(۳۰) انکیس: دال بر پیدا شدن مال مسروقه و تهمت و قیل و قال از جهت نسوان و حرف و حدیث کارگران و عبید و اما با کارفرما و مولی و نیز دال بر طولانی شدن دوران بیماری و تقویت حال حیوانات کوچک نیز مستفاد است.

(۳۱) عقله: دلالت بر بیع و فروختن دزد برده و طول حبس محبوس و مریض در مرضش را دارد و نیز صاحب نیت با مشقت به ضمیرش می‌رسد.
(۳۲) قبض الداخل: دلالت دارد بر طول مرض مریض با حسن عاقبت و زیاد کردن کارگران توسط کارفرماها و نیز ازدیاد عبید و اما و رجوع گمشده و خیریت عاقبت حامله و نیز دلالت بر کتمان اسرار و... دارد.

(۳۳) فرح: دلالت بر عشق بازی بین عاشق و معشوق و دوری و تنفر معشوق و نیز دالت بر حصت بیما را دارد.

(۳۴) نصره الداخل: دلالت بر انتفاع سائل از حیوانات کوچک از پرندگان و گوسفندان و... اگر اقدام بر آنها کند و نیز دلالت بر بهره مندی کارگران از کارفرماها و انتفاع از عبید و اما را دارد و نیز در سائل غلبه برودت موجب بیماری آن شده اگر مریض باشد و نیز دلالت بر کتوم بودن و حسن عاقبت را دارد.

(۳۵) نقی الخد: دلالت بر سحر زدگی و خوب شدن بیمار و مجدد مریض شدن او و نیز دلالت بر ایجاد تفرقه بین دوستان و کارگر و کارفرما را دارد.
(۳۶) عتبه الداخل: دلالت بر زیاد کردن کارگران و عبید و اماء و کتمان

اسرار و خلاصی محبوس و قیل و قال با زنان دارد و نیز دلالت بر میانه بودن حال بیمار می‌کند.

(٤٠) طریق: دلالت بر طلاق و جدائی و خوب شدن بیمار و مجدد بیمار شدن او با حسن عاقبت و میانه بودن حال کارگران و عیید و اما و حیوانات را دارد.

(٤١) جماعت: دلالت می‌کند بر اینکه گم شده پیدا نمی‌شود و بیمار خوب نمی‌گردد مگر بعد از مدت طولانی و محبوس همچنین و احوال کارگران متوسط است.

٧- شکل‌های مختلف در خانه‌ی هفتم

(٤٢) لحيان: دلالت بر اینکه صاحب طالع اگر مجرد باشد به زودی ازدواج می‌کند با خانم مومنه و صالحه باترس و وحشت از دشمنان و حسودان و نیز دلالت بر اینکه بر غائب متوجه وطن شده می‌کند.

(٤٣) حمرة: دال بر قوه نکاح و شرکت و نماء و ترقی مال و رونق معامله اما با خوف و ترس از مخالفان و قیل و قال و منازعه آنان و نیز دلالت بر بیماری اهل خانه و اطلاع بر امور مخفی و ضمائر تا ٢٨ روز دیگر را دارد.

(٤٤) نصره الخارجة: دلالت بر انتفاع سائل از شراکت و معامله و نیز دال بر توجه غائب به سمت وطن و نیز دال بر خوف و ترس سائل از دشمنان و حسودان را دارد اما اگر اقدام بر ازدواج نماید بینهایت بهره‌مند می‌شود و ابوابی از رزق و روزی بر او گشوده می‌شود.

(٤٥) بیاض: دلالت دارد بر صحت حال غائب و مصلحت نکاح و نیز در

مورد سائل که دشمن دارد دال بر قوت دشمنی و... نیز دلالت بر این دارد که اگر سائل سرمایه گذاری با شرکت دیگران کند بسیار عالی و نفع خوبی به وی می رسد در معاملاتی که انجام می دهند.

(٢٤) قبض الخارج: دال بر ملالت با شرکاء و دشمنان و تفریق با خانم خانه و... دارد.

(٢٥) اجتماع: دلالت بر قوت نکاح دارد اگر مردد است که فلانی را به او می دهند یا خیر، نکاح قوت دارد و نیز دلالت بر سلامت غائب در سفرش و مشارک او با دیگران را دارد.

(٢٦) عبته الخارجه: دلالت بر شدت جدائی غائب و ترس از دشمنان و قیل و قال با زنان و طلاق و مفارقت آنان و نیز دال بر حصول مسروق است. (٢٧) انکیس: دال بر سلامت غائب و کارگیری و گسترش کارهای آنان و قوت نکاح و ازدواج و ضرر دیدن از شرکت و حبس دیون و مخاصمه‌ی مخاصمان و حصول مفقود درگم شده و دزدبرده.

(٢٨) عقله: دلالت بر قوت نکاح و معامله را دارد و نیز دلالت بر ظفر بر سارق و مسروق و خوف از بزرگان دارد.

(٢٩) قبض الداخل: دلالت دارد بر اینکه سائل به برکت ازدواج به آمال و آرزوهایش می رسد و خیر و برکت به سائل از غائب می رسد و آمدنش به طول می انجامد و نیز دلالت بر خوف و وحشت از دشمنان را دارد.

(٣٠) فرح: دلالت دارد بر قوت حال غائب و محبت بین زن و مرد و بهره بردن از داد و ستد و بیع و شرا و نیز شراکت برای ایشان خوب است.

(٣١) نصره الداخل: دلالت بر باز شدن درهای رحمت الهی برای سائل از

نکاح ازدواج را دارد، به برکت آن به مراد و مقصود خودش می‌رسد و از شراکت بهره می‌برد اگر امری را مشارکت کند نیز دلالت بر سالم بودن غائب و ایمن بودن از مخالفان دارد.

(٢٠٠) نقی الخد: دلالت بر ضعف رابطه و سردی آن با زنان و شریکان و غائبان و وسوسه‌ی تفکر آنها به همدیگر و انقلاب حال مسافر.

(٢٠١) عتبه الداخل: دال بر قوت نکاح و حصول امید از زنان و شریکان و سلامت غائب و ایمنی از دشمنان را دارد.

(٢٠٢) طریق: دال بر سلامت غائب و مسافر و میل او به برگشتن به وطن نیز دال بر نفع بردن از معامله و شراکت با دیگران و نیز متوسط بودن امر نکاح.

(٢٠٣) جماعت: دلالت دارد بر حسن مشارکت و اقتدار غائب در سفر و طلب نکاح و پیدا شدن گم شده بعد از زمان طولانی.

۸- شکلهای مختلف در خانه‌ی هشتم

(٢٠٤) لحيان: دال بر خوف از دشمنان و نیز در افرادی که می‌خواهند ارثی را تقسیم کنند بر مخاصمه و قیل و قال مردان با زنان و... می‌کند.

(٢٠٥) حمرة: دال بر صحت و سلامت غائب و قوه حال آن و نیز دال بر طول ادا دیون و خوف سائل و عدم وصول محموله و مطلوب و مقصود دارد.

(٢٠٦) نصره الخارج: دلالت بر خوف از حکام و بزرگان و نیز خوف و ترس از فوت بیمار را دارد و در همین خصوص دال بر حسن عاقبت و ترس از کارهای دولتی و نیز دال بر مشاجره بر ارث و میراث دارد.

(٢٠٧) بياض: دلالت دارد بر حصول مال با نزاع در میراث اما محفوظ، ایمن

از خوف و وحشت است و نیز دلالت بر بدی حال بیمار دارد.

(٢٠٠) قبض الخارج: دلالت دارد بر ایمن بودن از خوف و ترس و تفرقه سائل با خویشاوندان و نیز دال بر پیدا شدن مال مسروق و صحت بیمار است.
(٢٠١) اجتماع: دال بر بدی حال بیمار است و دلالت بر خوف و نزاع از جهت ارث و درگیری و رشد و احتمال فوت یکی از آنان می‌رود و نیز خوف از سلطان مستفاد است.

(٢٠٢) عتبه الخارجه: دال بر حصول میراث و ادا دیون و سوء حال بیمار و ایمن شدن از خوف را دارد.

(٢٠٣) انکیس: دال بر حصول میراث و نزاع ملکی و خوف و وحشت از زیاد شدن بدهی‌ها و اموال ربوی و نیز دال بر بدی حال بیمار دارد و ضمیر واقع می‌شود تا ۶ روز دیگر

(٢٠٤) عقله: دلالت بر ایمن بودن سائل از تهدید و خوف از اغیار و نیز دال بر اداء دیون و حصول میراث و سارق و مسروق را دارد.

(٢٠٥) قبض الداخل: دلالت دارد بر گرفتن ملک برای کشاورزان بعد از مخاصمه و قیل و قال با رفقا و نیز دلالت دارد بر گرفتن ارث با زحمت و مشقت و نیز خوف از طول مرض مریض می‌رود.

(٢٠٦) فرح: دلالت بر تامین سائل و سلامت او و نیز دیون او ادا می‌شود و نیز دلالت دارد بر قیل و قال بین دوستان و نیز دلالت بر بهره‌مندی سائل از ارث و ازدواج را دارد.

(٢٠٧) نصره الداخل: دلالت بر ایمن بودن از ترس و وحشت و رسیدن مطالباتش که دست مردم بوده و بر مخالفان ظفر می‌یابد به کمک بزرگان.

(٢٠٠) نقی الخد: دلالت دارد بر اداء قرض و مجادله بر ارث یا مال غائب و نیز دلالت بر وحشت سائل دارد.

(٢٠١) عتبه الداخل: دلالت بر ایمن بودن از ترس و وحشت و نزاع با زنان را دارد و نیز دلالت بر روتق در معامله و کسب و کار دارد.

(٢٠٢) طریق: دلالت دارد بر نزاع با زنان اما بدون خطرات

(٢٠٣) جماعت: دلالت می‌کند بر رسیدن مقصود و اینکه لازم است از دشمنی با دیگران احتراز کند.

۹- شکلهای مختلف در خانه‌ی نهم

(٢٠٤) لحيان: دلالت بر سفر قریب الوقوع و مفید و نیز خبری که آن مفرح و خوشحال کننده است و نیز سفر مفیدی می‌باشد، دلالت دارد.

(٢٠٥) حمرة: دال بر عدم رجوع غائب از سفر و خوف از دزدان و نیز دال بر اضمغاث الاحلام دارد.

(٢٠٦) نصره الخارج: دلالت دارد اگر کارهائی دولتی که اقتضاء سفر دارد بپذیرد بسیار مفید است و نیز دلالت دارد که به اختیار سفر کند و توبه از معاصی نماید و خواب‌های رحمانی و صادقانه ببیند.

(٢٠٧) بیاض: دلالت دارد بر تدین و استحکام توحید و ولایت سائل و نیز دال بر این است که رؤیاهای وی صادقانه و رحمانی است و نیز مستفاد است که سفر قریب الوقوع دارد و از آن کامیاب می‌شود و نیز اهل اسرار است.

(٢٠٨) قبض الخارج: دال بر اضمغاث احلام و سوء عقیده‌ی سائل و اینکه سفرهای غیر ضروری بدون نفع می‌کند.

(۴) اجتماع: دلالت دارد بر انتفاع بردن سائل و بهره‌مندی او از حیث نفع و سود مالی از بزرگان و اعظام و نیز خوابهای خوش دیدن و در صورتی که نیت سفر داشته باشد دلالت بر ایمن بودن و اطمینان از سفر دارد و نیز دال بر این است که از تجارت و شراکت بهره‌مند می‌شود.

(۵) عتبه الخارجه: دلالت بر ضعف احلام و نقصان در علم و اعتقاد و نیز مبادرت بر سفر بدو سرقت در طریق را دارد.

(۶) انکیس: دلالت دارد که سائل سفر دور و بدون فائده و نیز دال بر اضعاف احلام دارد و نیز دلالت بر عفت زنان و زیاد کردن اموال و داد و ستد و مشارکت فراوان دارد.

(۷) عقله: دلالت بر قوت حال سفر و زیاد شدن علم و دیر آمدن غائب و اضعاف احلام را دارد

(۸) قبض الدخل: دلالت بر حصول مطلوب سائل در مدت ۴۰ روز و بهره بردن از سفر و نیز دلالت بر رویاهای صالحه و رحمانی دارد.

(۹) فرح: دلالت بر ترقی سائل در علوم و دیانت و رسیدن به مقصود از سفر و ایمن بودن او از مسافرت و نیز دیدن رویای رحمانی و صادقانه دارد.

(۱۰) نصره الدخل: دلالت دارد بر صحت اعتقاد او و بهره‌مند شدن او از مردم، و نیز دال بر دیدن خوابهای خوشحال کننده و ازدواج از غیر وطن و ایمن بودن آن حضرا و سفرا و قوت و اقتدار آن در امورات دولتی.

(۱۱) نقی الخد: دلالت دارد بر تشویش فکری سائل در حال حاضر و نیز دلالت بر وحشت از سفر و دیدن خوابهای متلونه، مشوش و شیطانی و نیز دلالت بر کمک دیدن از بزرگان را دارد.

(٢٠) عتبه الداخل: دلالت بر سلامت غائب و امنیت راهها و صحت عقیده و رویاهای خوب و هدایا و تحفه‌ها دارد.

(٢١) طریق: دلالت بر سفر مفید و رویای پریشان و نیز دال بر توبه و انا به از اعمال قبیح و ناپسند.

(٢٢) جماعت: دلالت بر اضغاث احلام و منفعت دیدن از سفر و بهره مندی اهل قلم و... است

۱۰- شکلهای مختلف در خانه‌ی دهم

(٢٣) لحيان: دال بر این است که صاحب طالع به آمال و آرزوهای خود می‌رسد از طریق سلاطین و وزراء و حکام و نیز موقعیت اجتماعی او رو به ترقی و نیز از دعای مادران بهره‌مند است.

(٢٤) حمرة: دلالت بر خوف سائل از حکومت و سلطان و نیز دال بر تفریق بین اهل خانه از ناحیه‌ی مادر و در کارخانه دارها و... دال بر اختلال در حرفه و... دارد

(٢٥) نصرالخارجه: دلالت بر قوت و اقتدار سلطان معاصر و نیز تزاید جلال و جمال او کند و نیز دال بر امداد رعیة سلطان را دارد.

(٢٦) بیاض: دلالت دارد بر کثرت اشتغال سائل و عمل به احکام و بزرگان و اینکه در نظر دارد امور مهمی را شروع کند و مطلوب وی از سفر برآید.

(٢٧) قبض الخارج: دلالت دارد بر بیکاری و بی‌عاری و بی‌پایه بودن شغل وی و اینکه اگر تحت نظر بزرگان است از کارش معزول می‌گردد و نیز دال بر تفریق بین او و مادر را دارد.

(۴) اجتماع: دال بر این است که اگر سائل نیت آن، قبول شغل دیوانی یا کار سلطانی است و مردد است بپذیرد یا خیر، در صورت پذیرفتن نفع کثیر می‌برد و نیز دال بر رونق قلم جهت اهل قلم و فرح و خوشحالی مادران را دارد و نیز دال بر سلامت بیمار است.

(۵) عتبه الخارجه: دلالت دارد بر تضعیف کارهای دولتی و عزل و نصب مسئولان و ضرر و زیان دیدن از حکام و بزرگان و غلبه دشمنان بر دوستان و تفرقه دیدن از ناحیه‌ی مادران را دارد.

(۶) انکیس: دلالت بر خوف و ترس از کارهای حکام با مسارعت علاج آن و رسیدن به مراد و تقویت معاملات و مشارکت شریکان را دارد و نیز دال بر پیدا شدن مفقود است.

(۷) عقله: دلالت بر قوی بودن عامل در عملش از طرف حاکمان و بزرگان و خیر و برکت بردن کارفرماها از کارگران و موالی از عبید و اماء را دارد و نیز عقله در این بیت دال بر بیماری مادران و رسیدن به مراد به مدت پنجاه و پنج روز را دارد.

(۸) قبض الدخل: دال بر این است که سائل مواجه با حرفهای فراوان و اعمال زیاد خصوصاً از ناحیه‌ی دولت و حکام و نیز به برکت مادر به مراد خویش می‌رسد.

(۹) فرح: دلالت دارد که سائل اگر شغل دولتی بپذیرد برایش سودمند است و برکت فراوان دارد و نیز از مادر و بزرگان و حکام بهره‌ها می‌برد.

(۱۰) نصره الدخل: دلالت دارد بر رونق کسب و کار او به کمک حکام و افراد دولتی و بهره‌مندی او از کارهای دولتی و زنان و مادر و نیز موقعیت

اجتماعی او رو به ترقی است.

(٢٠) نقی الخد: دلالت دارد بر اقتدار دولت و حکومت و اینکه مالی از بزرگان به سائل می‌رسد و نیز دلالت بر متوسط بودن شغل و حرفه سائل را دارد.

(٢١) عتبه الداخل: دلالت بر بهره‌مندی از ناحیه مادر و زیاد شدن اشتغالات دولتی و... دارد

(٢٢) طریق: دلالت بر بهره‌مندی از مادر و بزرگان و سمر و کار کردن برای ایشان و ترقی انسان در سفر و امورات مفوضه.

(٢٣) جماعت: دلالت بر تحصیل شغل دولتی برای غائب با خشونت و ترس و نیز دال بر وقفه افتادن از انجام مهمات و نیز دال بر بهره‌مندی از ناحیه‌ی مادر است.

۱۱- شکلهای مختلف در خانه‌ی یازدهم

(٢٤) لحيان: دال بر این است که از علماء و اشراف و بزرگان امداد می‌یابد و به برکت آنان به مقاصدش می‌رسد.

(٢٥) حمرة: دال بر مشقت دیدن انسان از دادگستری و امورات دیوانیه و نیز منقلب شدن دوستان عدو و غلبه نومییدی اما دال بر حصول مسروق است.

(٢٦) نصره الخارج: دال بر ظفر ایشان بر مراد و مقصود خود بواسطه‌ی سلطان و وزراء و اتباع آنان و اینکه شغل دولتی بر او خوب است و نیز دال بر بهره‌مندی و نفع یابی از قبل نسوان مجلله و... دارد

(۱۰) بیاض: دلالت دارد بر غرق بودن سائل در اشتغالات دنیویه و رابطه مودتی با بزرگان دارد و از جنس زنان سوءظن دارد و متنفر است و به مراد دل می‌رسد.

(۱۱) قبض الخارج: دلالت دارد بر نفع بردن سائل از بزرگان و کامیابی وی از ایشان و نیز دال بر نومیدی و تنفر از بستگان است.

(۱۲) اجتماع: دلالت دارد بر اینکه سائل به آمال و آرزوهای خود می‌رسد به برکت دوستان و نیز از اموال دیوانی بهره‌مند می‌شود و امورات تازه‌ای را شروع می‌کند و نیز از نکاح و ازدواج منتفع می‌شود و آنچه که نیت او بوده تا ۶۶ روز دیگر به آن می‌رسد.

(۱۳) عتبه الخارجه: دال بر ایجاد دشمنی و نومیدی و نیز دلالت بر خلاصی محبوس از حبس دارد.

(۱۴) انکیس: دلالت دارد بر نکاح فرزندان، سلامت غائب و قوی بودن سائل در انجام کارهای دولتی و قوت تعشق و بیوت بزرگان.

(۱۵) عقله: دلالت بر قوت عمل کارهای دولتی و ترس از دوستان و عشق و عاشقی کارگران با همدیگر و هکذا عبید و اماء باهم و نیز دال بر پیدا شدن مفقود نیز است.

(۱۶) قبض الدخل: دلالت بر تمکن و سعادت و نیز رسیدن به مقصود توسط دوستان و امداد دیدن از بزرگان دارد.

(۱۷) فرح: دلالت دارد بر رسیدن به آمال و دوستان حقیقی و بهره بردن از فرزندان را دارد.

(۱۸) نصره الدخل: دلالت دارد بر رسیدن به تمام آرزوها و رسیدن سائل

به آنها توسط زنان و دوستان واقعیث.

(٢٠٠) نقی الخد: دلالت بر بهره مندی سائل از شغل دولتی و بهره مندی او از بزرگان و قیل و قال او با دوستان و شنیدن خبر از غائب و رسیدن نامه به او را دارد.

(٢٠١) عتبه الداخل: دلالت بر رسیدن سائل به مامول و آرزوهای خود به واسطه ی دوستان و زیاد شدن دوستان وی به بهره مندی از ایشان و اعظام رادارد.

(٢٠٢) طریق: دلالت بر منقلب شدن دوستان و رسیدن به مطلوب به واسطه ی عظماء و غائب.

(٢٠٣) جماعت: دلالت بر جمع کردن مال و با اقتدار بودن سائل و سعادت مندی و امیدواری را دارد.

١٢- شکل‌های مختلف در خانه ی دوازدهم

(٢٠٤) لحيان: دلالت دارد بر اینکه معامله سنگین با موفقیت انجام می شود دشمنی دشمنان تبدیل به دوستی می شود و زندانی به راحتی نجات پیدا می کند.

(٢٠٥) حمرة: دال بر صحت و سلامت حیوانات کبیره و سقم و بدی حال زندانی و خوف از دشمنان دارد.

(٢٠٦) نصره الخارج: دلالت بر قوت حال بهیمه کبیره را دارد، آنانکه مبادرت بر گاو داری و شتر پروری و فیل و اسب داری می کنند، نفع یابی می شوند و نیز دلالت بر خلاصی محبوس و ایجاد دشمنی با بزرگان و حکام

دارد.

(۳۰) بیاض: دلالت دارد بر قوت حال حیوانات بزرگ و سودبردن صاحبان آنان از آنها و نیز دال بر قیل و قال و نزاع با مخالفان و اگر سائل سوالش از غائب باشد دال بر سوء حال غائب و اگر سائل سوال از محبوس داشته باشد دال بر طول حبس و...

(۳۱) قبض الخارج: دلالت دارد بر ضرر و زیان سائل از حیوانات بزرگ، اگر سوال از آنها باشد و دلالت دارد بر خلاصی محبوس و ایمن بودن از شر دشمنان

(۳۲) اجتماع: دلالت دارد بر اینکه سائل مبادرت بر تکثیر حیوانات بزرگ می کند و غایب به سلامت است و درگیری مالی با دولت پیدا می کند و دوران حبس به طول می انجامد، نظام این منسوبات، منوط به نیت سائل است.
(۳۳) عتبه الخارجه: دال بر تقویت حال حیوانات بزرگ کما و کیفاً و نیز دال بر خلاصی محبوس و شفاء بیمار دارد.

(۳۴) انکیس: دلالت بر قوی بودن دشمنان و حبس غائب توسط ظالمان و بدی حال محبوس دارد و نیز دال بر رونق مالی سائل از بهائم و حیوانات بزرگ است اگر نیت آن باشد.

(۳۵) عقله: دلالت بر زندان و قید و بند غل و زنجیر و ترس از دشمنان و قوت حال بهائم را دارد.

(۳۶) قبض الدخل: دلالت بر قوی بودن مخالفان و بقاء محبوس بر حبس و نیز دال بر کثرت بهائم و حیوانات است.

(۳۷) فرح: دلالت دارد بر منقلب شدن دشمنان به دوستان و نیز دال بر

نجات زندانی از حبس و بهره‌مندی از بهائم، اگر مبادرت به آن شغل بکند.
 (۳۰) نصرۃ الدخل: دلالت دارد بر اینکه غباری از کدورت بر وجود سائل
 از دوستان می‌نشیند و دوست مبدل به دشمن و سپس مجدد منقلب به
 دوست می‌شود و اگر سائل مبادرت به پرورش و نگه داری حیوانات بزرگ
 کند از آنان سودمند می‌شود و نیز دلالت بر حسن عاقبت محبوس را دارد.
 (۳۱) نقی الخد: دلالت دارد بر قوی بودن دشمنان و ترس از حکام و زیاد
 کردن چهارپایان و دلالت بر خلاصی زندانی از حبس و بازگشت مجدد به
 زندان و... دارد.

(۳۲) عتبه الداخل: دلالت بر بهره‌مندی وی از حیوانات بزرگ مانند اسب
 و شتر و... اگر اقدام به آنها کند و نیز دلالت بر حفظ و انحفاظ وی از مخالفان و
 نیز دلالت بر طول زندان زندانی دارد و نیز دال بر تخلص وی بعد از مدت
 طولانی به آسانی می‌کند.

(۳۳) طریق: دلالت بر زیاد کردن چهارپایان بزرگ و نحوست حال مریض
 و خلاصی زندانی از قید و بند و رجوع مجدد او دارد.

(۳۴) جماعت: دلالت بر دشمنی جماعتی با سائل و تصرف عدوانی و
 بقاء محبوس در حبس و نیز دال بر حصول چهارپایان جهت آنان که نیتشان
 آن است.

۱۳- شکل‌های مختلف در خانه‌ی سیزدهم

(۳۵) لحيان: دلالت بر سفر و حرکت از سلطان و سلامت حال سائل و نیز
 دال بر نقل و انتقال صاحب طالع دارد.

(ع) حمرة: دال بر پیدا شدن مفقود و رجوع غائب و اینکه از طرف نسوان، انسان امداد می شود و به مرام و مراد خویش می رسد.

(ف) نصره الخارج: دلالت بر طلب سائل و رسیدن آن بر مطلوب و پیدا شدن مال دزدیده شده و وجدان مفقود می کند.

(ج) بیاض: دلالت دارد بر مراجعه غائب و رسیدن به احباب و اینکه سفر برای سائل نیکو است.

(ح) قبض الخارج: دلالت دارد بر اختلال حال سائل و تشویش فکری او و اگر سوال از غائب باشد آمدنش به طول می انجامد در نهایت بر می گردد بدون نفع و...

(ز) اجتماع: دلالت دارد بر مراجعه مسافر و اینکه بیمار خوب می شود و مفقود هم پیدا می گردد.

(ط) عتبه الخارج: دال بر اختلال و افسردگی سائل و خوف و ترس او از آنان که با آنها مرتبط است و نیز ترک طلب مهمات را اضطراراً می نماید.

(ث) انکیس: دلالت بر مراجعت غائب و پیدا شدن مسروق و خصومت با زنان و بدی حال بیماران را دارد.

(د) عقلة: دلالت دارد بر اینکه سائل فوز و بهره برد از مطلوبش علی الخصوص از عبید و اماء حیوانات و نیز کارفرما حظ و بهره ی وافر را از کارگران می برند و به برکت وجود آنان ابواب رزق و روزی به روی آنان باز می شود و نیز دلالت بر انقلاب سائل و رجوع غائب و صرف نظر از مسافرت را دارد.

(ذ) قبض الدخل: دلالت دارد که سائل طالب مجد و عزت و بزرگی است

و مساعدت از بزرگان هم می بیند.

(۳۰) فرح: دلالت دارد بر پرداخت مطالبات سائل و خوشحالی او از این جهت و طالب به معشوق می رسد و غائب بر می گردد.

(۳۱) نصرۃ الدخل: دلالت دارد بر محبت و عطوفت دیدن از زنان و تلاش سائل در رسیدن به نیت و نیز دلالت بر مراجعت مسافر و غائب را دارد با سرعت.

(۳۲) نقی الخد: دلالت بر بازگشت غائب از سفر با سرعت و رجوع مال مسروق و خوب بودن حال سائل و رسیدن او به مراد و پیدا شدن بارقه‌ی امید در کارش و...

(۳۳) عتبه الداخل: دلالت بر سعادت در زندگانی و رسیدن به آرزوها توسط بزرگان و غائب و... دارد و نیز دلالت بر سلامت مزاج می کند.

(۳۴) طریق: دلالت بر رجوع غائب و مردد بودن سائل بین دو امر.

(۳۵) جماعت: دلالت بر آمدن غائب و طالب بودن سائل مجد و عظمت، را و همچنین دلالت بر عدم حصول مراد مرید می کند.

۱۴- شکلهای مختلف در خانه‌ی چهاردهم

(۳۶) لحيان: دلالت دارد که مراد و مطلوب یا سفر و خروج از بلد حاصل می شود و مطلوب وی با امداد از بزرگان حاصل می شود.

(۳۷) حمرة: دلالت بر حصول مطلوب می کند اما با وقفه و نیز دال بر حصول مسروق و بدی حال غائب دارد.

(۳۸) نصره الخارج: دلالت بر حصول مطلوب مخصوصاً از سفر و صحه

حال بیمار و اینکه مراد بر طبق مراد بر آید.

(۱۰۰) بیاض: دال بر اینکه تمام امورات صلاح است انجام او برای سائل و مطلوب کلی برای وی حاصل می شود و اگر سائل از غائب سوال داشته باشد دال است بر سلامت غائب و نیز وجدان مفقود.

(۱۰۱) قبض الخارج: به موقعیت سائل به خروج از بلد یا وطن اگر سوال و نیت از آن باشد.

(۱۰۲) اجتماع: دلالت دارد بر رونق کسب و کار و حصول مطالب مخصوصاً از اهل قلم.

(۱۰۳) عتبه الخارجه: دلالت دارد بر یاس از مطلوب به سبب دشمنان و دشمنی دیدن از دوستان و نیز دال بر خوب شدن بیمار است.

(۱۰۴) انکیس: دلالت بر حصول مطلوب با مشقت و رسیدن غائب و مفقود را دارد

(۱۰۵) عقله: دلالت بر قوت حال بندگان و کنیزان و هکذا کارگران را دارد و نیز دلالت بر رجوع غائب و خلاصی محبوس از حبس و اینکه سائل بر بعضی مقصود و مرام خود می رسد.

(۱۰۶) قبض الدخل: دلالت بر حصول مراد وصول گم شده و پیدا شدن آن و رسیدن به مقصود به واسطه سفر را دارد.

(۱۰۷) فرح: دلالت دارد بر رسیدن سائل به نیت و مرادش توسط دوستان و مساعدت فرزندان و...

(۱۰۸) نصره الدخل: دلالت دارد بر واقع شدن مطلوب کلی به امداد وزراء و دولتیان و بزرگان و اینکه غائب بر می گردد و نامه به سائل می رسد.

(١٤) نقی الخد: دلالت دارد بر اینکه سائل بر بعضی از مقصودش می‌رسد
با کمک حاکم.

(١٥) عتبه الداخل: دال بر حصول مقصود کلی و مطلوب حقیقی به آسانی
و خوشحالی را دارد و نیز دلالت بر بالا رفتن شان و موقعیت اجتماعی توسط
امراء و بزرگان می‌کند.

(١٦) طریق: دال بر رسیدن به بعضی مطلوب و قوی بودن سائل در بعضی
امورات و حرفه‌ها.

(١٧) جماعت: دال بر حصول مقصود است با وقفه.

۱۵- شکلهای مختلف در خانه‌ی پانزدهم

(١٨) لحيان: در خانه ۱۵ نیاید و الا رمل را از سر بیاندازد.

(١٩) حمرة: حمرة در خانه‌ی پانزدهم نیاید.

(٢٠) نصره الخارج: دلالت دارد بر نیکو بودن اقدام بر امورات عظیمه و
معاشرت سائل با حکام و بزرگان و نفع بردن از معامله و شراکت دارد.

(٢١) بیاض: این شکل در میزان نمی‌آید.

(٢٢) قبض الخارج: در پانزدهم میزان دال بر حکم بر حسب سیر نقطه
است

(٢٣) اجتماع: دلالت دارد بر سلامت بدن و زیاد کردن مال و خوبی دیدن
از دوستان و مطلوب وی از قبل زنان بر آورده می‌شود خلاصه دلالت دارد بر
سعادت مندی سائل در تمام امورات و موقعیت وی

(٢٤) عتبه الخارجه: در میزان مستحیل الوقوع است.

- (۱۵) انکیس: در ۱۵ ممتنع الوقوع است.
- (۱۶) عقله: دلالت بر باز شدن گره‌های بسته و رسیدن به آمال و آرزوها را دارد و نیز دلالت بر خوف بر محبوس و حامله را دارد.
- (۱۷) قبض الدخل: دلالت بر صحت و سلامت و رسیدن به آمال و آرزوها و پیدا شدن مفقود را دارد.
- (۱۸) فرح: در میزان فتامل (نمی آید).
- (۱۹) نصره الدخل: دلالت بر حصول مطلب کلی و ایجاد موقعیت سفر و بهره مالی بردن و مبادرت بر معامله با بزرگان را دارد.
- (۲۰) نقی الخد: و لایقع فی المیزان فتامل
- (۲۱) عتبه الداخل: در پانزدهم واقع نمی شود فتامل
- (۲۲) طریق: دال بر بهره‌مندی از کارهایی که انجام می دهد و از مقامش به مقام دیگر منتقل می گردد به واسطه‌ی رفقا به منویاتش می رسد.
- (۲۳) جماعت: دلالت بر سرگردانی و حاصل شدن مقصود به مدت صد و بیست روز دیگر.

۱۶- شکلهای مختلف در خانه‌ی شانزدهم

- (۲۴) لحيان: دلالت بر حسن عاقبت و صحت مزاج دارد.
- (۲۵) حمرة: دلالت بر اختلال احوال سائل و خوف او از دشمنان و عاقبت امورات خود، اما دالت بر قوت نکاح و... می کند.
- (۲۶) نصره الخارج: دلالت بر خوشحالی انسان از عواقب امورات و حصول ضمیر به مدت ۳۶ روز دیگر را دارد.

- (۳۳) بیاض: دلالت دارد بر حسن عاقبت در تمام امورات و اینکه سفر برای صاحب طالع مفید و نیکو است.
- (۳۴) قبض الخارج: دال بر این است که تمام امورات زندگانی، اقتصادی، زناشویی، و روابط عمومی اختلال و مشقت دارد.
- (۳۵) اجتماع: دلالت دارد بر صحت غائب و ثبات عمل دیوانی و حسن عاقبت در تمام احوال را دارد.
- (۳۶) عتبه الخارجه: دال بر حسن عاقبت در نیت سائل را دارد و نیز دال بر خلاصی محبوس در اندک زمان دارد.
- (۳۷) انکیس: دلالت بر ضعیف بودن دشمنان و قوی بودن زنان را دارد و نیز دال بر نفع یابی از شرکت شرکاء و سوء عاقبت امورات مزبوره را دارد.
- (۳۸) عقله: دلالت بر بستگی شدید و گره غیر طبیعی در زندگانی و طول مرض بیمار و خسران دیدن از حیوانات را دارد و نیز دلالت بر قوت حال غائب را دارد.
- (۳۹) قبض الدخل: دلالت بر پیدا شدن غائب و مال و حسن عاقبت جهت صاحب طالع را دارد.
- (۴۰) فرح: دلالت دارد بر حسن عاقبت سائل و سلامت غائب
- (۴۱) نصره الدخل: دلالت دارد بر حسن عاقبت در هر کاری که وارد شود و نیز دلالت بر قوت کسب و رسیدن به آمال و آرزوها را دارد و نیز دلالت بر طول عمر با سعادت را دارد.
- (۴۲) نقی الخد: دلالت دارد بر سلامت بیمار، رسیدن به مراد دل از ناحیه‌ی زنان و سوء عاقبت سائل. اعذنا الله و اخواننا المومنین منها.

- (٢٠) عتبه الداخل: دلالت بر طول عمر و حسن عاقبت و آمدن مسافر بعید و هنرمندی و فعالیت‌های اجتماعی را دارد.
- (٢١) طریق: دلالت بر حسن عاقبت و سلامت بیمار و رسیدن به مراد و آمدن غائب می‌کند.
- (٢٢) جماعت: دال بر حسن عاقبت و خوبی آن و در صورتی که جماعت در رمل تکرار شود دال بر مسدود بودن کارها است.

فصل نهم

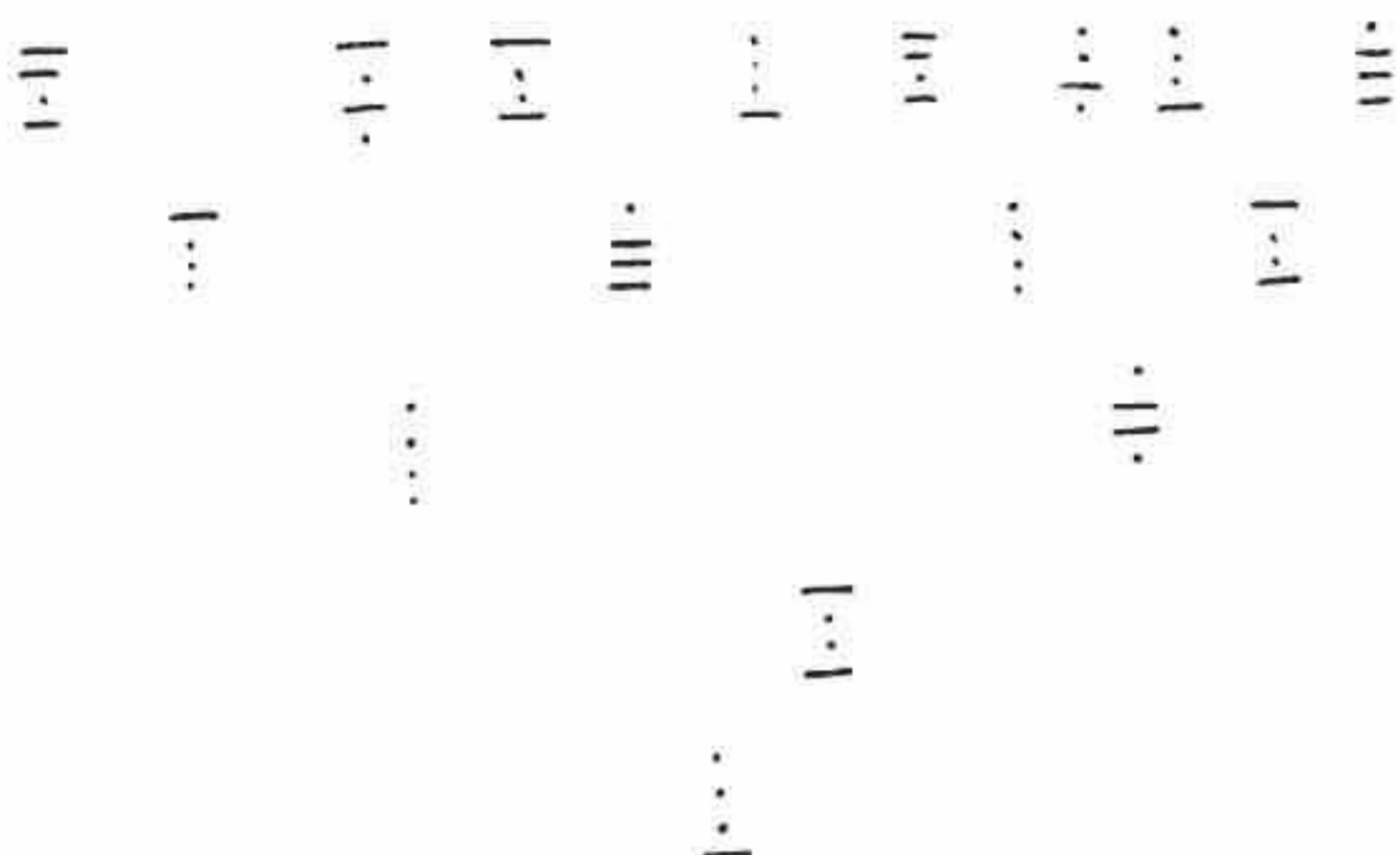
مطلوب در دائره ابدح پنجم اوست و بعضی پانزدهم گفته‌اند که خانه‌ی امید است

فصل دهم

احکامی که مذکور شد تمامی از سیر نقطه استعمال خواهد شد لکن اینها جمیعاً مشروط به وحدت جهتند و اگر جهت متعدد باشد به این معنی که سوال از دو چیز مثلاً باشد به اعتبار نسبت میان ایشان چنانکه سوال کنند که دوست من فلان کس را دوست دارد و او را یا یکی از آنان دیگری را بدون دیگری.

با این لشکر به لشکر دشمن غلبه خواهد کرد یا به عکس یا اینکه آخر صلح خواهد شد یا گویند فلان زن شوهر کرده یانه، یا گویند فلان زن را، فلان دوست خواهد گرفت یا فلان دشمن یا هیچ یک از ایشان پس در این صورت حکم از اشکال خانهای مسئول عنها و قوت و ضعف ایشان به جهت مطلوب و ناظر و گواه و مرکز و غیره کنند و این حکم بس مشکل است و توضیح اینکه یکی از این چند امر را مستقل بگیرد و ببیند که دیگری در حال تنهایی از متعلقات کدام خانه است و آن خانه، خانه‌ی چندم است، پس همان عدد از خانه‌ی امر مستقل مذکور بشمارد تا درخانه‌ی ای قرارگیرد و حکم را از شکل واقع از خانه‌ی مذکور و شکل واقع در خانه مستقل مفروض کند چنانکه اگر سوال از سلطان و نیت اولاد او یا او باشد، پس حکم از خانه‌ی دهم و از سیم است که پنجم، دهم است و پنجم خانه‌ی اولاد است و

مفروض آن است که دهم طالع فرض شده و هم چنین و این است سیر رمل و اکابر فن او را مخفی داشته‌اند و بعضی که ذکر کرده به دو یا سه مثال فقط بدون بیان اصل مطلب اکتفا کرده و توضیح مطلب بدین وجه از خواص این رساله است پس دو مثال برای توضیح استخراج در این دو مقام بیاوریم. مثلاً رملی زدیم و پس از ترتیب خانه‌ها و زایجه این باشد.



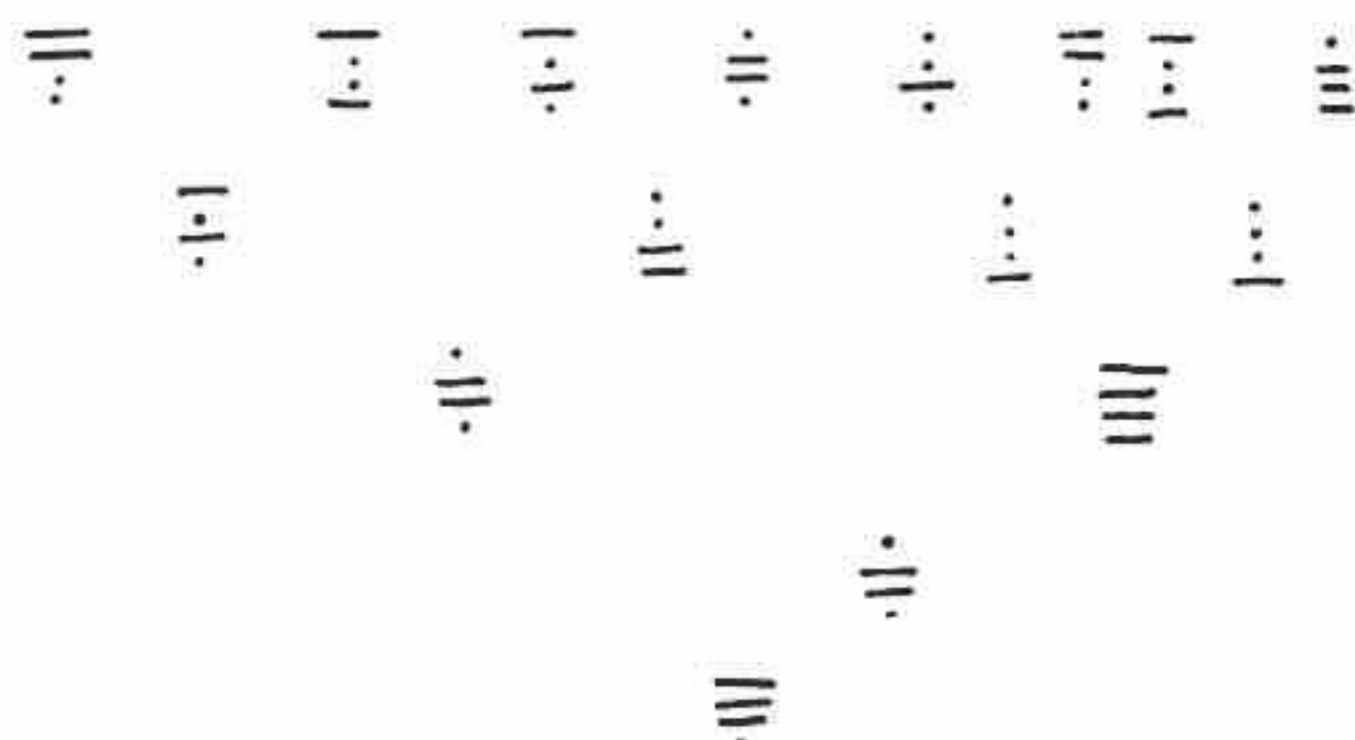
نقطه اول: که نقطه‌ی ضمیر است را ندیم به چهاردهم مفتوح او بود در وی قرار گرفت و از چهاردهم به دوازدهم و از دوازدهم به هفتم و این حرکت در طول است و از هفتم به ششم و از او به پنجم فرود آمد و این حرکت در عرض است. پس ضمیر از خانه پنجم است یا اینکه می‌گوئیم مطلوب باد. پنجم باد: که صاحب خانه دهم است، پس ضمیر از منسوبات خانه دهم است و این طریقی است در شکافتن ضمیر، پس لطیف و مرضی و در سابق مذکور نگشته بود به هر حال به تقدیر اول ضمیر از منسوبات خانه پنجم که حال محبوب و عیش و طرب است پس آب: اجتماع که نقطه حکم است را ندیم در چهاردهم به آب: طریقی آمد و چهاردهم خانه باد و

آب در باد و تدالوتد بود و رطوبت آب مکرر شد و حرارت منقلب به برودت و ؛ طریق در اینجا شاهد شکل سیم و هفتم و یازدهم بود و از آنجا گذر نمود به آب عتیه الداخله

دوازدهم که مراکز خاکست سرد و خشک پس برودت مکرر شد و رطوبت منقلب بر بیوست و ؛ عتیه الداخله شکل چهاردهم و شاهد شکل دویم و ششم و دهم پس در فقره ؛ گفتیم شاهد با مصاحبان میانه سردی بوده زیرا سیم و هفتم و یازدهم همه شریکند و در نسبت الفت و مصاحبت و در ؛ گفتیم پس سستی در عمل و دست بستگی و ضایع شدن مال بوده زیرا دویم خانه ی مال و ششم خانه ی تسخیر و ضایع شده و دهم خانه شغل و عمل است و بعد از آن نقطه آب گذر کرد ، در هشتم به آب بیاض و این خانه سائل و ساقط بود و شاهد او شانزدهم.

؛ عتبه الخارجه شکل نحس و مطلوب ؛ طریق آب قبض الخارج و در رمل نبود پس دلیل بر ضعف دوستی باشد. خاصه آب میزان که سرد و خشک گردیده بود به خانه ی خاک رسید سردی و خشکیش مکرر شد. پس دلیل تمام نفرت است و همچنین مطلوب خودی بیاض در رمل نبود و این هم مقوی مطلب است و اینها در حالی است در سوال از مودت سائل و هم بر این قیاس است، اگر سوال از نفس دوست باشد. و اگر سوال در این رمل از نفس باشد گذر آن نقطه آب بر ؛ طریق و ؛ عتبه الداخله دلیل بر بستگی و میان سردی سائل و مصاحبان اوست.

مثال دیگر رملی کشیدیم و سوال از عاقبت کار دوستی بود که با دشمنش چه خواهد شد و در خانه یازدهم که دوست است



䷆ نصره الخارجه و در خانه دشمنش که دوازدهم اوست یازدهم دهم
 است ䷆ عتبه الخارجه بود و نصره الخارجه ䷆ شکل سعد و مطلوب
 او ䷆ عتبه الخارجه در نهم و دهم و با هم نظر سقوط داشت و با نهم که یازدهم
 و خانه امید اوست نظر تسدیس ایسر است نیم دوستی و استقبالی و شکل
 نحس و خود ䷆ نصره الداخل در خانه یازدهم که مائل الودست و مطلوب او
 شکل ䷆ عتبه الخارجه نحس و در خانه و تد و مطلوب او ䷆ فرح در خانه
 چهارم از اوتاد لکن میان ䷆ در خانه اش مقابله است که تمام دشمنی است و
 شاهد ䷆ فرح شکل شانزدهم و او ䷆ و شاهد ䷆ عتبه الخارجه شکل
 چهاردهم ䷆ پس شاهد به هیچ یک از ䷆ عتبه الخارجه و مطلوبش فائده اش
 چنانکه شاهد ䷆ نصره الخارجه شکل پانزدهم ䷆ عقله و شاهد ䷆ عتبه
 الخارجه مطلوبش یکی ䷆ و یکی ䷆ عقله و در هیچ یک به جز از ضرر
 چیزی نمی رسد الا اینکه ䷆ نصره الخارجه سعادت داشت در مایل الودت و
 ䷆ عتبه الخارجه در وتد بود، دلیل مساوات ضرر و نفع آنهاست یعنی هر دو در
 این خصوصیت متضررند و هنوز یکی غالب نگشته غیر از اینکه شاهد قریب
 ䷆ نصرت الخارجه لحيان ䷆ و سعد و در وتد و در سکن و شاهد قریب یعنی

سیم.

۱۰۰ عتبه الخارجة ۱۰۰ قبض الداخل سعد و در خانه زائل و ساقط که
 دوازدهم است پس غلبه الحال فی الجملة در جانب ۱۰۰ نصره الخارجة و
 ناظر قریب ۱۰۰ که ینجم اوست سعد و در زائل و ناظر قریب ۱۰۰ عتبه الخارجة
 ۱۰۰ اجتماع ثابت و در مایل الودت و این هم مقوی حکم حال مذکور است و شاهد
 بعید ۱۰۰ نصره الخارجة ۱۰۰ عتبه الخارجة نحس و در زایل و ناظر بعیدش یعنی
 نهم ۱۰۰ هم ثابت و در زائل و شاهد بعید ۱۰۰ عتبه الخارجة نصره الداخله در
 هشتم در خانه زائل و ساقط و ناظر بعیدش ۱۰۰ قبض الداخل سعد لکن در
 شش که هم زائل هم ساقط و در هشتم نصره الداخله ۱۰۰ به اعتبار مائل الودت
 بودن احتمال حصول غرض است لیکن ناقصاً پس معلوم شد که بالاخره
 نصرت الخارجة ۱۰۰ و عتبه الخارجة ۱۰۰ هر دو ضرر کلی خواهند دید الا اینکه
 جزئی غلبه ی ناقص در عتبه الخارجة است و اگر سوال در زایجه ی مذکور از
 حال سلطان و رعیت او باشد در حال خود سلطان خاک عقلمه ۱۰۰ به حرکت
 خودش در هشتم بر ۱۰۰ نصره الداخله یبوست از آن مستفاد است که آن دلیل
 بر بدی حال او می باشد.

و حال رعیت از سوم باید گفت زیرا خانه زیردستان ششم اوست و ششم
 دهم سیم است و همچنین اگر سوال از وجدان و تلف مال مسروق باشد از
 نقطه گوید و شکل سارق از هفتم گوید و حرکت او را از نهم گوید که سیم
 هفتم است و مقام دزد از دهم که چهاردهم هفتم است و هكذا اگر سوال از
 شوهر کردن و نکردن زن که حکمش به نقطه معلوم است از وجود مطلوب
 اول که طالع زن است زیرا زن در این فرض طالع شده و مطلوب ششم که

شوهر است بگوید و اگر داشته باشند کرده و الافلا تتمیم معلوم است احکام مذکوره در صورت فتح میزان است و اگر قاضی الرمل مسدود باشد یعنی جماعت بنا بر مشهور یا طریق بنا بر قول کشف الاسرار به هر حال رمل را منقلب کند یعنی امهات رمل را بر بنات ضرب کرده زایجه دیگر تمام کند یعنی اول را با پنجم و دویم را با ششم و سیم را با هفتم و چهارم را با هشتم ضرب کند و امهات کند و تمام کند. پس در این صورت امهات در بنات عود کند و میزان از مثلین صورت پذیرد مطلوب برآید در سعد به آسانی و در نحس به دشواری و اگر از دو خارج، پس نیاید و از دو ثابت متوقف باشد و اگر از دو منقلب مطلوب بعد از اتصال، انفصال پذیرد و اگر سوال از انفصال باشد در صورت تکوین میزان از دو داخل حکم بر نیامدنست و از دو خارج بر آمدن و در ثابت به توقف و در منقلب به اتصال بعد از انفصال و جمهور علمای ابداع و سکن این طریقه را در انقلاب بیان کرده اند و مفهوم از کلام زناتی (ره) این است که انقلاب را توان کرد حتی در صورتی که در میزان سائر اشکال نیز واقع شوند. مثال: رمل کشیدیم میزان جماعت بود و سوال از الفت بود که میان دو کس واقع خواهد شد یا نه انقلاب کردیم این طور شد.

$\begin{array}{cccccccccccccccc}
\dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \equiv & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \equiv & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} \\
\dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} \\
\equiv & \equiv & \equiv & \equiv & \equiv & \equiv & \equiv & \equiv & \equiv & \equiv & \equiv & \equiv & \equiv & \equiv & \equiv & \equiv \\
\dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv} & \dot{\equiv}
\end{array}$

پس از میزان الرمل در مانحن فیه از دو ثابت صورت بست دلیل توقف است و اگر سوال از انفصال بودی مثل اینکه این مریض صحت خواهد یافت یا این کساد رفع خواهد شد دلیل توقف مرض و کساد است و امثال این قیاس بدین باید کرد و هو اعلم بالصواب

باب پنجم

در استخراج اعداد:

قبل از شروع در اصل مطلب باید تقدیم چند فصل:

فصل اول

بدانکه عدد عنصری نقطه سه نوع است اول عدد عنصر صغیر و در آن نار یکی و باد دو آب سه و خاک چهار و عدد عنصر متوسط و در آن آتش یکی و باد دو و آب چهار و خاک هشت. و عدد عنصر کبیر و در آن آتش نه عدد و باد یازده و آب چهارده و خاک شانزده.

فصل دوم

بدانکه هر خانه را از خانه‌های شانزده گانه عدد دیگری است و آن عدد خودش است به اضافه عدد حاصل از خانه‌ی قبل چنانکه:

خانه اول	خانه دوم	خانه سیم	خانه چهارم	خانه پنجم
۱	۳	۶	۱۰	۱۵
خانه ششم	خانه هفتم	خانه هشتم	خانه نهم	خانه دهم
۲۱	۲۸	۳۶	۴۵	۵۵

خانه یازدهم	خانه دوازدهم	خانه سیزدهم	خانه چهاردهم
۶۶	۷۸	۹۱	۱۰۵
خانه پانزدهم	خانه شانزدهم		
۱۲۰	۱۳۶		

فصل سوم

معلوم است از خانه های شانزده گانه چهار آتشی است.

اول پنجم نهم و سیزدهم

و چهاربادی دویم و ششم و دهم و چهاردهم

و چهار آبی سیم و هفتم و یازدهم و پانزدهم

و چهار خاکی چهارم و هشتم و دوازدهم و شانزدهم

به صورت زیر:

ناری	هوائی	آبی	خاکی
۱	۲	۳	۴
۵	۶	۷	۸
۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶

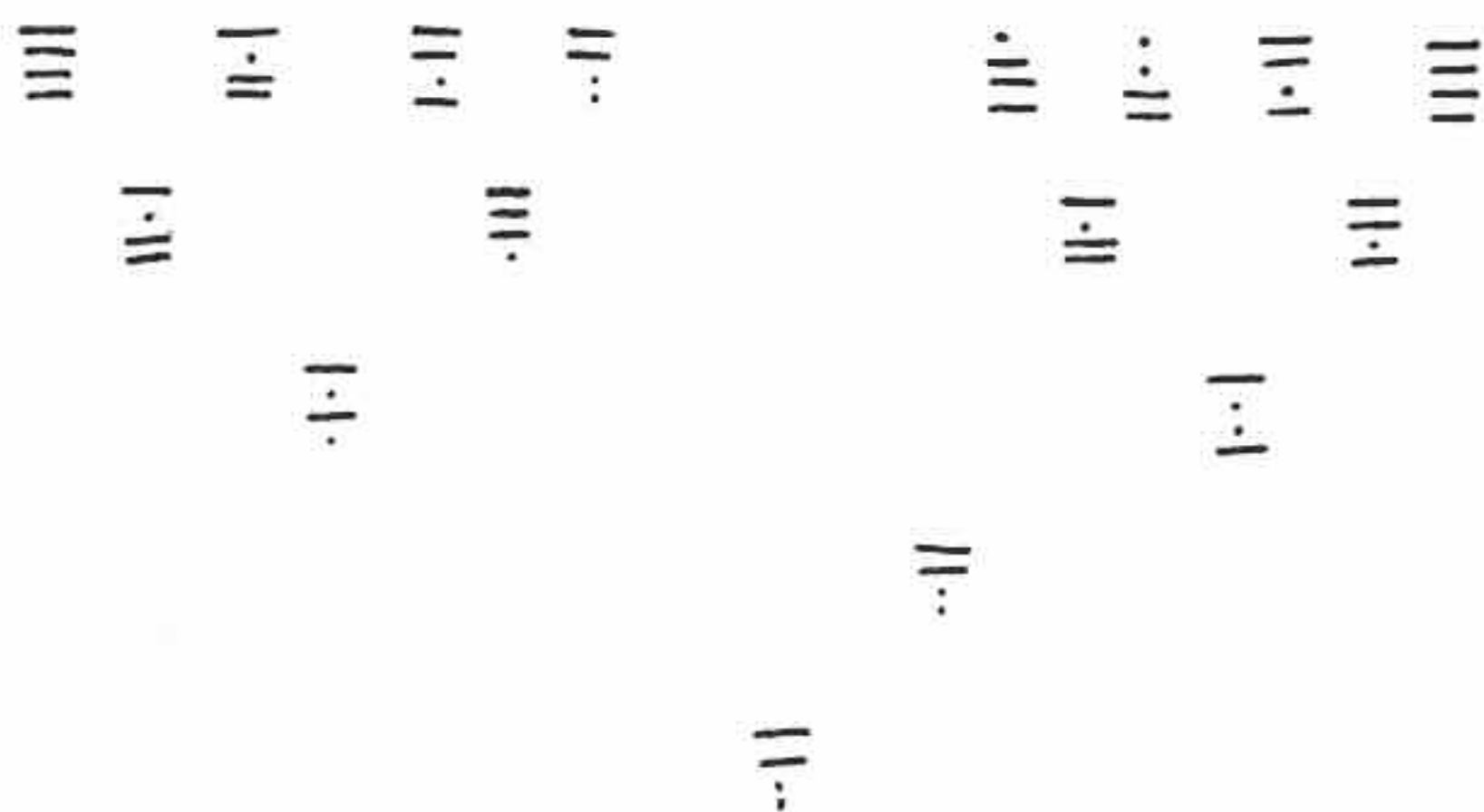
و از این چهارتا هر شکلی را ربع گویند مثلاً ربع خاکی و هكذا.

چون اینها دانسته شد باید دانست که در باب عدد حکم از دائره بزدح

است و سکن هر یک خانه عدد اوست پس چون خواهند عدد بگیرند

می بینند که سوال از کدام خانه است و آن خانه از کدام ربع است و از هر ربع که

باشد نقطه‌های خود اشکال چهارگانه آن ربع را از رمل بگیرند و به عدد عنصر صغیر حساب کنند و همچنین به عدد عنصر وسیط و به عدد عنصر کبیر و از این سه عنصر هر کدام گنجایش دارد عدد همان است یعنی به مرتبه‌ی قوه حکم عدد گیرد. مثلاً رملی زدیم به این صورت:



و سوال از وصول خبری و کاغذی بود. این زایجه آمد نقطه خاک نصره‌الداخله در چهاردهم بر قبض الداخل که صاحب خانه شکل دهم است راجع به شغل و عمل ملوک و حکام و طبابت پس دلیل اشتیاق است بر عمل راجع و چنین پس در یازدهم بر انکیس رسید و دوباره مبدل به ییوست و برودت شد پس دلیل ضعف خوف و به نظر مظنون است پس در پنجم بر نصره‌الداخله رسید شکل دوازدهم و خاکی و منسوب است بر دشمن و خصم و حبس پس برودت و خستگی علاوه تر شد علامت سستی ایشان و امید سرآمدن انتظار و شکل سه در مرکز آتش و خاک در آتش مایل الودت بود متوسط الحال و شاهد قریب او سیم او حمزه نحس و شاهد بعید او یازدهم او سعد و موافق هفتم در و تد بود و پانزدهم شاهد هفتم

است پس یکی از شاهدان با خوشحالی مصدق دیگری است و مطلوب خاک : پنجم : بود و در رمل نبود و در خانه او سیزدهم : اجتماع بود. و میان این و نصرت الداخلة : تثلیث ایسر بود فی الجملة بدیشت و ناظر قریب او پنجم اش : پای سعد و ثابت و این دلیل است که آینده در نهایت سعادت است.

اما خصوص عدد پس سوال از خانه پنجم است و او ربع آتشی است و چهار شکل آتشی زایجه این بود : عدد عنصر صغیر ۱۵ و وسیط ۲۲ و کبیر ۶۹ پس گفتیم مطلوب تا ۱۵ روز انشاء الله برآید و اگر نه تا ۲۲ روز برآید بنا بر اضطراب جزئی .

نوع دیگر افراد رمل رابه شمار و غیر از نقاط : و ۱۶، ۱۶ طرح کند باقی را به خانهای قسمت کند به هر خانه که رسد ببیند شکلی که در آن خانه نشسته سکن اوست در بزوح چون : در دویم آن دائره است پس عدد او عدد مطلوب است و اگر علوی است یعنی از خانه بزوح خود مقدم نشسته هر چند خانه که مقدم نشسته، آن عدد را بر عدد خانه آن شکل بیافزاید عدد مطلوبست و اگر سفلی است یعنی موخر چند خانه که موخر است از عدد خانه کم کند عدد مطلوبست مثلاً در مثال سابق افراد را غیر از اجتماع : شمردیم ۱۸ شد بعد از طرح ، ۲ باقی ماند و به خانه دویم رسید سکن او در بزوح چهارم بود دو خانه مقدم نشسته دو عدد بر عدد خانه دویم که سه بود افزودیم پنج شد عدد مطلوبست لکن باید دانست که قاعده سابق زیاده از دویمست عدد ننماید و قاعدهی دویم زیاده از صد و پنجاه چون ممکن است که عدد مطلوب زیاده باشد پس سزاوار آن است که

چون خواهند استخراج عدد کنند به یکی از این دو قاعده لاسیما با اولی که بس معتبر است. اول رملی کشند که مطلوب عددی از دویست مثلاً کم است مثلاً این مطلوب تا دویست روز برآید، باشد در صورت اولی پس استخراج عدد کنند. والله اعلم

باب ششم

در استخراج خبایا

و در او قبل از شروع در مقصود چند فصل است:

فصل اول:

بدانکه مقصود از انقلاب در باب خبی تغییر دادن امهات است بسوی امهات اصلی یعنی آتش اول و باد دویم و آب سیم و خاک چهارم هر یک از ایشان اگر مفتوح باشد مسدود و اگر مسدود باشد مفتوح سازند چنانکه $\underline{\underline{\underline{\cdot}}}$ $\underline{\underline{\underline{\cdot}}}$ $\underline{\underline{\underline{\cdot}}}$ $\underline{\underline{\underline{\cdot}}}$ بعد از انقلاب $\underline{\underline{\underline{\cdot}}}$ $\underline{\underline{\underline{\cdot}}}$ $\underline{\underline{\underline{\cdot}}}$ $\underline{\underline{\underline{\cdot}}}$ می شود و شکل تام در این باب سداسی است چنانکه خواهد آمد انشاءالله

فصل دوم

بدانکه نقطه آتش، معدنی و باد، حیوانی و آب، نباتی و خاک، کانی.

فصل سوم

بعضی متعلقات اشکال در این باب لازم است و کذا بروج و کواکب و ما آنها را گذشته بیان کردیم مانند عناصره مذکر و مونث، صنوف، حوادث، طعم، ثقیل و خفیف، امراض، رنگ، شکل، بوی، قیمت، موضع.

و بعد از این مقدمات پس برای استخراج خبی رمل کشند و نقطه حکم سیرد دهند به هر شکل یا کامل است یا غیر کامل در صورت کمال ببیند

مطلوب نقطه چیست و در رمل است یانه؟ اگر در رمل باشد در خانه کدام عنصر است خبی از جنس اوست هر گاه یک باشد فهوالمطلوب والاجنس عنصر متعدد است به تعدد عنصر و اگر در مطلوب نقطه در رمل نباشد هر شکل که در خانه اوست خبی از عنصر آن شکل است و اگر شکل منتهی الیه نقطه در رمل ناقص باشد انقلاب امهات کند و سیر از سر گیرد و حکم کند و از نسبت جنس خبی و کوکب شکل مطلوب فی الجملة در خبی تعیین کند چنانکه نباتی منسوب به عطارد مانند قلم و غیر آن و کانی همچین و معدنی منسوب به مریخ چون خنجر و تیغ و... و کانی منسوب به زهره چون زرین آلات و غیره

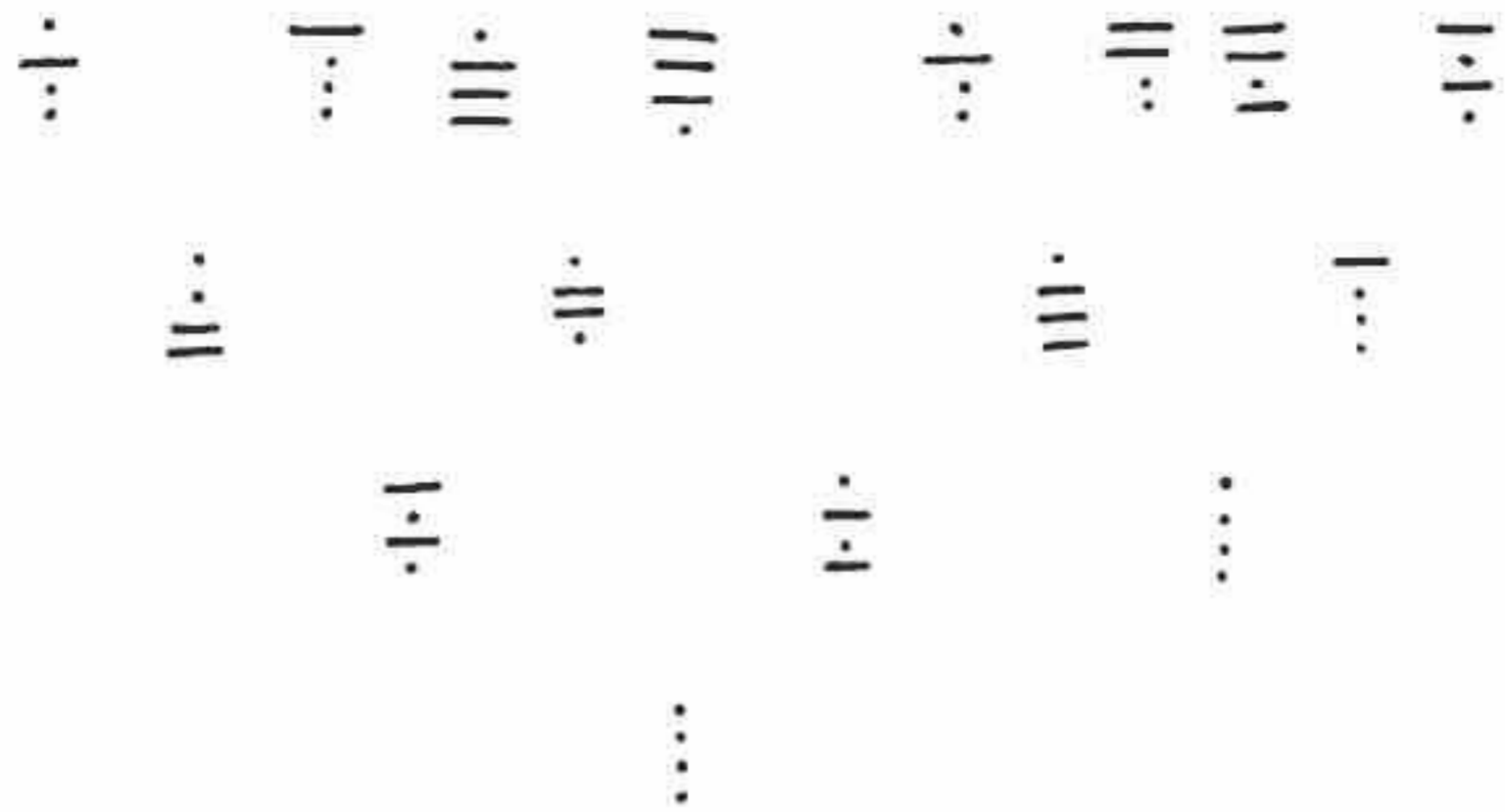
و حیوانی ایضاً منسوب به زهره چون جامهای پشمینه
و نباتی منسوب بدو چون جامهای پنبه و غیرذلک
پس برای توضیح به هر یک از دو قسم مذکور مثالی بیاوریم.

=	=	=	=	=	=	=	=
=	=	=	=	=	=	=	=
=	=	=	=	=	=	=	=
=	=	=	=	=	=	=	=

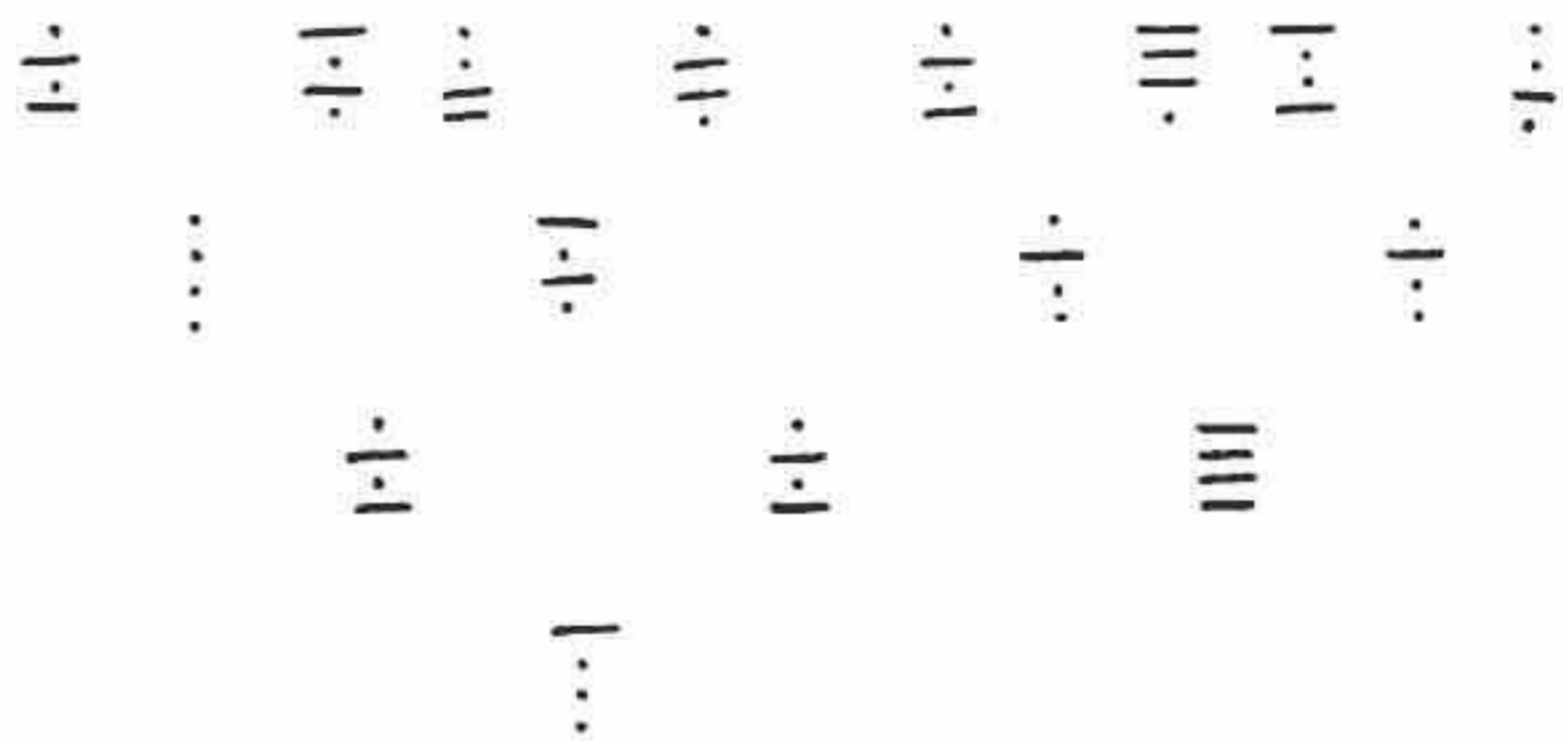
نقطه حکم در هشتم به خاک $\text{ب} \text{نصره}$ الداخلة رسید و خاکش طالب
خاک نقی الخد $\text{ب} \text{بود}$ و مطلوب در رمل نبود به خانه اش رفتیم در آنجا

حمره $\bar{\text{ب}}\text{و}$ د و شکل بادی بود و باد حیوانی است و حمره $\bar{\text{ا}}\text{ز}$ اشکال مریخ و برجش حمل پس خبی از قبیل اجزای درندگان یا دسته یا غیر ذلک است.

مثال دیگر زدیم رمل این بود نقطه آب $\bar{\text{ق}}\text{بض}$ الخارج را سیر طولی دادیم در دویم فرود آمد و از او به حرکت عرض در چهارم $\bar{\text{ب}}\text{ر}$ نقی الخد رسید ناقص بود انقلاب امهات کردیم این شد فقط حکم را سیر دادیم در شکل هشتم فرود آمد بر آب $\bar{\text{ب}}\text{ر}$ رسید



مطلوبش آب اجتماع بود در دویم و او خانه بادی او حیوانی و از
منسوبات عطارد.



پس خبی چیزی است از منسوبات ارباب قلم و مانند اینها مانند کلکه‌ی
دوات و خط کش و غیر ذلک.

نوع دیگر از زبده الرمل خضری منقول است که از شکل اول ذات و از
دوم لون و رنگ و از سیم شکل و از چهارم جوهر به مشارکت هشتم و از
پنجم خاصیت و از او چه توان خست و از ششم از چه ترتیب یافته و از هفتم

امتزاج و عدم او و از نهم چگونگی و از دهم طعم و از یازدهم تمامی و نقص و از او دوازدهم طعم و شریک چهار است.

باب هفتم

در استخراج دفاین و در این باب رکن تعیین طرف و عرض و طول و عمق است.

فصل اول: بدانکه نقطه‌ی آتش شرقی است و باد شمالی و آب مغربی و خاک جنوبی.

فصل دوم

عدد نقطه فرد در هر شکل طول اوست به عدد عنصر اوسط مذکور و عدد نقاط زوج عرض او چنانچه زوج نار دو و باد چهار و آب هشت و خاک شانزده و عدد مجموع نقاط فرد و زوج عمق اوست.

چنانکه $\frac{2}{3}$ لحيان طول او یک و عرض بیست و هشت و عمق بیست و نه و هكذا و اعتبار عرض و طول و عمق را به وجب باید کرد نه به زرع بنا بر صحیح بعد از این تمهید چون خواهند که استخراج دفین کنند باید اول اصل بودن یا نبودن او را ببینند پس به چهارم بنگرند و سیم که شاهد قریب و پنجم که ناظر قریب اوست اگر سعد و داخل باشند موجود است و اگر خارج باشد نیست و منقلب و ثابت معلوم است و اگر اکثر داخل بود موجود است و اگر خارج پس نیست و هكذا بعد از این جنس دفین را باید دانست که چیست تا سعی عبث نگردد و این را از شاهد و ناظر مذکور باید دید که به کدام معدن یا فلز یا چیز دیگر متعلقند و بعد از این عرض و طول و عمق دفین را از شکل

دفین بیرون بیاید کرد و بعد از آن موضع مظنون دفین را به چهار طرف بخش کنند شرق و شمال و غرب و جنوب و یکی را معین کنند بدین نحو که عناصر زایجه را شمار کنند اگر آتشی غلبه کند در طرف شرق است و اگر باد شمال و اگر آب مغرب و اگر خاک جنوب و اگر دو عنصر یا زیاده مساوی باشد در هر دو طرف موجود است اگر هر دو مساوی باشند در سعادت و نحوست و الا در طرف سعد کثیر و در طرف نحس قلیل.

باب هشتم

در استخراج اسماء و در او چند فصل است:

فصل اول

در حرکات میزان بدانکه در میزان چهار حرکت ظاهر می شود بنا بر مشهور یکی حرکت بسط و سه تا حرکت انتهاء و این در طریق و جماعت: \equiv است و در غیر ایشان سه حرکت و یک سیر.

و تفصیل اینکه چون یکی از طریق و جماعت در میزان افتد میزان را بسط کنند و خود میزان را متن گویند و با صاحب خانه که طریق است در ابداع ضرب کنند حاصل را شرح گویند و چون خانه آب است آب متن را عقدا حل کنند یعنی اگر بسته است بگشایند و اگر باز است ببندند و این را تاویل گویند و همچنین کنند بر آب شرح و آن را تفسیر گویند چنانکه اگر طریق در میزان باشد این ترتیب شود: \equiv $\dot{\equiv}$ $\dot{\equiv}$ و اگر جماعت پس \equiv $\dot{\equiv}$ $\dot{\equiv}$ بعد از آن نهایت قوت میزان بعضی عدد خانه او را از میزان شمارند و به هر خانه که رسد شکل او را منتهی گویند و متن و از آنجا هم

شرح و تفسیر و تاویل ظاهر گردد و بعد قوت منتهی او را حرکت دهند تا به منتهی دویم رسند و از آنجا هم به تفصیل چهار شکل اظهار دهند و از منتهی دویم به منتهی سیم و در اینجا تمام است پس در چهار حرکت، شانزده شکل پدید آید و اگر غیر طریق و جماعت در میزان باشد در حرکت اول بسط کنند و بعد از آن سیر نقطه دهند و این به جای حرکت دویم است و اشکال اربعه اظهار کنند و بعد از آن حرکت سیم و چهارم را دهند و اشکال نمایند بیرون آورند.

فصل دوم

بدانکه هر یک از این اشکال شانزده گانه در هر یک از خانه‌های شانزده گانه حالی دارد از فرح و طرح و قوت و ضعف و شرف و هبوط و اوج و حسیض و حظ و از این اوصاف شکل را استعداد حرف گفتن و عدم استعداد پدید آید چنانکه فرح و قوت و اوج و حظ شکل را قوی و مستعد حرف کند و بالعکس فبالعکس و این اوصاف را در جدولی نهاده ثبت کردیم تا معلوم گردد.

اشكال	شرف	مبوط	اوج	حضيض	قوت	وبال	لرح	ترج	خط
	٤	١٠	٧	١	٩		١١	٥	١٢
	١٠	١٦	٥	١١	١		٦	١٢	٤
	١	٧	٤	١٠	٥		٩	٣	١
	٢	٨	١٤	٤	٧		٣	٩	٤
			٩	١٠	٨		٦	١٢	٦
	٦	١٤	٧	١٢	١١		١	٥	١١
	٩	٣	٩	١٠	٦		٦	١٢	١٤
	٧	١	٩	٣	١٥		١٢	٦	١١
	٧	١	٩	٣	١٠		١٢	٦	١٠
	١	٧	٤	١٠	٥		٩	٣	١٥
	١١	٥	٣	٩	٨		٥		١
	٤	١٠	٧	١	٩		١١	٥	١٤
	١٠	١٦	٥	١١	١		٦	١٢	١٤
	١١	٥	٣	٩	٨		٥		٨
	٢	٨	١٤	٤	٧		٣	٩	
	٦	١٢							١٣

فصل سوم

سه شکل در میان اشکال قابلند: قابل اکبر: عتبة الداخل قابل اوسط: اجتماع قابل اصغر، قبض الداخل قوی است به افراط و منسوب به جاه و مال و بزرگی عتبة الداخل متوسط و منسوب به کارهای اخروی و سعادت و مردم شریف: اجتماع ضعیف و منسوب به تزویر و مکر مردم از اول و در میان اشکال متن و شرح و تفسیر و تاویل چون قابل یافت شد دلیل قوت کار است.

فصل چهارم

بدانکه به ترتیب احرف ابجد را بر اشکال پاشیده‌اند تا دور در عین ختم شود باز از فاء ابتدا کرده بر اشکال داده‌اند تا $\bar{\text{ب}}$ نصرت ختم شود باز بر ۱۳ الف و بر ۱۴ باء و بر ۱۵ جیم و بر ۱۶ دال داده تمام کنند. چنانکه در جدول سابق مرقوم شد.

و چون خواهند حرف دهند در حرکت اول حرف دهند و در باقی حرف دویم چنانکه معلوم است.

فصل پنجم

هر شکل اگر در خانه بنشیند که اگر از خانه خودش به عدد خودش شماری بدان خانه رسد چنانکه قبض الخارج $\bar{\text{ب}}$ در نهم افتد که پنجم، پنجم است و عقله $\bar{\text{ب}}$ در دویم افتد که نهم نهم است و هکذا گویند که شکل در سر دور افتاده و این شکل محل اعتبار است باید در هر خانه از خانه‌های عناصر

افتد آن عنصر را عقد و حال کنند و حکم کنند.

فصل ششم

بدانکه چهار دایره از دوائر سابقه که ابدح و عرض و عمق و معاد باشند در این باب حکم از ایشان است چنانکه حکم از دایره ابدح و عرض است چنانکه اگر شکلی در خانه که سکن اوست در ابدح و یا عرض دلیل قوت است و در دایره عمق و معاد شاهد ابدح و عرض است. عرض شاهد ابدح و معاد شاهد عمق چنانکه اگر یکی از اشکال اربعه متن و شرح و تفسیر و تاویل در رمل نباشد به شاهد آن شکل مراجعه کنند چنانکه شکل سیم دایره عرض گواه شکل سیم دایره ابدح است، و هکذا

پس از اینها معلوم شد که چون خواهند استخراج اسم کنند باید اگر طریق: یا جماعت در میزان باشد نهایت قوت رانند بعد از آنی که خودش را بسط و هر یک از چهار شکل خارج قوی است حرفی خواهند داد و الافلا، بعد از آن حرکت دویم را همچنین تا چهار حرکت و در هر یک اشکال قویه که واقع در سکن و سعادت مطلوب با قوت خانه یا قوت یکی از نقاط آن شکل یا وقوع در سر دور و مثل اینها حرف گیرند و ضعیف را بیندازد و این باب اشرف ابواب این فن است.

باب نهم

در رمل سالیانه و لواحق او

فصل اول

بعضی از اساطین گفته است که در زمستان وقتی که آفتاب به بیست و یک درجه عقرب رسید که روزهای باران است رملی زنند به نیت پانزده روز و از طالع تا میزان هر شکلی را شاهد روزی گیرند چون پانزده روز تمام شد باز روز شانزدهم رملی دیگر زنند و همچنین عمل کنند تا اینکه آفتاب بر بیست و یک درجه ی نور رسد که آخر بارش برف و باران است و بالجمله شش ماه که موسم برف و باران است این عمل را در هر پانزده روز یک بار تکرار کنند و احکام اشکال در این خصوص این است، لحيان ۛ ظهور آفتاب ۛ عتبة الداخل بارندگی و گرفتگی هوا عتبة الخارج ۛ ظهور آفتاب و غبار جماعت ۛ گرفتگی هوا و جزئی غبار.

فرح ۛ ظهور آفتاب و باد، حمرة ۛ باد، نقی الخد ۛ آفتاب و بارندگی ۛ عقله گرفتگی هوا نصره الخارج ۛ آفتاب، نصره الداخل ۛ بارندگی و غبار، قبض الداخل ۛ ابرو غبار، قبض الخارج ۛ آفتاب و رطوبت هوا و یا نمی از باران، بیاض ۛ بارندگی، انکیس ۛ ظلمت هوا، اجتماع ۛ باد و بارندگی و غبار، طریق ۛ آفتاب و غبار.

فصل دوم

در رمل سالیانه و طریقه مشهوره که از اساطین فن حکایت کرده اند، همچون ماشاء الله مصری و نصیرالدین طوسی و محمد زنائی و عزالدین

ابهری و حاج حسن ابرکوهی و حاج حسن طبسی و غیر هم قدس الله ارواحهم

این است که در وقت تحویل سال زایچه کشند و کلاه سر قاضی یعنی میزان را یعنی شکل سیزدهم و دهم و یازدهم و چهاردهم را امهات قرار داده ثانیاً انقلاب کنند همچنین تا رمل ثابت گردد یعنی امهات با کلاه سر قاضی متحد گردد یعنی اول با سیزدهم و دویم با دهم و سیم با یازدهم و چهارم با چهاردهم و در هیمن خصوص گاه باشد با دو رمل و گاه با سه و گاه با چهار و گاه با پنج و گاه با شش رمل حاصل گردد.

بنابر مشهور و صاحب کشف الاسرار ذکر کرده قول به حصول انقلاب با زیاده از پنج زایچه از اغلاط مشهوره است و بالجمله گفته اند که اگر ثبوت با زیاده از چهار رمل حاصل شود از آن سال حذر باید کرد که امرش در نهایت غرابت است و اگر ثبوت با چهار رمل حاصل گردد هر یکی را به فصلی از فصول داده احکام دوازده خانه را حاصل کنند والا انقلاب و تداوتد باید کرد یعنی او را با سیزده و چهارم را با چهارده و هفتم را با پانزدهم و دهم را با شانزده زند و آن را تمام کند و این را نیز انقلاب کند و همچنین تا بیست و چهار رمل پس هر دو رمل را به شهری دهد و پانزده روز اول از رمل اول و ثانی از ثانی لکن هر یک از این رملها اول را با سیم و پنجم با هفتم و نهم با یازدهم و سیزدهم با پانزدهم زنند و چهار شکل حاصل کند و از آنها بعد از آن دویم را با چهارم و ششم را با هشتم و دهم را با دوازدهم و چهاردهم را با شانزدهم و از اینها چهار شکل و از آنها دو شکل و این دو شکل را با دو شکل سابق امهات ساخته رمل را تمام کند و در این حال اگر امهات مکرر گردد با

امهات اصل منقلب کند و اگر بنات با متولدات مکرر گردد با زوائد اصل منقلب سازد و اگر تمام امهات طریق باشد با بنات اصل منقلب سازد و علی ای حال چون بیست و چهار رمل تمام شد هر روز را شکلی رسد و از آن شکل حکم کنند و اگر چهار رمل محقق شود اگر خواهند حکم نصف سال کنند که اوتاد رمل بهار را با اوتاد رمل پائیز ضرب کرده رمل سازند و نصف اول سال را حکم کنند از دوازده خانه و اوتاد رمل تابستان را در اوتاد رمل زمستان ضرب کرده حکم نصف دیگر کنند و امهات آن دو رمل را ضرب کرده رملی ساخته حکم تمام سال کنند و اگر بخواهند حکم ماهیانه کنند اول رمل بهار را با اول رمل خزان را و نتیجه ی آنها را به ماه اول دهند و چهارم اول و چهارم سیم یعنی خزان را و او نتیجه آنها را به ماه دوم و هفتم اول و هفتم سیم را و نتیجه آنها را به ماه سیم و دهم اول و دهم سیم و نتیجه آنها را به ماه چهارم بعد از آن اول دوم یعنی رمل تابستان و اول چهارم یعنی رمل زمستان و نتیجه آنها را به ماه پنجم و چهارم دوم و چهارم چهارم و نتیجه آنها را به ماه ششم و هفتم چهارم و نتیجه آنها را به ماه هفتم و دهم دوم و دهم چهارم و نتیجه آنها را به ماه هشتم بعد از آن نتیجه ماه اول و نتیجه ماه پنجم و نتیجه آنها را به ماه نهم و نتیجه دوم و نتیجه ششم و نتیجه آنها را به ماه دهم و نتیجه سوم و نتیجه هفتم و نتیجه آنها را به ماه یازدهم و نتیجه چهارم و نتیجه هشتم و نتیجه آنها را به ماه دوازدهم دهند و بالجمله هر سه شکل را به ماهی دهند و از هر شکل حکم ده روز کنند و این ماهها ماههای جلالی است فروردین، اردیبهشت، خرداد و تیر و مرداد و شهریور مهر و آبان و آذر و دی و بهمن و اسفند.

و اگر خواهند جمیع احکام متعلقات دوازده خانه را کنند رمل زده حال نفس را از شکلی که در خانه او است کنند یعنی ببینند که در طالع چه افتاده و خانه‌ی او کجاست در ابدح و در خانه‌اش چه نشسته حکم از او کنند و احکام اقربا از ثانی او یعنی در خانه بعدا و هکذا و احکام نفس منسوبات خانه ثانی از خانه شکل او و هکذا.

و اگر خواهند استخراج حال عالم کنند در وقت تحویل رملی زده انقلاب و تدالوتد کنند و از میزان انقلاب و میزان اصل شکلی حاصل کنند و از او حکم کنند مثلاً قبض الداخل بیسالی است با فراوانی و شادی و امن و امان و بسیاری اثمار و غلات و خوشحالی مردم خاصه سلاطین و نفع اسفار لکن اندکی اسفار و کوشتها.

قبض الخارج بیسالی است با تشویش و کثرت مشاجرت میان مردم و مصاحبان و ازدواج و سلاطین و حکام و بی امنی راهها و بی نعمتی و بی منفعتی اسفار و ارزانی گوشتها. جماعت بیسالی است دلیل قوه حال علماء و ملوک و مستوفیان و منجمان و اطباء و بسیاری معامله و ارزانی اقشمه و امتعه و گوشت و لیکن با تنگی سینه‌ی مردم.

عقله بی سالی است متوسط الحال لیکن کثیر الفرقه و فساد و مرض و فراوانی اسب و گوشت.

نصرة الخارج بیسالی است کثیر المسافرة و منفعت ر نعمت و اجتماع مردم و نقل و حرکت و حرارت هوا و ارزانی قیمتها.

اجتماع بیسالی است متوسط الحال و وقوت حال مستوفیان و اطباء و منجمان و رواج بازار و آخرش از اولش خوب است.

طریق : سالی است که هر فصل آن بر سبیل ناامیدی و امید به سر آید.
سفرهای بی اختیار و کثرت نفاق و سختی و سردی و بازندگی واقع شود و الله
تعالی اعلم

نصرة الداخل : سالی است با نعمت و گوشت و ثمرات و امن طرق و
خوشی حال علماء و سادات و تجار و ارزانی

خاتمه

و در او سه چیز است:

اول:

باید دانست که عمل ارکان این فن و ریشه و اساس این علم آن است که باید رمال متصرف باشد یعنی مناسبات نقاط و احکام آنها و مطالب و مجهولات را درست بداند و سابقاً فی الجملة اشاره به این مطلب شد روشن است اینکه قواعد این فن شریف متناهی است و احکام مستنبطه و مجهولات مستخرجه لامتناهی است و توزین لامتناهی با متناهی محال، مگر اینکه پای مناسبات در میان آید و ما مثالی چند تمریناً و توضیحاً بیاوریم:

مثلاً اگر می خواهند نفس مسئول عنه را کدام طعم مطلوبست از طعم نقطه‌ی مطلوب ببینند و اگر در مصاحبتش نقطه‌ی دیگر است از طعم این و آن باید دید لکن بودن نقطه دیگر در مرکز یا موفق یا زائل و یافتن مطلوبش و غیر ذلک مثمرثمر است غافل نباید بود.

مثلاً جنس مسروق را با قاعده خوبی گوید مثلاً محل او را یا سارق را یا مختفی کل من کان از دفین گوید مثلاً اگر خواهند عدد دانه معین کنند از باب عدد نماید.

مثلاً اگر سوال از تعیین سبب بیماری باشد سرخاب گفته که از مطلوب ششم و خانه‌ی نزولش گوید.

چنانکه به جهت ابتدای کار و در دوم به جهت غذا و هکذا منسوبات خانه‌ها و همچنین از مناسبت خانه‌ها و اعضاء عنصر در دهم توان گفت چنانکه مناسب حرکت تن و مناسب فرزند و عشق و... هکذا!

و از این جا معلوم است حال مطلوبی که در رمل نباشد مثلاً اگر استعمال حال گمشده نمایند در صورتی که نقطه‌ی متحرکه بر خاک رسد و خاک تاریک است، دلیل این است که در جای تاریک یا زیر خاک است و در آتش روشنی و حرکت عرضی و طول و غیرها مدخلیت دارند. و این هم سابقاً گذشت که بعضی از مجهولات هست که استعمال حالش یا سیر نقطه ممکن نیست و در آن صورت باید که علی‌المناسبه خانهای ایشان را تعیین کرده و از مطلوبات اشکال واقعه در خانهای معین مقصود و قوت و ضعف آنها و احکام متفرعه بر آنها با رعایت مناسبت و جنسیت و جل آنچه بل کل آنچه در سیر نقطه و احکامش مذکور شد.

ب. بعضی از مناسبات نقاط و اشکال که نظر بر اتفاقات در مسیس حاجت آید مضافاً بر جداول مذکور در این جدول نیز درج کردیم:

خاک	آب	باد	نار	
سیاه	سفید	سرخ	زرد	لون
جماد	نبات	حیوان	انسان	موالید
ماده	ماده	نر	نر	نر و ماده
گران	گران	سبک	سبک	وزن
تا شام	تا عصر	تا پیشین	تا صباح	وقت
گرانی	گرانی	ارزانی	ارزانی	قیمت
زمستان	خزان	بهار	تابستان	فصل
پست	میانه	میانه	جای بلند	مکان
پیر	کهل	کودک	جوان	سن
الوف	مات	عشرات	أحاد	عدد
هزارگان	صدگان	دهگان	یکان	
ترش	شور	شیرین	تیز	طعم

ج. و باید دانست که در استخراج مزاج یعنی روز و شب و حصول مطلوب و غیر آن حکم به کواکب است چنانکه ذکر گردید و تفصیل اینکه هر یک از کواکب سبعة منسوب است بر یکی از ایام و لیالی هفته چنانکه از این شعر معلوم است.

هفته ابجد هوز ارباب او

سرخ دیهل و روز و دیهل سرخ شب

پس هر یکی از کواکب را روزی و شبی است مطلوب از او استخراج کنند و در تعیین روز و شب از تاریکی و روشنی نقطه مطلوب ممکن است پیدا کنند بلکه هر روز و شب منقسم است به یکی از کواکب سبعة ساعت حصول مطلوب را از اینجا پیدا توان کرد و در این مطلب اندک تفکر باید کرد زیرا همیشه مطلب حاصل در روز شمس مثلاً در ساعت شمس حاصل نگردد و ممکن است ساعت حصول مطلوب را از اوقات عناصر اربعه بیرون آورد چنانکه در جدول سابق گذشت.

والحاصل تمام جزئیات و اطراف مطلوب را از زایجه به معاونت ذوق سلیم و طبع مستقیم بیرون توان آورد.

و جدول شب و روز کواکب با ساعات آنها این است

حصه دوم						حصه اول						
یاس سوم			یاس چهارم			یاس دوم			یاس اول			
قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل	قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	قبضه
زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل	قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل	روز شنبه
مریخ	مشتری	زحل	قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل	قمر	عطارد	قبضه
زحل	قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل	قمر	عطارد	زهره	شمس	روز جمعه
عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل	قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	قبضه
شمس	مریخ	مشتری	زحل	قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل	قمر	روز شنبه
مشتری	زحل	قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل	قمر	عطارد	زهره	قبضه
قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل	قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	روز سه شنبه
زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل	قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل	قبضه
مریخ	مشتری	زحل	قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل	قمر	عطارد	روز چهارشنبه
زحل	قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل	قمر	عطارد	زهره	شمس	قبضه
عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل	قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	روز پنجشنبه
شمس	مریخ	مشتری	زحل	قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل	قمر	قبضه
مشتری	زحل	قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل	قمر	عطارد	زهره	روز جمعه

و نیز دانستن قمر در کدام برج از بروج دوازده گانه است مدخلیت دارد و آن از این رباعی مستفاد است .

هر چه از ماه شد مثنی کن
 پنج دیگر فزای بر سر آن
 جای هر پنج از آن زخانه شمس
 گبر برجی و جای ماه بدان
 و نوع دیگر

هر روز و ماه سیزده تعیین کن
 پس بیست و شش علاوه و تخمین کن
 هر روز از آن زخانه خورش گیر
 میدان درجات مه مرا تحسین کن

این خلاصه کفایت است بر طالب حق را و مطلبی پوشیده نیست مگر روشن و معلوم و حدیثی تاریک نیست مگر اینکه پرده از آن برداشته شده مرحوم اکبر حسات الدهر و اعزز عیالم العمل کبار الحوزات العلمیه و استاذهم حضرت آیه الله العظمی محمد حسین طباطبائی تبریزی و جیزه آن را شروع کرده در اواسط آخر ربیعین و ختم کرده در نهایت استعجال در اواخر اول جمادین للیة الجمعه الثامن و العشرین من جمادی الاولی من شهر سنه ثلاث و اربعین و ماتین بعد الالف من الهجر النبویه و حقیر کمترین خاکسار محمد ابراهیم نصراللهی بن علی حسن بن کربلائی هادی متخلص به حاج نصر بروجردی تبیین نمود آن را در ماه مبارک رمضان سال ۱۴۰۲ هجری قمری

والحمد لله علی الاتمام و الصلوة علی
 محمد وآله